

گزیده اخبار امام مهدی

-1

(غط) : الفضل عن موسى بن سعدان عن عبد الله بن القاسم الحضرمي عن أبي سعيد الخراساني قال قلت لأبي عبد الله ع المهدى و القائم واحد فقال نعم فقلت لاي شيء سمي المهدى قال لانه يهدي الى كل امر خفي و سمي القائم لانه يقوم بعد ما يموت انه يقوم بامر عظيم جلد : ٥١

ابی سعید خراسانی گفت از امام صادق ع پرسیدم آیا مهدی و قائم یکی هستند؟ گفت بله . پس گفتم به چه جهت مهدی نامیده شده . گفت برای آنکه به کل امر پنهان هدایت میابد و قائم نامیده شده چون بپا میخیزد بعد از آنکه می میرد همانا او به امر بزرگی بپا میخیزد.

-2

جلد : ٥١

شماره صفحه : ٣٠

(ش) : روی محمد بن عجلان عن أبي عبد الله ع قال اذا قام القائم ع دعا الناس الى الاسلام جديدا و هدام

الى امر قد دثر و ضل عنه الجمهور و انما سمي القائم مهديا لانه يهدي الى امر مصلوب عنه و سمي القائم لقيامه بالحق
شماره سریال ٥١

روایت شده از محمد بن عجلان از امام صادق: گفت چون قائم بپا خیزد مردم را به اسلام جدید میخواند و هدایتشان میکند به امری که محو است و توده مردم از آن پوشیده هستند و همانا قیام کننده مهدی خوانده میشود بدان جهت که هدایت میابد به امری که از او گم و پوشیده بوده است . و قائم نامیده میشود بخاطر قیامش به حق .

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۳۶

(ك) : بهذا الاسناد عن محمد بن سنان عن عمرو بن شمر عن جابر عن ابي جعفر قال ان العلم بكتاب الله عز و جل و سنه نبیه ص ینبت فی قلب مهدینا کما ینبت الزرع عن احسن نباته فمن بقى منكم حتى یلقاه فلیقل حین یراه السلام علیکم یا اهل بیت الرحمة و النبوه و معدن العلم و موضع الرساله و روى ان التسليم على القائم ع ان یقال السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه
شماره سریال ۷۲

امام صادق گفت همانا علم به کتاب خدای عز و جل و سنت پیامبرش در دل مهدی ما می روید همانگونه که زراعت می روید به رویش زیباترش . پس چه کسی باقی میماند از شما وقتی القاء میکندش پس در حینی که می بیندش بگوید سلام بر شما ای اهل بیت رحمت و نبوت و معدن علم و محل وضع رسالت ؟ . و روایت کرد که تسلیم بر قائم این است که بگوید سلام بر تو ای بقیه الله در ارضش .

این نشان می دهد که مهدی که اطلاعی از کتاب خدا نداشته در حالیکه کتاب خدا را مطالعه میکند علم آن به مانند گیاهی که رویش بهترش را می رویاند در دل مهدی می روید و چون مهدی مبدح البطن است و توی دلش برای همه فاش است پس همه می فهمند ولی هیچکس به او نمی گوید سلام بر معدن علم و اهل بیت رحمت و محل جایگیری رسالت . چون ذره ذره همراه او متوجه میشوند . اگر او همه کتاب را حفظ و به یکباره بدون اطلاع آنها بدانها علمش را می داد آنوقت به او می گفتند ای معدن علم و...

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۳۶

(نی) : علی بن احمد عن عبيد الله بن موسى العلوي عن محمد بن احمد القلانسي عن علي بن الحسين عن العباس بن عامر عن موسى بن هلال عن عبد الله بن عطا قال خرجت حاجا من واسط فدخلت على ابي جعفر محمد بن علي ع فسالني عن الناس و الاسعار فقلت تركت الناس مادين اعناقهم اليك لو خرجت لاتبعك الخلق فقال يا بن عطا اخذت تفرش اذنيك للنوكي لا والله ما انا بصاحبكم و لا يشار الى رجل منا بالاصابع و يمط اليه بالحواجب الا مات قتيل او حتف انفه قلت و ما حتف انفه قال يموت بغيظه على فراشه حتى يبعث الله من لا يوبه لولادته قلت و من لا يوبه لولادته قال انظر من لا يدرى الناس انه ولد ام لا فذاك صاحبكم جلد : ۵۱

..... امام محمد باقر (ع) : نه به خدا سوگند من صاحب شما نيستم و به مردی از ما اشاره با چشم و

ابرو و سر نمیشود و ادامه دار در پرده با خود نمیرند جز اینکه می میرد طبق روش زیبا شوندگیشان در

جهتیکه نوآوریش میمیرد . گفتم و چیست نوآوریش میمیرد ؟ گفت می میرد به غیظش بر اساس

سخنچینی و غیبتش ، بطوریکه کسیکه خدا بر می انگیزد راست و هموار نمیشود زاده شدنش (بعنوان

مهدی موعود از مردم پذیرفته نمیشود). گفتم و چه کسی راست و هموار نمیشود برای زاده شدنش ؟

گفت منظورم این است کسیکه مردم نمی دانند همانا او زاده میشود (زاده بعنوان مهدی موعود برگزیده

خدا) یا نه . پس آن صاحبان هست .

این نشان می دهد که منظور از ولد ما امامی است که در آخرالزمان توسط احادیث ما با برانگیزاندنش

توسط خداوند زاده میشود و خود را می شناسد و مردم او را می شناسند . این امام غیبتی کرده و لاف و

گزافی را در حالت غیظ انجام داده که وقتی خدا او را بر می انگیزاند باعث عدم همواری و برابر شدن

ولادتش میشود و نو آوریش می میرد و مردم و به اصطلاح علما او را در حجاب نگه می دارند و امتداد می دهند تا ظهورش بمیرد .

-5

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۳۷

(نی) : الكلینی عن عده من اصحابنا عن سعد بن عبد الله عن ايوب بن نوح قال قلت لابي الحسن الرضا ع انا نرجو ان تكون صاحب هذا الامر و ان يسوقه الله اليك عفوا بغير سيف فقد بويع لك و ضربت الدراهم باسمك فقال ما منا احد اختلف الكتب اليه و اشير اليه بالاصابع و سئل عن المسائل و حملت اليه الاموال الا اغتيل او مات على فراشه حتى يبعث الله لهذا الامر غلاما منا خفي المولد و المنشأ غير خفي في نفسه جلد : ۵۱
شماره صفحه : ۳۷

ايوب بن نوح گفت به حضرت رضا گفتم ما امیدواریم تو صاحب این امر باشیامام رضا گفت: از ما فردی نیست که در جهت او نگارشات با هم مختلف شدند و پشت پرده ایی به او اشاره شود و طلبیدنیها از او طلبیده شود و در سوی او خواسته ها بار شود بجز آنکه دزدکی و فریبکارانه بطرفی کشیده شود در جهتی که بمیرد بر اساس لاف و غیبتش تا اینکه خدا بر می انگیزاند برای این امر جوشش چشمه ایی از ما در حالیکه تولید و پیدایش آن نهان است ، ولی آفرینش آن در جان و اندیشه او غیر نهان است .

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۳۷

(نی) : محمد بن همام عن الفزاري عن احمد بن ميثم عن عبد الله بن موسى عن عبد الاعلى بن حصين الثعلبي عن ابيه قال لقيت ابا جعفر محمد بن علي ع في حج او عمره فقلت له كبرت سني و دق عظمي فلست ادري يقضي لي لقاءك ام لا فاعهد الي عهدا و اخبرني متى الفرج فقال ان الشريد الطريد الفريد الوحيد الفرد من اهله الموتور بوالده الممكني بعمه هو صاحب الرايات و اسمه اسم نبي فقلت اعد علي فدعا بكتاب اديم او صحيفه فكتب فيها جلد : ۵۱

....امام باقر در جواب سوال راجع به فرج : همانا رانده شده تحت تعقيب مطرود تنها کنار گذاشته شده

يگانه . کنار گذاشته شده از اهلش . بخاطر پرورشش در مورد او مرتب حق كشي و بي انصافي و ستم

ميشود به مشخصه اي نشان داده ميشود كه كنايه دارد به گم ساختن علامت (علامت مهدويت او) . او

دارای پرچمهاست و مشخصه شناسایی اش مشخصه شناسایی پیامبر .

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۳۸

(نی) : ابن عقده عن حميد بن زياد عن الحسن بن محمد الحضرمي عن جعفر بن محمد ع و عن يونس بن يعقوب عن سالم المكي عن ابي الطفيل عن عامر بن واثله ان الذي تطلبون و ترجون انما يخرج من مكه و ما يخرج من مكه حتى يري الذي يحب و لو صار ان ياكل الاعضاء اعضاء الشجرة
شماره سريال ۷۸

.....امام صادق : همانا کسی را كه می طلبيد و اميد بسته ايد زير بار فشار و ضربات سختي مكيدن

(مفهوم كلام خدا را)خروج ميكند و خارج نمي شود تا ببيند آنچه را دوست دارد هر چند اينطور بشود كه

پاره ايي از مردم تحت درگيري و مشاجره پاره ايي چيزها را دعوي كنند .

مکه از ریشه مک به معنای زیر فشار و سختی گذاشتن و پی در پی بازخواستن و مکیدن است . دوران مبارزه مهدی و بلوغ حکمت او همراه با رفتار بد مردم با آن حضرت میباشد ولی او چیزی را که دوست دارد یعنی حکمت الهی و باز شدن سلسله رموز و اسرار پنهان در کتب الهی که سر منشاء ورود او به حیطه قیام بر علیه شرک زمانه بوده است را بخاطر این امور رها نمیکند هر چند این چسبیدن او به کتب الهی و احادیث موجب دعوی بعضی مردمان در این شجر دجال شود .

-8

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۳۸

(نی) : محمد بن همام عن الفزاري عن محمد بن احمد المديني عن ابن اسباط عن محمد بن سنان عن داود الرقي قال قلت لابي عبد الله ع جعلت فداك قد طال هذا الامر علينا حتى ضاقت قلوبنا و متنا كمدا فقال ان هذا الامر آيس ما يكون و اشد غما ينادى مناد من السماء باسم القائم و اسم ابيه فقلت جعلت فداك ما اسمه قال اسمه اسم نبي و اسم ابيه اسم وصي
شماره سریال ۸۰

جلد 51 بحار الانوار - صفحه 38. محمد بن همام از... از داود رقی گفت به امام صادق ع گفتم فدایت شوم

این امر طولانی شد تا دل‌هایمان دچار تنگی شد و مردیم از ادامه یافتنش ، گفت : همانا این امر از آنچه

میشود مایوس کنندگی و غم شدیدی دارد . دید و شناخت دهنده ایی از طرح شناسایی دهنده دید و

شناخت می دهد به مشخصه شناسایی قائم و مشخصه شناسایی که او را می پرورد. گفتم فدایت شوم

چیست مشخصه شناسایی اش ؟ گفت مشخصه شناسایی اش مشخصه شناسایی پیامبر و مشخصه شناسایی

که او را می پرورد مشخصه شناسایی کسی است که سفارش شده .

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۳۸

(نی) : محمد بن همام عن الفزاري عن عباد بن يعقوب عن يحيى بن سالم عن ابي جعفر انه قال صاحب هذا الامر اصغرنا سنا و اخملنا شخصا قلت متى يكون قال اذا سارت الركبان ببيعه الغلام فعند ذلك يرفع كل ذي صيصيه

بحار الانوار - جلد 51 - صفحه 38 - محمد بن همام از از يحيى بن سالم از امام محمد باقر ع گفت
صاحب اين امر از نظر مدح و ستايش كوچكترين ماست و از نظر شخصيت ، نامدار و برجسته اجتماعي
بودن، گمنامترين است گفتم اين چه وقت ميشود ؟ گفت هنگاميكه پشت سر هم ردیف كنندگي (كلام
خدا) جريان يافت به بيعت مرد جوان پس در قبال آن افراشته ميشود هر شاخ زن و مانع بلند.

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۳۸

(نی) : محمد بن همام عن الفزاري عن عباد بن يعقوب عن يحيى بن سالم عن ابي جعفر انه قال صاحب هذا الامر اصغرنا سنا و اخملنا شخصا قلت متى يكون قال اذا سارت الركبان ببيعه الغلام فعند ذلك يرفع كل ذي صيصيه

بحار الانوار - جلد 51 - صفحه 38 - محمد بن همام از از يحيى بن سالم از امام محمد باقر ع گفت
صاحب اين امر از نظر مدح و ستايش كوچكترين ماست و از نظر شخصيت ، نامدار و برجسته اجتماعي
بودن، گمنامترين است گفتم اين چه وقت ميشود ؟ گفت هنگاميكه پشت سر هم ردیف كنندگي (كلام
خدا) جريان يافت به بيعت مرد جوان پس در قبال آن افراشته ميشود هر شاخ زن و مانع بلند.

شماره صفحه : ۳۹

شماره سریال ۸۱

(نی) : علی بن الحسین عن محمد بن یحیی عن محمد بن الحسن الرازی عن محمد بن علی الکوفی عن ابراهیم بن هاشم عن حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر الیمانی عن ابی عبد الله ع انه قال يقوم القائم و لیس فی عنقه بیعه هاشم عن حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر الیمانی عن ابی عبد الله ع انه قال يقوم القائم و لیس فی عنقه بیعه لاحد
شماره سریال ۸۲

جلد 51 بحار النوار - صفحه 39 - علی بن حسین از از عمر یمانی از امام صادق گفت : قائم قیام

میکند و کسی حاضر به گردن گرفتن بیعت با او نیست .

شماره سریال ۸۶

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۴۰

(نی) : عبد الواحد بن عبد الله عن احمد بن محمد بن رباح عن احمد بن علی الحمیری عن الحسین بن ایوب عن عبد الکریم بن عمرو الخثعمی عن اسحاق بن حریر عن محمد بن زرارہ عن حمیران بن اعین قال سالت ابا جعفر ع فقلت انت القائم قال قد ولدنی رسول الله ص و انی للطالب بالدم و یفعل الله ما یشاء ثم اعدت علیه فقال قد عرفت حیث تذهب صاحبک المدیح البطن ثم الحزاز براسه ابن الارواع رحم الله فلانا

بحار الانوار - جلد 51 - صفحه 40 - عبد الواحد از از حمیران بن اعین، گفت : از امام باقر (ع) پرسیدم

قائم تویی ؟ گفت تحقیقا من زاده پیامبر خدا هستم و من خونخواه هستم و خدا هر چه بخواهد میکند .

سپس بر او باز شمردم پس گفت از حیثی که خیال و گمان داری میشناسی . صاحب تو درونش و باطنش

برای همه فاش است پس تابلو اندیشه اش تاثیر گذار بر جان و تالم و خشم انگیز است و کوشش سختی را

بر می انگیزد . او محل پسندی و زیبایی شگفت است الله بر فلان رحمت کرده .

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۴۱

(نى) : بهذا الاسناد عن الحسين بن ايوب عن عبد الله الخثعمي عن محمد بن عبد الله عن وهيب بن حفص عن ابي بصير قال قال ابو جعفر ع او ابو عبد الله ع الشك من ابن عصام يا با محمد بالقائم علامتان شامه فى راسه و داء الحزاز براسه و شامه بين كتفيه من جانبه الايسر تحت كتفيه ورقه مثل ورقه الالس ابن سته و ابن خيره الاماء

به همین اسناد از امام باقر یا امام صادق : برای قائم دو علامت است . انتظار به اینکه چکار میکند در مورد تابلو فکرش و بدحالی سوز دار نسبت به تابلو فکرش . و انتظار کشیدن و نگاه کردن به اینکه چه میشود در بین دو چیزی که کراهت دارد برای دور نگاه داشتنش (از حق و مهدویتش) طبق بازی تقدیر قماری . تحت دو چیزیکه او کراهت دارد، برایشان پربها و ارزشمند است به مثابه الگوی پربها . (مسیر الهی که می رود و در آن برگزیدگی اش بعنوان امام مهدی اثبات میشود برای مردمان حکم عیناک (تقدیر جادویی دجال) را به همراه دارد در حالیکه او در مسیر الهی می بیند مثل این است که خدا از او چیزی را می خواهد که بهرین است (خواست الهی به ادامه راهش و مشخص شدن برگزیدگی او که در طی هدایت یافتنش در دل کتب آسمانی به رموز پنهان در قرون به شکل اشاره کتاب و حدیث برایش ملموس می شود آمه نام دارد و این است معنی ابن خیر الاماء بودن او .)

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۴۳

(نی) : عبد الواحد عن محمد بن جعفر القرشي عن ابن أبي الخطاب محمد بن سنان عن أبي الجارود قال قال لي أبو جعفر لا يكون هذا الأمر إلا في أئمتنا ذكرنا وحدثنا سنا
شماره سریال ۹۵

بحار الانوار- جلد 51- صفحه 43- عبد الواحد از از ابی جارود گفت امام صادق به من گفت این امر نیست جز در مورد کم وزنه اجتماعی و گمنام بودن ترین ما از نظر ذکر شدن و نوپدید آور ما از نظر فرم و شکل گرفتگی.

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۴۳

(نی) : محمد بن همام عن احمد بن مابنداد عن احمد بن هليل عن اسحاق بن صباح عن أبي الحسن الرضا ع انه قال ان هذا سيفضي الي من يكون له الحمل جلد : ۵۱

بحار- جلد 51- صفحه 43- محمد بن همام از از اسحاق بن صباح از امام رضا همانا او گفت که این امر به کسی میرسد که برداشتن بار این امر فقط برای او تقدیر شده است .

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۴۳

(غط) : احمد بن ادريس عن ابن قتيبه عن الفضل عن محمد بن سنان عن عمار بن مروان عن المنخل عن جابر عن
ابی جعفر قال المهدی رجل من ولد فاطمه و هو رجل آدم
شماره سریال ۹۸

بحار - جلد 51 - صفحه 43 - احمد بن ادريس از از جابر از امام باقر (ع) : گفت مهدی مردی از
فرزندان کسانی است که مجرای شیردهی به آنها قطع است (یعنی اگر طلیعه ظهور دجال و مهدی در
جهان گسترده شده و همه از حس و درک شیردهی میشوند و می شنوند و می بینند پدر مادر مهدی این
مجرای شیردهی در مورد آنها قطع است و نه حس و درکی از این طلیعه دارند نه می بینند و می شنوند از
شیردهی این طلیعه . به همین دلیل است که امام جعفر صادق می گوید شباهت مهدی به یوسف این است که با
وجودیکه در نزد اهلیش یعنی پدر مادرش هست از حال او خبر ندارند) و او مردی است که بعد از
خرابکاریهای دجال میخواهد اصلاح و نیک کند .

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۷۲

(ک) : ابن عبدوس عن ابن قتيبه عن حمدان عن ابن بزيع عن صالح بن عقبه عن اييه عن الباقر عن آبائه صلوات
الله عليهم اجمعين قال قال رسول الله ص المهدی من ولدی تكون له غيبه و حيره تضل فيها الامم ياتی بذخيره
الانبياء فيملأها عدلا و قسطا كما ملئت جورا و ظلما
شماره سریال ۱۹۷

بحار الانوار - جلد 51 - صفحه 72 - ابن عبدوس از از صالح بن عقبه از پدرش از امام باقر گفت پیامبر
گفت مهدی زاده من برای او غیبت و سخنچینی و حیرتی است که امتها در آن گمراه میشوند . با ذخیره

پیامبران (اخبار و روایات و کتب آسمانی) میاید و آنرا از عدل و قسط پر میکند همانگونه که از میل به ناحق و نابجا گذاری پر شده بود.

-18

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۵۹

(کنز) : قوله تعالى (يريدون ليطفنوا نور الله بافواههم) تاويله قال محمد ابن العباس عن علي بن عبد الله بن حاتم عن اسماعيل بن اسحاق عن يحيى بن هاشم عن ابي الجارود عن ابي جعفر ع انه قال لو تركتم هذا الامر ما تركه الله

شماره سریال ۱۶۳

بحار الانوار - جلد 51 - صفحه 59 - در مورد تاویل (میخواهند نور خدا را خاموش کنند بخاطر بوهایی خوششان) محمد بن عباس از... از ابي الجارود از امام باقر (ع) گفت : اگر شما این امر را ترک کنید خدا هرگز او را ترک نمی کند .

-19

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۶۱

(کنز) : عن ابي عبد الله ع في قوله (اذا تتلى عليه آياتنا قال اساطير الاولين) یعنی تکذیبه بقائم آل محمد ع اذ يقول له لسنا نعرفك و لست من ولد فاطمه كما قال المشركون لمحمد ص

شماره سریال ۱۶۸

بحار الانوار - جلد 51 - صفحه 61 - در کنز از امام صادق در مورد گفتار خداوند (هنگامیکه بر او آیات ما خوانده میشود باز اشاره اش به مطالب غیر اصلی پیشینیان است) : یعنی قائم را تکذیب میکنند هنگامیکه

از نظر زبانی و کلامی و فصاحت به او می گویند می شناسیمت و تو فرزند حضرت فاطمه نیستی .
همانگونه که مشرکان به محمد ص می گفتند .

-20

و بالاسناد یرفعه الی ابن عباس فی قوله تعالی (و فی السماء رزقکم و ما توعدون) قال هو خروج المهدی ع
شماره سریال ۱۷۵

بحار الانوار- جلد 51- صفحه 61- به اسنادی که به ابن عباس باز می گردد در مورد گفتار حق تعالی (و
در سماء) طرح دارای اجزاء شناسایی (رزقتان است و آنچه وعده داده شدید) گفت آن خروج مهدی است

-21

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۶۸

(ما) : جماعه عن ابی المفضل عن احمد بن محمد بن بشار عن مجاهد بن موسی عن عباد بن عباد عن مجالد بن
سعيد عن جبیر بن نوف ابی الوداک قال قلت لابی سعید الخدری و الله ما یاتی علینا عام الا و هو شر من الماضي
و لا امیر الا و هو شر ممن کان قبله فقال ابو سعید سمعته من رسول الله ص یقول ما تقول و لکن سمعت رسول الله
یقول لا یزال بکم الامر حتی یولد فی الفتنه و الجور من لا یعرف غیرها حتی تملا الارض جورا فلا یقدر احد یقول
الله ثم یبعث الله عز و جل رجلا منی و من عترتی فیملأ الارض عدلا کما ملأها من کان قبله جورا و یرج له الارض
افلاذ کبدها و یحشو المال حثوا و لا یعده عدا و ذلک حتی یضرب الاسلام بجرا نه جلد : ۵۱
شماره صفحه : ۶۸

بحار- جلد 51- صفحه - 68- ابوسعید الخدری گفت شنیدم از پیامبر که میگفت امر بر شما دست بر نمی
دارد تا اینکه در فتنه و جور کسی تولید شود که غیر از آن را نمی شناسد تا اینکه زمین پر از جور
میشود پس هیچکس قادر نیست بگوید الله . بعد خدای عز و جل بر می انگیزاند مردی که از من است و از
اساس و بنیان من (قران و حدیث) است پس زمین را پر از عدل میکند همانگونه که کسیکه قبلش بود پر از
جورش کرد و نشانه هایی که وقتی دور هم آرایش میابند سزاواری حق و حقیقت را نمایان می کنند

برایش بیرون می‌آورد عطیه خود را همانگونه که آهنگش کرده بود و عطیه را اندک اندک به او می‌دهد و او آنرا نمی‌پنداشت و اینگونه است تا اینکه اسلام کاملاً دستش می‌آید و آموخته میشوند.

-22

شماره سریال ۲۳۲

السادس عشر فی قوله ع علی راسه غمامه و باسناده عن عبد الله بن عمر قال قال رسول الله ص يخرج المهدي و علی راسه غمامه فیها مناد ینادی هذا المهدي خلیفه الله فاتبعوه

بحار-سریال 232... از عبدالله بن عمر: پیامبر گفت مهدی خروج میکند و بر تابلو اندیشه مهدویت او ابهامی اندوه‌زا است که در آن ندا میکند این مهدی است خلیفه خدا و از او تبعیت کنید.

-23

شماره سریال ۲۳۳

السابع عشر فی قوله ص علی راسه ملک و باسناده عن عبد الله بن عمر قال قال رسول الله ص يخرج المهدي و علی راسه ملک ینادی هذا المهدي فاتبعوه

بحار الانوار -جلد 51-سریال 233- از قول پیامبر (ص) بر بالای سرش ملکی است و به اسنادی از عبدالله بن عمر: پیامبر گفت مهدی خروج میکند و بر تابلو اندیشه مربوط به برگزیدگی اش فرم گرفتگی قوام تمام یافته است که ندا میکند این مهدی است از او پیروی کنید.

شماره سریال ۲۴۲

السادس والعشرون في مجيئه و راياته و باسناده عن ثوبان انه قال قال رسول الله ص اذا رايتم الرايات السود قد اقبلت من خراسان فاثوثوها و لو حبوا على الثلج فان فيها خليفه الله المهدى

بحار الانوار جلد 51- سریال 242- ثوبان گفت : پیامبر گفت چون رایات راز گوینده را که بیصدا راز می گوید دیدید دارد روی میاورد پس به آن درآیید هر چند عطیه ای که به شما آرامش و دل خنکی و شادی می دهد از شما باز داشته شود پس همانا در آن خلیفه خدا مهدی است .

شماره سریال ۲۴۳

السابع والعشرون في مجيئه من قبل المشرق و باسناده عن عبد الله قال بينا نحن عند رسول الله ص اذ اقبلت فتيه من بني هاشم فلما رآهم النبي ص اغرورقت عيناه و تغير لونه فقالوا يا رسول الله ما نزال نرى في وجهك

نكره فقال انا اهل بيت اختار الله لنا الآخرة على الدنيا و ان اهل بيتي سيلقون بعدى بلاء و تشريدا و تطريدا حتى ياتي قوم من قبل المشرق و معهم رايات سود فيسالون الحق فلا يعطونه فيقاتلون و ينصرون فيعطون ما سالوا فلا يقبلون حتى يدفعوه الى رجل من اهل بيتي فيملأها قسطا كما ملأوها جورا فمن ادرك ذلك منكم فليأتهم و لو حبوا على الثلج جلد : ۵۱
شماره صفحه : ۸۳

بحار الانوار- جلد 51- صفحه 83- عبدالله گفت : نزد پیامبر بودیم جوانانی از بنی هاشم پیش آمدند پس چون پیامبر دیدشان چشمانش پر از اشک شد و رنگش تغییر یافت . گفتند نبینیم در صورتت چیزی که از آن ناراحت میشویم . گفت همانا خدا برای ما اهل و مانوسان به طرح با تدبیر اندازه شده ، آخرت را بر دنیا برگزیده است و کسانی که مانوس و اهل به طرح اندازه شده با تدبیر من هستند بلا و تحت تعقیب بودن و طرد شدن را خواهند دید تا اینکه به پاداری در پوست برداشته شدن و نمایان شدن در میانند و با آنها پرچمهای راز گوینده است پس حق را طلب میکنند پس نمی دهندش پس مبارزه میکنند و پیروز میشوند و

آنچه سوال داشتند را جواب می دهند ولی قبول نمی کنند تا در جهت مردی از اهل بیت من دفعش کنند . ولی
 پر از عدل و قسطش میکند همانگونه که از جور پر شده بود پس کسیکه این را دریافت پس همراهی
 کندشان حتی در بازداشته شدن آرامش دل و شادی.

-26

شماره سریال ۲۷۲

الباب السابع فی بیان انه یصلی بعیسی بن مریم ع ابو هريره قال قال رسول الله ص کیف انتم اذا نزل ابن مریم
 فیکم و امامکم منکم قال هذا حدیث حسن صحیح متفق علی صحته من حدیث محمد بن شهاب الزهري رواه البخاری و
 مسلم فی صحیحهما

بحار الانوار - جلد 51 - سریال 272 - ابوهریره : گفت پیامبر چگونه باشید وقتی استوار میشود ساختار
 بهبودی (بهبودی کلام خدا) در میان شما و امام شماست از شما؟

-27

و ایضا رواه مسلم فی صحیحہ عن ابی سعید الخدری قال حدثنا رسول الله ص حدیثا طویلا عن الدجال فکان
 فیما حدثنا قال یاتی و هو محرم علیه ان یدخل نقاب المدینه فینتهی الی بعض السباخ التي تلی المدینه فیخرج الیه
 یومئذ رجل هو خیر الناس او من خیر الناس فیقول اشهد انک الدجال الذی حدثنا رسول الله ص حدیثه فیقول الدجال
 ارایت ان قتلت هذا ثم احیته ا تشکون فی الامر فیقولون لا قال فقتله ثم یحیه فیقول حین یحیه و الله ما کنت
 فیک قط اشد بصیره منی الان قال فیرید الدجال ان یقتله فلا یسلط علیه قال ابو اسحاق ابراهیم بن سعد یقال ان
 هذا الرجل هو الخضرع قال هذا لفظ مسلم فی صحیحہ کما سقناه سواء و اما الدلیل علی بقاء الدجال فانه اورد
 حدیث تمیم الداری و الجساسه و الدابه التي کلمتهم و هو حدیث صحیح ذکره مسلم فی صحیحہ و قال هذا صریح فی
 بقاء الدجال قال و اما الدلیل علی بقاء ابليس اللعین فای الکتاب العزیز نحو قوله تعالی (قال رب فانظرنی الی يوم
 یبعثون قال فانک من المنظرین)
 شماره سریال ۳۰۳

و همچنین در آنچه مسلم در کتاب صحیح خودش روایت کرده از ابی سعید الخدری گفت : پیامبر در
 حدیثی طولانی از دجال نقل کرده . گفت میاید و براو ممنوع شده است که بی دلیل و بدون جستجو طبق

قانون مزد مجازات کند پس عملکردش منتهی میشود در جهت سست و آرام کردن و شوره زار کردن بعضی مواردی که طبق قانون مزد باید پاداش بگیرند. در این وضعیت مردی که بهترین مردم یا از بهترین مردم است بر او خروج میکند و میگوید من گواهی میدهم که تو همان دجالی هستی که پیامبر در حدیث برایمان گفته. دجال میگوید اگر این مرد را کشتم و دوباره زنده کردم آیا در امر شک میکنید؟ میگویند نه. پس میکشدش و دوباره زنده اش میکند. پس همان لحظه ایی که زنده میشود میگوید بخدا قسم آنچه در مورد تو شک داشتم اکنون بصیرت من افزایش یافته. دجال میخواهد او را دوباره بکشد ولی بر او تسلط نمیابد. ابو اسحاق ابراهیم بن سعد می گوید این مرد همان حضرت خضر (ع) است....

-28

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۱۱۲

(نی) : محمد بن همام و محمد بن الحسن بن محمد بن جمهور جمیعا عن الحسن بن محمد بن جمهور عن ابيه عن بعض رجاله عن المفضل بن عمر قال قال ابو عبد الله ع خبر تدريه خبر من عشره ترويه ان لكل حق حقيقه و لكل صواب نورا ثم قال انا و الله لا نعد الرجل من شيعتنا فقيها حتى يلحق له فيعرف اللحن ان امير المومنين ع قال على منبر الكوفه و ان من ورائكم فتنا مظلمه عمياء منكسف لا ينجو منها الا النومه قيل يا امير المومنين و ما النومه قال الذي يعرف الناس و لا يعرفونه و اعلموا ان الارض لا تخلو من حجه لله و لكن الله سيعمي خلقه منها بظلمهم و جورهم و اسرافهم على انفسهم و لو خلت الارض ساعه واحده من حجه لله لساخت باهلها و لكن الحجه يعرف الناس و لا يعرفونه كما كان يوسف يعرف الناس و هم له منكرون ثم تلا (يا حسره على العباد ما ياتيهم من رسول الا كانوا به يستهزون)

شماره سریال ۳۳۲

بحار الانوار - جلد 51 - صفحه 112 - محمد بن همام از از مفضل از امام صادق : برای هر حقی حقیقتی است و برای هر صواب و درستی نوری است . سپس گفت بخدا مرد شیعه خود را دانا نمی شماریم تا اینکه برایش برسد و بشناسد لحن امیر المومنین را که بر منبر کوفه گفت : همانا آنسوی شما فتنه ایی تاریک و کوری آفرین است که در خود فرو پوشاننده است کسی از آن نجات نمیابد به جز نومه (کسیکه مردم در بیداری ، او را مانند خواب دیدن مشاهده می کنند و به آنها آموزش کتاب خدا می دهد). گفته شد نومه

کیست؟ گفت کسی که با تعریف و شناخت دادن مردم را، به آنها می شناساند و نمی شناسندش و بدانید که زمین از حجت خدا خالی نمی ماند و لکن خدا خلقش را بدلیل ظلم و جور و اسرافشان نسبت به آن مبهم و کور می گرداند و اگر ساعتی زمین از حجت خدا خالی شود اهلش را فرو میبرد و لکن حجت می شناساند مردم را ولی نمی شناسندش همانگونه که یوسف مردم را می شناساند و آنها نمی شناختندش سپس این آیه را تلاوت کرد: و احسرتا از بندگان. نیامدشان از پیامبری جز اینکه او را مسخره کردند.

-29

جلد: ۵۱

شماره صفحه: ۱۱۳

(نهج) : قال ع فی بعض خطبه قد لبس جنتها و اخذها بجميع ادبها من الاقبال علیها و المعرفه بها و التفرغ و هی عند نفسه ضالته التي يطلبها و حاجته التي یسال عنها فهو مغترب اذا اغترب الاسلام و ضرب بعسیب ذنبه و الصق الارض بجرانه بقیه من بقایا حجه خلیفه من خلائف انبیائه

بحار الانوار - جلد 51 - صفحه 113 - علی ع : تحقیقا سپرش را می پوشد و به جمیع ادب آن فرا می گیردش بخاطر اقبالی که به آن دارد و معرفت به آن دارد و تکمیل میکند این را نزد خودش گمشده ایی است که می طلبدش و حاجتی است که طلب میکند و او چیز نو و غیر مانوس و غیر مألوفی آورده است هنگامیکه دین سالم و تمام و کمال نو و غیر مألوف است و بزرگ و رئیس قوم سر جای خودش میماند و آیات و نشانه هایی که وقتی دورهم آرایش می گیرند حقیقت را سزاوار میسازند را بهم می چسباند تا مفهوم کامل در دستش میاید و مهارت پیدا میکند بقیه ایی از بقایا حجت خدا جانشینی از جانشینان پیامبران خدا.

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۱۱۴

(نی) : علی بن الحسین عن محمد العطار عن محمد بن الحسن الرازی عن محمد بن علی الكوفي عن محمد بن سنان عن ابی الجارود عن مزاحم العبدی عن عكرمه بن صعصعه عن ابيه قال كان علی ع يقول لا تنفك هذه الشيعة حتى تكون بمنزله المعز لا يدرى الخابس علی ايها يضع يده فليس لهم شرف يشرفونه و لا سناد يستندون اليه في امورهم

بحار الانوار - جلد 51 - صفحه 114 - علی بن حسین از از علی ع گفت : این گروه های شایع شده خود

را آزاد و رها نمیکنند تا زمانی که به مانند بزی باشند که نمی دانند شیر درنده روی کدامشان دست

میگذارد پس برای آنها شرف و آبرویی نیست که آبرومندشان کند و نه تکیه گاهی که به آن تکیه کنند

در امورشان .

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۱۱۵

(نی) : علی بن احمد عن عبيد الله بن موسى عن موسى بن هارون بن عيسى العبدی عن عبد الله بن مسلم بن قعنب عن سليمان بن هلال قال حدثنا جعفر بن محمد عن ابيه عن جده عن الحسين بن علی ع قال جاء رجل الى امير المؤمنين ع فقال له يا امير المؤمنين نبئنا بمهديكم هذا فقال اذا درج الدارجون و قل المومنون و ذهب المجلبون فهناك فقال يا امير المؤمنين عليك السلام ممن الرجل فقال من بنی هاشم من ذروه طود العرب و بحر مغیضها اذا وردت و مجفو اهلها اذا اتت و معدن صفوتها اذا اكدت لا یجبن اذا المنايا هلعت و لا یحور اذا المومنون اکتفت و لا ینکل اذا الکماه اضطرعت مشمر مغلوب ظفر ضرغامه حصد مخدش ذکر سیف من سیوف الله راس قثم نشق راسه فی باذخ السوود و غارز مجده فی اکرم المحتد فلا یصرفنک عن تبعته صارف عارض ینوص الی الفتنة کل مناص ان قال فشر قائل و ان سکت فذو دعاير ثم رجع الی صفه المهدي ع فقال اوسعکم كهفا و اکثرکم علما و اوصلکم رحما اللهم فاجعل یبعته خروجا من الغمه و اجمع به شمل الامة فانی جاز لک فاعزم و لا تشن عنه ان وفقت له و لا تجیزن عنه ان هدیت اليه هاه و اوما ییده الی صدره شوقا الی رویته جلد : ۵۱

بحار الانوار - جلد 51 - صفحه 115 - علی بن احمد از از امام صادق : مردی نزد علی (ع) آمد و

گفت از مهدیتان خبرمان ده پس گفت : وقتی به تدریج و پله پله رفتند و مومنان اندک شدند و غوغا سازان

به طرح و پندار در آوردند ، آنجاست . پس گفت ای امیر مومنان بر تو سلام این مرد از کیست ؟ پس گفت

از افرادی است که فرایند بر او باعث بزرگی و احترام و مهربانی شدن در مورد بخش بزرگی از افراد کلاسه شده با انتشار یابندگی چیزهایی میشود و کوچک کنندگی او در حالت تحیر و از خود بیخودی هنگامیکه هم قافیگی ایجاد می شود. و جفا شونده از طرف اهل شدگان به آن هنگامیکه فراهم و سامان آید . و معدن خلوص و پاکی اش وقتی کدر میشود . نمی ترسد وقتی افراد راضی به مقدر و مطلوب با آزمندی شتابانند . وقتی مومنان کناره میگیرند و خود را حفظ میکنند بر نمی گردد . نمی ترسد و پشت نمی کند هنگامیکه افراد بی هدف که نمی دانند کجا میروند غش میکنند . بسیار کوشا ، شیر چیره و غلبه کننده ، ذکر و یاد آوری اش محل خدشه به حاصلچینی است ،

شمشیری از شمشیرهای خدا . اندیشه آلوده که می بوید اندیشه اش را رئیس و بزرگ گردنکش و پا به رکاب شونده برای تمجیدی که او برایش میسازد در مورد نیک سرشتی خود . تو را از پیروی او صرف نظر ندهد هر به نمایش درآورنده (دجال) باعث صرف نظر کردن ، که گریز می زند بطرف فتنه کل گریززندگی ، که اگر قائل شد بدترین قائل شونده است و اگر آرام و خاموش ماند دارای فتنه هایی است که آتش زنه اش نگرفته است . سپس به صفت مهدی بازگشت و گفت او با شتافتن (به کتاب خدا) ، علم شما را افزایش و وسعت میدهد و مهر به کلمه خدا را به شما می چسباند . خدایا بیعتش را مایه بیرون آمدنش از پوشیدگی و سرگردانی قرار ده و جمع و جوری امت را برایش جمع کن . و من برایت جایز کردم پس عزم کن و اگر دیدی او برایت وفق میکند پس سخنچینی فاش نساز و اگر تو را هدایت نمود از آن نگذر و تجاوز نکن و با دست اشاره به سینه اش کرد و گفت چقدر من مشتاق دیدارش هستم .

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۱۲۰

(ك) : ابن موسى عن الاسدى عن سعد عن محمد بن عبد الحميد و عبد الصمد بن محمد معا عن حنان بن سدير عن علي بن حذور عن ابن نباته قال سمعت امير المؤمنين ع يقول صاحب هذا الامر الشريد الطريد الفريد الوحيد
شماره سریال ۳۴۷

بحار الانوار- جلد 51- صفحه 120- ابن موسى از... از ابن نباته گفت شنیدم امیر المومنین ع میگفت صاحب این امر ، تحت تعقیب و طرد شده ، یگانه و کنار گذاشته تنهاست .

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۱۲۱

اقول و قال ابن ابی الحديد فی شرح خطبه اوردها السيد الرضى فى نهج البلاغه و هى مشتمله على ذكر بنى اميه هذه الخطبه ذكرها جماعه من اصحاب السير و هى متداوله منقوله مستفيضه و فيها الفاظ لم يوردها الرضى . ثم قال و منها فانظروا اهل بيت نبيكم فان لبوا فالبوا و ان استنصروكم فانصروهم ليفرجن الله برجل منا اهل البيت بابي ابن خيره الاماء لا يعطيهم الا السيف هرجا هرجا موضوعا على عاتقه ثمانيه حتى تقول قريش لو كان هذا من ولد فاطمه لرحمنا فيغريه الله بنى اميه حتى يجعلهم حطاما و رفاتا ملعونين اينما ثقفوا اخذوا و قتلوا تقتيلا سنة الله فى الذين خلوا من قبل و لن تجد لسنة الله تبديلا . ثم قال ابن ابى الحديد فان قيل من هذا الرجل الموعود قيل اما

جلد 51 بحار- صفحه 121- ابن ابی الحديد در شرح نهج البلاغه مشتمل بر ذکر بنی امیه

و.....سپس گفت پس نظر کنید به مانوس شده به طرح و پرورده پیامبران را پس اگر جستجوی علمی کردند و نشانه ها را بهم چسباندند پس بهم شما هم جستجو و به هم پیوست کنید(در کتب الهی و احیاء) و اگر از شما یاری خواستند یاریشان کنید تا خدا به مردی از ما گشایش دهد پدرم فدای کسیکه در راه استجابت بهترین کاری که خدا از او خواسته است میباشد به آنها عطا نمیکند جز چیدمان کلام الهی بطور زیاد و درهم موضوعات مختلف کلام خدا که به بهترین نحو اصلاح و ارزشمند شده است. تا اینکه کسانی که دروغ و سخنچینی را گرد میاورند میگویند اگر او فرزند فاطمه باشد رحمت شامل ما

میشود . پس خدا او را غره کرده وادار به عمل ناگهانی ناشی از خشم میکند در مورد کسانی که تمام ذهن و توجه آنها جذب پرده (های رنگین سرنوشت دجال) است تا اینکه پایمال شده قرارشان میدهد و تسویه حساب شده به این شکل که ملعونین را هر جا برتری یافتید و گیر آوردید بگیرید و قتل رسانید سنت خدا در دین در مورد کسانی که از قبل گذشتند و برای سنت خدا تبدیلی نمی یابی .

-34

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۱۳۷

(ك) : بهذا الاسناد عن محمد بن مسعود عن نصر بن الصباح عن جعفر بن سهل عن ابي عبد الله اخي ابي عبد الله الكاظمي عن القابوسي عن نصر بن السندی عن الخليل بن عمرو عن علي بن الحسين الفزاري عن ابراهيم بن عطيه عن ام هانئ الثقفيه قال غدوت على سیدی محمد بن علي الباقر فقلت له يا سیدی آیه فی کتاب الله عز و جل عرضت بقلبي اقلقتني و اسهرتني قال فاسئلي يا ام هانئ قالت قلت قول الله عز و جل (فلا أقسم بالخنس الجوار الكنس) قال نعم المساله سالتني يا ام هانئ هذا مولود في آخر الزمان هو المهدی من هذه العتره تكون له حيره و غيبه يضل فيها اقوام و يهتدي فيها اقوام فيا طوبى لك ان ادر كته و يا طوبى من ادر كه
شماره سریال ۳۷۲

بحار - جلد 51- صفحه 137- به این اسناد از محمد بن مسعود از.....از ام هانی الثقفيه گفت صبح نزد امام باقر آمدم گفتم آیه ای در کتاب خدای عز و جل به دلم فشار میاورد مضطربم میکند نمی گذارد بخوابم گفت ای ام هانی پرس از من گفتم گفته خدای عز و جل را میگویم که قسم نمیخورم به بدگویی های گذرنده به آلودگی ؛ گفت چه سوال خوبی پرسیدی ای ام هانی . این مربوط به فردی است که در آخر الزمان زاده میشود او هدایت یافته از این اساس و بنیان است برای او حیرت و سخنچینی نهانی است که در آن اقوام گمراه میشوند و در آن اقوام هدایت میابند . خوش بحالت اگر او را درک کنی و یا خوش بحال کسی که او را درک کند .

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۱۴۱

المعاش فقال يا حكم كلنا قائم بامر الله قلت فانت المهدي قال كلنا يهدي الى الله قلت فانت صاحب السيف قال كلنا صاحب السيف و وارث السيف قلت فانت الذي تقتل اعداء الله و يعز بك اولياء الله و يظهر بك دين الله فقال يا حكم كيف اكون انا و بلغت خمسا و اربعين و ان صاحب هذا اقرب عهدا بالبن منى و اخف على ظهر الدابة جلد : ۵۱

امام باقر در جواب اینکه او مهدی است یا نه گفت ای حکم همه ما قائم هستیم به امر خدا ، گفتم پس تو مهدی هستی ؟ گفت همه ما هدایت می کنیم بسوی خدا . گفتم پس تو صاحب سیف هستی ؟ گفت همه ما صاحب سیف و وارث سیف هستیم . گفتم تویی کسی که دشمنان خدا را می کشد و بوسیله تو اولیاء خدا عزت می یابند و بوسیله تو دین خدا غالب می شود ؟ گفت ای حکم چگونه من می توانم باشم و به تمایز (اینکه امام هستم) در اثر نشانه های زیاد رسیده ام ؟ و همانا صاحب این امر نزدیکتر از من به شناخت است و مخفی شده میباشد در اثر چسبیدن مردم به جاری شدن شیوه و فور مولی که در افتخار نصیبشان میشود .

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۱۴۳

(ک) : ابن ادریس عن ابیه عن ایوب بن نوح عن محمد بن سنان عن صفوان بن مهران عن الصادق جعفر بن محمد ع انه قال من اقر بجميع الاثمه ع و جحد المهدي كان كمن اقر بجميع الانبياء و جحد محمدا ص نبوته فقل له يا بن رسول الله ممن المهدي من ولدك قال الخامس من ولد السابع يغيب عنكم شخصه و لا يحل لكم تسميته . (ک) : الدقاق عن الاسدي عن سهل عن ابن محبوب عن عبد العزيز العبدی عن ابن ابی یعفور عنه ع مثله شماره سریال ۳۸۶

بحار الانوار - جلد 51 - صفحه 143 - مهران از امام صادق : کسیکه اقرار به همه ائمه کند ولی مهدی را باخیره سری انکار کند به مانند این است که به همه انبیاء اقرار کند و بطور عمدی پیامبری محمد ص را انکار کند . گفتم مهدی از زاده تو از کیست ؟ گفت متمایز شده از زاده معنی دیگر کلام خدا . شخصیتش از

شما پوشیده میشود و برای شما غیر مجاز می شود (توسط دجال) بردن مشخصه شناسایی که او را معرفی کند .

-37

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۱۴۶

(غط) : جماعه عن البزوفری عن احمد بن ادریس عن ابن قتیبه عن الفضل عن ابن ابی نجران عن صفوان عن ابی ایوب عن ابی بصیر قال قال ابو عبد الله ع ان بلغکم عن صاحبکم غیبه فلا تنکروها
شماره سریال ۳۹۹

بحار الانوار - جلد 51 - صفحه 146 - جماعه از از ابی بصیر گفت امام صادق گفت : اگر از طرف صاحبان (صحبت کننده راه با شما) به شما غیبت کردنی رسید باعث نشود او را انکار کنید .

-38

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۱۴۶

(نی) : محمد بن همام عن احمد بن مابنداد عن محمد بن سنان عن الكاهلی عن ابی عبد الله ع انه قال تواصلوا و تباروا و تراحموا فوالذي فلق الحبه و برء النسمه لياتين علیکم وقت لا یجد احدکم لدیناره و درهمه موضعا یعنی لا یجد له عند ظهور القائم ع موضعا یصرفه فیه لاستغناء الناس جمیعاً بفضل الله و فضل ولیه فقلت و انی یكون ذلك فقال عند فقدکم امامکم فلا تزالون كذلك حتی یطلع علیکم كما یطلع الشمس اینما تكونون فایاکم و الشک و الارتیاب انفوا عن نفوسکم الشکوک و قد حذرتم فاحذروا و من الله اسال توفیقکم و ارشادکم

حار الانوار - جلد 51 - صفحه 146 - محمد بن همام از از کاهلی از امام صادق : با هم رابطه داشته باشید و تبری جویید و بهم مهر داشته باشید پس بخدایی که دانه را شکافت و از داغ و نشان تبرئه می کند قسم که زمانی برایتان خواهد آمد که برای یکی از شما هم برای درخشندگی و درب باغ سبزش موضعی نمی یابد یعنی آنچه ظهور قائم ارائه می دهد موضعی برای صرف در آن نمی یابد در آن استغناء همگی

مردم است به فضل خدا و فضل ولی او . گفتم چگونه چنین میشود ؟ پس گفت در حالت گم کردن چیزی که مورد قصد و نیتتان بوده پس اینچنین هستید تا بر شما طلوع میکند همانطور که شمس بر شما طلوع میکند هر جا هستید و پس فقط شما می مانید و شک و تردید . از خودتان شک را برانید و تحقیقا هشدار داده شدید پس حذر کنید و از خدا توفیق و هدایت و بیدار شدن شما را خواهانم .

-39

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۱۴۷

(نبی) : عبد الواحد بن عبد الله عن احمد بن محمد بن رباح عن احمد بن علي الحميري عن الحسين بن ايوب عن عبد الكريم الخثعمي عن محمد بن عصام عن المفضل بن عمر قال كنت عند ابي عبد الله ع في مجلسه و معي غیری فقال لنا اياكم و التنويه يعني باسم القائم ع و كنت اراه يريد غیری فقال لي يا با عبد الله اياكم و التنويه و الله ليغيب سنينا من الدهر و ليخملن حتى يقال مات هلك باي واد سلك و لتفيض عليه اعين المومنين و ليكفان كتكفيء السفينه في امواج البحر حتى لا ينجوا الا من اخذ الله ميثاقه و كتب الايمان في قلبه و ایده بروح منه و لترفعن اثنا عشر رايه مشتبّه لا يعرف اى من اى قال فبكيت فقال لي ما يبكيك قلت جعلت فداك كيف لا ابكي و انت تقول ترفع اثنا عشر رايه مشتبّه لا يعرف اى من اى قال فنظر الى كوه في البيت التي تطلع فيها الشمس في مجلسه فقال ع ا هذه الشمس مضيه قلت نعم قال و الله لامرنا اضوء منها جلد : ۵۱

حار الانوار - جلد 51 - صفحه 147 - عبد الواحد از از مفضل از امام صادق : بر شماست یاد آوری و ستایش . و به خدا قسم سخنچینی می کند فرمهای شکل گرفته ایی از مکروهی را و کوچک و از چشم افتاده میشود تا اینکه میگویند مرد و نابود شد و به کدام شیوه رفت و دید کسانی که باور شدید (به تقدیر دجال) دارند بر علیه او پر میشود و آن دو همانند , و سزاوار میشوند (مهدی و دجال همانند و معادل آنچه در سخنچینی گفته شده میشوند) همانگونه که کشتی در امواج بیعقلی و حیرت و از گون میشود تا اینکه کسی نجات نیابد مگر کسی که خدا میثاقش را از او گرفته و ایمان را در قلبش نوشته باشد و به جوهر شناخت از او کمکش کند و افراشته میشود پرچم دوازده تایی و مشتبه شوند که نمی فهمند کدام به کدام است . من گریستم گفت برای چه می گویی ؟ گفتم فدایت شوم چگونه نگریم در حالیکه میگوی

پرچم دوازه افراشته میشود و نمی فهمیم کدام به کدام؟ گفت پس نگاه کن به شکاف در خانه که خورشید در آن می تابید در مجلسش و گفت این روشنایی خورشید است! گفتم بله. گفت بخدا امر ما تابانتر از آن است.

-40

جلد: ۵۱

شماره صفحه: ۱۴۸

(قل): باسنادنا الى ابي جعفر الطوسي عن جماعه عن التلعكبري عن ابن همام عن جميل عن القاسم بن اسماعيل عن احمد بن رباح عن ابي الفرج ابان بن محمد المعروف بالسندی نقلناه من اصله قال كان ابو عبد الله ع في الحج في السنه التي قدم فيها ابو عبد الله ع تحت الميزاب و هو يدعو و عن يمينه عبد الله بن الحسن و عن يساره حسن بن حسن و خلفه جعفر بن حسن قال فجاءه عباد بن كثير البصري فقال له يا ابا عبد الله قال فسكت عنه حتى قالها ثلاثا قال ثم قال له يا جعفر قال فقال له قل ما تشاء يا ابا كثير قال اني وجدت في كتاب لي علم هذه البنيه رجل ينقضها حجرا حجرا قال فقال له كذب كتابك يا ابا كثير و لكن كاني و الله باصفر القدمين خممش الساقين ضخم البطن دقيق العنق ضخم الراس على هذا الركن و اشار بيده الى الركن اليماني يمنع الناس من الطواف حتى يتذعروا منه قال ثم يبعث الله له رجلا مني و اشار بيده الى صدره فيقتله قتل عاد و ثمود و فرعون ذى الاوتاد قال فقال له عند ذلك عبد الله بن الحسن صدق و الله ابو عبد الله ع حتى صدقوه كلهم جميعا نقل من خط الشهيد ره عن ابي الوليد عن ابي عبد الله ع في قوله قد قامت الصلاه انما يعنى به قيام القائم ع

شماره سریال ۴۰۷

بحار الانوار- جلد 51- صفحه 148- ابي جعفر طوسي از.....از ابا كثير به امام صادق گفت در

کتابی که دارم و علم این بنا (کعبه) است یافتم که مردی با ممانعت و ممانعت، آنرا نقض میکند. او گفت کتابت دروغ میگوید و بخدا او (دجال) دو افتخار و نیک گوهری که ارائه میدهد در هاله ایی از درک و فهم است. نشان دادن بیان و آگاهی را مخدوش می کند. شناخت حقیقت چیزی که ارائه می دهد پرمایه است و چیز قشنگ و خیر (یا سخت و سنگین) که شامل افراد می کند رسا و دقیق است. فهم و تابلویی که ارائه می دهد بسیار پر مغز است. بر اساس اعتمادی که مردم به او دارند در مورد مبارکی، مردم را از آگاه شدن و آگاهی رسانی (راجع به طرح و اندازه کلمه خدا توسط مهدی) منع میکند حتی از او می ترسند (یعنی اساس کارش طوری کارگردانی است که مردم بخاطر سعادت و مبارکی به طرف کلمه خدا

ارائه شونده از مهدی نروند ولی اگر افرادی از مبارکی و سعادت تقدیر او بگذرند باز هم از او می ترسند). سپس خدا مردی از من را بر می انگیزد که همراه با احسان و زیبایی که خدا به او می دهد قوم عاد و ثمود و فرعون ذی الاوتاد را باطل و هلاک می کند ..

-41

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۱۵۰

(ع) : ابی عن سعد عن الحسن بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر عن جده محمد عن علی بن جعفر عن اخیه موسی بن جعفر قال اذا فقد الخامس من ولد السابع فالله الله فی ادیانکم لا یزیکم احد عنها یا بنی انه لا بد لصاحب هذا الامر من غیبه حتی یرجع عن هذا الامر من کان یقول به انما هی محنه من الله عز و جل امتحن بها خلقه و لو علم آباؤکم و اجدادکم دینا اصح من هذا لاتبعوه فقلت یا سیدی من الخامس من ولد السابع قال یا بنی عقولکم تصغر عن هذا و احلامکم تضیق عن حمله و لکن ان تعیشوا فسوف تدرکونه . (ک) : ابی و ابن الولید معا عن سعد مثله . (عط) : سعد مثله . (نی) : الکلبی عن علی بن محمد عن الحسن بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر عن ابیه عن جده عن علی بن جعفر مثله . (نص) : علی بن محمد السندی عن محمد بن الحسن عن سعد مثله جلد : عن ابیه عن جده عن علی بن جعفر مثله . (نص) : علی بن محمد السندی عن محمد بن الحسن عن سعد مثله جلد : ۵۱ شماره صفحه : ۱۵۰ بیان قوله یا بنی علی جبهه اللطف و الشفقه شماره سریال ۴۰۹

بحار الانوار- جلد 51- صفحه 150- علی پسر امام صادق از برادرش امام موسی کاظم : هنگامیکه

متمایز شده ، از زاده کلامی که با ظاهرش متفاوت است ، از دست رفت پس خدای را خدای را در دینهایتان احدی از آن دورتان نکند فرزندانم . لابد برای صاحب این امر غیبت و سخنچینی است بطوریکه کسیکه قائل به آن بود از این امر باز میگردد همانا این محنت از طرف خدای عز و جل است خلقتش را به آن امتحان میکند و اگر اباء و اجدادتان دینی صحیح تر از این می دانستند تبعیت می کردند . گفتم سرورم معنی خامس از ولد سابع چیست ؟ گفت ای پسرم عقلهای شما کوچکتر از آن است و رویاهای شیرینتان از برداشت آن مضایقه می کند . اگر زندگانی کنید می فهمید آنرا .

شماره صفحه : ۱۵۱

(ك) : ابی عن سعد عن الخشاب عن العباس بن عامر قال سمعت ابا الحسن موسى ع يقول صاحب هذا الامر يقول الناس لم يولد بعد
شماره سریال ۴۱۱

بحار الانوار- جلد 51- صفحه 151- ابی سعد از ... از عباس بن عامر گفت شنیدم از امام کاظم : صاحب این امر به مردم میگوید آن غیبتی را که از روی مصلحت گفته بوده زاده نخواهد شد.

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۱۵۱

(ك) : الهمدانی عن علی بن ابراهیم عن محمد بن خالد عن علی بن حسان عن داود بن کثیر قال سالت ابا الحسن موسى ع عن صاحب هذا الامر قال هو الطريد الوحيد الغريب الغائب عن اهله الموتور بابیه
شماره سریال ۴۱۲

بحار الانوار- جلد 51- صفحه 151- الهمدانی از ... از داود بن کثیر از امام کاظم : صاحب این امر طرد شده یگانه و تنها و غریب غیبت کننده در مورد اهلش است ، بخاطر چیزی که بوجود میآورد و پرورش می دهد مرتب در موردش حق کشی و پایمال کردن انجام می شود.

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۱۵۲

(ع ن) : الطالقانی عن ابن عقده عن علی بن الحسن بن فضال عن ابيه عن الرضا ع انه قال کانی بالشیعه عند فقدهم الثالث من ولدی یطلبون المرعی فلا یجدونه قلت له و لم ذلک یا بن رسول الله قال لان امامهم یغیب عنهم فقلت و لم قال لئلا یكون فی عنقه لاحد بیعه اذا قام بالسیف
شماره سریال ۴۱۵

بحار الانوار - جلد 51 - صفحه 152 - طالقانی از ابن عقده از علی بن الحسن بن فضال از پدرش از امام رضا (ع) گفت: گویی شیعه با گم کردن مطلوبیشان بخاطر زاده من که در راه حق را نمایاندن و باطل را باطل کردن است، رعایت حالشان شدن (در قانون و تقدیر دجال) را می طلبند و دوستی و دلبستگی به او ندارند. گفتم چرا ای پسر پیامبر خدا! گفت چون امامشان در مورد آنها غیبت کرده گفتم برای چه؟ گفت تا در گردنش بیعت با احدی نباشد هنگامیکه با چیدمان (کلام حق) قیام میکند.

شماره صفحه : ۱۵۷

(نی) : محمد بن همام عن ابی عبد الله محمد بن هشام عن ابی سعد سهل بن زیاد عن عبد العظیم بن عبد الله عن ابی جعفر محمد بن علی الرضا ع انه سمعه یقول اذا مات ابنی علی بدا سراج بعده ثم خفی فویل للمرتاب و طوبی للعرب الفار بدینه ثم یكون بعد ذلک احداث تشیب فیها النواصی و یسیر الصم الصلاب جلد : ۵۱
شماره صفحه : ۱۵۷

بحار الانوار - جلد 51 - صفحه 157 - محمد بن همام از..... از عبد العظیم بن عبد الله از امام تقی : هنگامیکه سازه من مرد بر اساس آشکارایی دروغ و سخنچینی که بخاطر مصلحت انجام داده، سپس مخفی ماند پس وای بر شکاک و خوش بحال افراد صاف و خالصی که بر اساس دین خود به تحقیق و کاوش پیردازد بعد از این حوادثی است که در آن انگیزه شدن برای بلند مقامی و نیکنامیها انجام میشود و بطرف مصمم شدن استوار سیر میکند.

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۱۵۲

(ن) : ابی عن الحمیری عن احمد بن هلال عن ابن محبوب عن ابی الحسن الرضا ع قال قال لی لا بد من فتنه صماء صلیم یسقط فیها کل بطانه و ولیجه و ذلک عند فقدان الشیعہ الثالث من ولدی یکی علیہ اهل السماء و اهل الارض و کل حرى و حران و کل حزین لهفان ثم قال بابی و امی سمی جدی و شبیهی و شبیه موسی بن عمران ع علیہ جیوب النور تتوقد بشعاع ضیاء القدس کم من حرى مومنه و کم من مومن متاسف حیران حزین عند فقدان الماء المعین کانی بهم آیس ما کانوا نودوا نداء یسمع من بعد کما یسمع من قرب یكون رحمه علی المومنین و عذابا علی الکافرین جلد : ۵۱

بحار الانوار - جلد 51 - صفحه 152 - ابن محبوب از امام رضا : لابد فتنه ایی است بسیار تاریک که در

آن هر راز نهان درون سینه به شکل آمیخته راست و دروغ سخنچینی میسازد و این در زمانی است که وقتی زاده من حق را طبق کتاب خدا و حدیث نمایان می کند و باطل را باطل مینامد گروههای شایع شده حاجت و مطلوب خود را مفقود شده میابند . اهل طرحی خاص که شناسایی خاصی می دهد و اهل نشانه هایی که وقتی دور هم آرایش می گیرند آنها را سزاوار خیر و زیبایی می کند بر علیه او می سرایند و همینطور هر کس که خود را سزاوار می دانسته و از او کم شده و هر کس که از زننده پنبه است و هر حریص غمگینی که بخاطر چیز از دست رفته افسوس میخورد بر علیه او می سراید . سپس گفت پدرم و مادرم فدایش باد . جدم مشخصات شناسایی بر او نهاده . او شبیه من است و شبیه موسی بن عمران . بر اوست علائم و نشانها را پیمودن که روشن میشود با مثل و مانند شدن بی نقص و عیب . چه بسا از زنان و مردان معتقد دارای نقص شده متاسف و حیران و غمگین از فقدان جوهر معنای رد کننده و ممانعت کننده گویی مایوس میشوند از آنچه ندا داده شده بودند و شناسانده شده بودند که می شنیدند از دور همانگونه که میشنیدند از نزدیک . (این پیمودنهای علائم و آیات الهی و همانندی بی نقص به برگزیده الهی بودن) رحمت میشود بر مومنین و عذاب بر کافران .

شماره صفحه : ۲۱۵

(ك) : ابن الوليد عن الصفار عن سعد و الحمیری معا عن ابن ابی الخطاب عن ابن اسباط عن ابن عمیره عن زید الشحام عن ابی عبد الله ع قال ان صالحا غاب عن قومه زمانا و كان يوم غاب عنهم كهلا مبدح البطن حسن الجسم وافر اللحية خميص البطن خفيف العارضين مجتمعاً ربعة من الرجال فلما رجع الى قومه لم يعرفوه بصورته فرجع اليهم و هم على ثلاث طبقات طبقه جاحده لا ترجع ابدا و اخرى شاكة فيه و اخرى على يقين فبداع حيث رجع بطبقه الشكاك فقال لهم انا صالح فكذبوه و شتموه و زجروه و قالوا برىء الله منك ان صالحا كان في غير صورتك قال فاتى الجهاد فلم يسمعوا منه القول و نفروا منه اشد النفور ثم انطلق الى الطبقة الثالثة و هم اهل اليقين فقال لهم انا صالح فقالوا اخبرنا خبرا لا نشك فيك معه انك صالح فانا لا نمتري ان الله تبارك و تعالى الخالق ينقل و يحول في اى الصور شاء و قد اخبرنا و تدارسنا فيما بيننا بعلامات القائم اذا جاء و انما صح عندنا اذا اتى الخبر من السماء فقال لهم صالح انا صالح الذى اتيتكم بالناقة فقالوا صدقت و هى التى نتدارس فما علاماتها فقال لها شرب و لكم شرب يوم معلوم قالوا آمنا بالله و بما جئتنا به فعند ذلك قال الله تبارك و تعالى ان صالحا مرسل من ربه قال اهل اليقين انا بما ارسل به مومنون و قال الذين استكبروا و هم الشكاك و الجهاد انا بالذى آمنتهم به كافرون قلت هل كان فيهم ذلك اليوم عالم قال الله تعالى اعدل من ان يترك الارض بغير عالم يدل على الله تبارك و تعالى و لقد مكث القوم بعد خروج صالح سبعة ايام على فتره لا يعرفون اماما غير انهم على ما فى ايديهم من دين الله عز و جل كلمتهم واحده فلما ظهر صالح ع اجتمعوا عليه و انما مثل على و القائم مثل صالح ع

بحار الانوار - جلد 51 - صفحه 215 - ابن وليد از... از زید بن شحام از امام صادق گفت : همانا صالح زمانی از قوم خود غیبت کرد و سخنچینی کرد و زمانی که غیبت کرد مورد اتکا مردم بود و راز اندونش فاش شونده برای مردم بود و تجسمش نگو مجسم میشد و زشتی آن (سخنچینی اش) به وفور بود و در درون تشنه و گرسنه بود ولی کم عطا به دو گروه مردم . در مجموع ، از مردان خوش به حال بود . چون بسوی پیاداشتن خود (کلام حق قرآن را آشکار کردن) رجوع کرد نشناختندش بخاطر وجهش . پس به آنها مراجعه کرد و آنها سه طبقه بودند . یکی کسانی که با خیره سری او را انکار میکردند و هرگز بسویش بر نمی گشتند . دیگران که شکاک بودند و دیگران که یقین داشتند . پس کلام (الهی) نو آورد و وقتی مراجعه کرد به طبقه شکاک او را تکذیب کردند و دشنام دادند و زجر دادند و گفتند خدا از تو بری است که صالح (مصلح دین) غیر از صورت و تصویر توست . پس بسوی تکذیب گران با خیره سری آمد و آنها سخنش را نشنیدند و با شدت اظهار تنفر کردند . سپس بسوی طبقه سوم که اهل یقین بودند رفت و گفتند به ما خبر ده خبری که در آن شک نکنیم که تو صالح هستی و ما تردید نداریم که خدای تبارک تعالی خالق

جابجا میکند و دگرگون میسازد به هر شکلی و صورتی که می خواهد و توبه ما خبر ده و پیاموزان به
 علامات از قائم وقتی میاید همان که در میان ما رواج دارد و نزد ما صحت دارد . وقتیکه خبر از طرحی
 که شناسایی می داد آمد ، صالح گفت من صالح هستم و این کلام ارزشمندتر و با دقت مرتب شده ایی است که
 دقیق و پسندیده است که برایتان آوردم . گفتند راست میگویى این علاماتى است که در مورد آن آموخته
 ایم . گفت نوشاندن آن است و فهمیدن شما در باره نمای ایماء هماهنگ معلوم و دانسته شده گفتند ایمان
 آوردیم به خدا و بهمین گونه است گفتار خداوند راجع به صالح که او پیامبر بود . آنها که اهل یقین بودند
 گفتند بدانچه به رسالت فرستاده شدی ایمان آوردیم و خیره سران و شکاکان گفتند بدانچه آوردی
 کافریم . گفتم آیا در این زمان بین آنها عالمی نبود ؟ گفت خدا عادلتر از آن است که قوم را رها کند بدون
 عالمی که آنها را به خدا دلالت کند . قوم صالح مکث کردند در حال سستی در مورد نمای هماهنگ ایمائی
 که دارای ظاهر متفاوتی بود از آنچه آنها فکر می کردند و امامی را نشناختند بجز کسکه برای آنها انعام
 و احسان در بر داشت از دین خدای عز و جل کلمه آنها یک رقم بود و هنگامیکه صالح ع ظهور کرد بر او
 مجتمع شدند . هر آینه مثل علی و قائم مثل صالح است .

-48

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۲۲۴

(غط) : روی ابو بصیر عن ابی جعفر ع قال فی القائم شبه من یوسف قلت و ما هو قال الحیره و الغیبه

شماره سریال ۴۷۰

بحار الانوار - جلد 51 - صفحه 224 - ابی بصیر از امام باقر : در قائم شباهتی از یوسف است گفتم آن

چیست ؟ گفت سردرگمی ، آشفتگی و غیبت و سخنچینی . (یوسف را در غیابات جبّ طرح کردند)

جلد : ۵۱

شماره صفحه : ۲۱۹

(ك) : محمد بن علی بن حاتم عن احمد بن عیسی الوشاء البغدادی عن احمد بن طاهر عن محمد بن یحیی بن سهل عن علی بن الحارث عن سعد بن منصور الجواشنی عن احمد بن علی البدیلی عن ایبه عن سدید الصیرفی قال دخلت انا و المفضل بن عمر و ابو بصیر و ابان بن تغلب علی مولانا ابی عبد الله جعفر بن محمد ع فراینه جالسا علی التراب و علیه مسح خیری مطوق بلا جیب مقصر الکمین و هو یبکی بکاء الواله الثکلی ذات الکبد الحری قد نال الحزن من وجنتیه

الحزن من وجنتیه و شاع التغير فی عارضیه و ابلی الدموع محجریه و هو یقول سیدی غیبتک نفت رقادی و ضیقت علی مهادی و اسرت منی راحه فوادی سیدی غیبتک اوصلت مصابی بفجائع الابد و فقد الواحد بعد الواحد یفنی الجمع و العدد فما احس بدمعه ترقی من عینی و انین یفتر من صدری عن دوارج الرزایا و سوالف البلیا الا مثل لعینی عن عوایر اعظمها و افظعها و تراقی اشدھا و انکرها و نوایب مخلوطه بغضبک و نوازل معجونہ بسخطک قال سدید فاستطارت عقولنا ولها و تصدعت قلوبنا جزعا عن ذلك الخطب الهائل و الحادث الغائل و ظننا انه سمه لمکروهه قارعه او حلت به من الدهر بائقه فقلنا لا ابکی الله یا بن خیر الوری عینک من ای حادثه تستنزف دمعک و تستمطر عبرتک و ایه حاله حتمت علیک هذا الماتم قال فزفر الصادق ع زفره انتفخ منها جوفه و اشتد منها خوفه و قال

بحار الانوار - جلد 51 - صفحه 219 - محمد بن علی بن حاتم از از سدید الصیرفی گفت من و مفضل

و ابوبصیر و ابان بن تغلب بر مولایمان امام صادق وارد شدید دیدیم او را محزون و اشک ریزان گویی مصیبت داغی دارد با حزن میگفت : سرورم غیبت تو خواب از چشمانم ربوده و بر اساس بستره ایی (از علم و حدیث) که فراهم می کنم تنگی می آورد (و شادی دل از فایده علمی دادن من را اسیر کرده . سرورم غیبت تو فاجعه های رمیدگی ساز را وصل به نزدیک شدن به نقطه نشانه رساندم کرده و یکی بعد از دیگری را از دست دادن است . جمع شدن و مهیا کردن را فنا میکند و پر شدن دیدی که به آنها می دهم آمیخته به سرنوشت جادویی میشود و به غایت رسیدنها (از علمی) از آنچه بعنوان منتج شدن بیان می کنم افترا می بندد از نزدیک شدن تدریجی مصیبتها و رشته در آمدن بلایای همانندی به چشم از ننگ و عارها بزرگترینشان و زشت ترینشان و سحر و جادو و چشم شدیدترینش و ناپسندترینش و مصیبتهای مخلوط به غضب تو و بلایای عجین شده به خشم . سدید گفت : عقلمان پراکنده شد از ناله او و دلها مان پریشان شد از جزع از اینگونه خطابه ایی ترسناک و حادثه هول انگیز و گمان بردیم او

شناسایی می دهد به مکروهی چیز کوبنده ایی مصیبت بار که به روزگار وارد میشود پس گفتیم به خدا گریه نکن ای فرزند نیکبها چشمت از چه خشکیده و غم از تو میبارد و چه حالی از او حتمی نموده بر تو این ماتم را ؛ پس آهی از سینه کشید که توام با ناله دلش و شدت ترسش بود و گفت : وای بر شما که چقدر به حقیقت نزدیک است و نمی دانید من صبح امروز نظر کردم در علمی که بر اساس رابطه اجزاء و اصول هست و کتابی است مشتمل بر علم نیکبها و بلایا و قبول شدن اعمال حسنه است و علمی است که آنچه انجام میشود تا یوم القیامه جز این نباشد که خدا بی عیب و نقصی مشخصه شناسایی اش را بیان نمودن به محمد و ائمه از مصلحت اش اختصاص داده و در آن تامل کردم در مورد زاده شدن قیام کننده ما و غیبتش و سست و آهسته رویش و به درازا کشیدن اندازه و عمران کردن کلمه الهی را و امتحان مومنین به آن بخاطر حرفی که از مصلحت زده بوده در این زمان و زاده شدن همسو و ردیف شدن همه در مورد دروغها و زیر و رویهایی که میخواهند بار بیاورند از به درازا کشیدن غیبتی که کرده بوده

-50

شماره صفحه : ۲۲۴

(غط) : و اما ما روی من الاخبار التي تتضمن ان صاحب الزمان يموت ثم يعيش او يقتل ثم يعيش نحو ما الفضل بن شاذان عن موسى بن سعدان عن عبد الله بن القاسم الحضرمي عن ابي سعيد الخراساني قال قلت لابي عبد الله ع لای شیء سمي القائم قال لانه يقوم بعد ما يموت انه يقوم بامر عظیم يقوم بامر الله
شماره سه نال ۴۷۱

بحار الانوار - جلد 51 - صفحه 224 - فضل بن شاذان از از ابی سعید خراسانی گفت به امام صادق گفتم به چه دلیل و چرا قائم نامیده شده ؛ گفت چون بعد از اینکه می میرد قیام میکند . قیام میکند به امر عظیمی . قیام میکند به امر خدا .

-51

و روی محمد بن عبد الله بن جعفر الحمیری عن ابيه عن يعقوب بن يزيد عن علي بن الحكم عن حماد بن عثمان عن ابي بصير قال سمعت ابا جعفر يقول مثل امرنا في كتاب الله تعالى مثل صاحب الحمار اماته الله ماہ عام ثم بعته
شماره سریال ۴۷۲

محمد بن عبد الله بن جعفر الحمیری از... از ابي بصير گفت شنيدم امام صادق ميگفت: مثل امر ما در کتاب خداي تعالی مثل صاحب حمار است آن اله (دجال) او را می میراند در دسته دسته کنار هم چیدن محصول کاوش (محصول کاوش در کتاب خدا) را سپس از آن (کاوش در کتاب خدا) خارجش می کند.

-52

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۹۱

(ك ك ع) : ابن عبدوس عن ابن قتيبة عن حمدان بن سليمان عن محمد بن الحسين عن ابن محبوب عن علي بن رثاب عن زراره قال سمعت ابا جعفر يقول ان للغلام غيبه قبل ظهوره قلت و لم قال يخاف و او ما بيده الي بطنه قال زراره يعني القتل . (ك ك) : العطار عن سعد عن ابن عيسى عن ابن نجيب عن زراره مثله . (ني) : ابن عقده عن عبد الله بن احمد عن محمد بن عبد الله الحلبي عن ابن بكير عن زراره مثله

بحار الانوار - جلد 52 - صفحه 91 - ابن عبدوس از از زراره گفت از امام صادق شنيدم ميگفت براي اين جوان قبل از ظهورش غيبت و لاف زني است گفتم براي چه ؛ گفت مي ترسد و اشاره به شكش كرد .
(چند تن ديگر از راويان هم مشابه اين روايت کرده اند)

-53

بحار الانوار - جلد 52 - صفحه 95 - ابن وليد از... از زراره بن اعين گفت از امام صادق شنيدم ميگويد براي جوان ، غيبت و سخنچيني است قبل از آنكه قيام كند . گفت براي چه ؛ گفت مي ترسد و با دست به شك و گردنش اشاره كرد . سپس گفت اوست كسيكه انتظارش را ميكشند (كه چه ميشود سر نوشت)

کسیکه مردم در زاده شدنش شک دارند . از آنها کسانی میگویند وقتی پدرش مرد او هم حتما میمیرد و برای آن مبدل سازی نخواهد شد . و از آنها کسانی میگویند تحقیقا در قبال مرگ پدرش او زاده میشود به دو شکل نمایان و تابان شده . خداوند عز و جل واجب ساخته امتحان بندگانش را و در اینگونگی باطلگرایان به شک می افتند .

-54

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۹۵

(ك) : ابن المتوكل عن محمد العطار عن اليقطيني عن ابن ابي عمير عن سعيد بن غزوان عن ابي بصير عن ابي عبد الله ع قال صاحب هذا الامر تعمي ولادته على هذا الخلق لئلا يكون لاحد في عنقه بيعه اذا خرج
شماره سریال ۸۳

بحار الانوار-جلد 52- صفحه 95-ابن متوکل از...ازابی بصیر از امام صادق : گفت صاحب این امر زاده شدنش بر اساس این ترسیم (ترسیم روایات و قرآن) پوشیده میماند تا بیعت در گردن فردی نباشد وقتی خروج میکند.

-55

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۹۵

(ك) : ابي و ابن الوليد معا عن سعد عن اليقطيني و ابن ابي الخطاب معا عن ابن ابي عمير عن جميل بن صالح عن ابي عبد الله ع قال يبعث القائم و ليس في عنقه لاحد بيعه
شماره سریال ۸۴

بحار الانوار-جلد 52- صفحه 95-ابن ولید از...از جمیل بن صالح از امام صادق گفت : قائم برانگیخته میشود و در مورد سروریش بیعت احدی نیست .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۹۶

(ك) : عبد الواحد بن محمد العطار عن ابي عمرو الليثي عن محمد بن مسعود عن جبرئيل بن احمد عن محمد بن عيسى عن ابن ابي عمير عن سعيد بن غزوان عن ابي بصير عن ابي عبد الله ع قال صاحب هذا الامر تغيب ولادته عن هذا الخلق لئلا يكون لاحد في عنقه بيعه اذا خرج و يصلح الله عز و جل امره في ليله
شماره سریال ۸۷

بحار الانوار - جلد ۵۲ - صفحه ۹۶ - عبد الواحد بن محمد عطار از ... از ابي بصير از امام صادق : گفت

صاحب این امر زاده شدنش پنهان میماند (توسط دجال) از این مردم تا احدی با او بیعت نکند هنگامیکه خروج کرد و خدای عز و جل امر او را در بر چسبیدن و منطبق شدن نشانه ها به واقعیت زمانه اصلاح میکند .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۰۱

(غط) : محمد الحمیری عن ابيه عن ابن يزيد عن حماد بن عيسى عن ابراهيم بن عمر اليماني عن رجل عن ابي جعفر انه قال لتمخضن يا معشر الشيعة شيعة آل محمد كمخيض الكحل في العين لان صاحب الكحل يعلم متى يقع في العين و لا يعلم متى يذهب فيصبح احدكم و هو يرى انه على شريعة من امرنا فيمسي و قد خرج منها و يمسي و هو على شريعة من امرنا فيصبح و قد خرج منها . (نى) : على بن احمد عن عبيد الله بن موسى عن على بن اسماعيل عن حماد بن عيسى مثله جلد : ۵۲

بحار الانوار - جلد ۵۲ - صفحه ۱۰۱ - محمد بن حمیری از ... از ابراهیم بن عمر یمانی از مردی از امام

صادق : گفت ای گروه های شیعه ، شیعه آل محمد به جنبش در آورده می شوید برای استفاده بردن ، مانند

جنبش و تحرک در آوردن برای استفاده بردن مهره جادو در دیدگاه، بطوریکه فرد صاحب مهره جادو شده می داند چه وقت در دید وارد شده ولی نمی داند چه وقت می رود. پس هر یک از شما صبح میکند در حالیکه بر شریعت و راه امر ماست و شب میکند در حالیکه از آن خارج شده و شب میکند در حالیکه به طریقه امر ماست و صبح میکند در حالیکه خارج شده از آن.

-58

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۲۱

(کتاب المحتضر) : للحسن بن سلیمان تلمیذ الشہید رحمہ اللہ علیہما قال روی انه وجد بخط مولانا ابی محمد العسکری ع ما صورته قد سعدنا ذری الحقائق باقدام النبوه و الولایه و ساقه الی ان قال و سیسفر لهم ینایع الحيوان بعد لظی النیران لتمام (الم) و (طه) و الطواسین من السنین جلد : ۵۲

بحار الانوار - جلد 52 - صفحه 121 - حسن بن سلیمان شاگرد شهید که رحمت خدا بر هر دو شان گفت همانا او بخط امام عسگری یافته که تصویر کرده : تحقیقا از حقایق منتشر شده بالا رفتیم به سروریهای نبوت و ولایت و سختی آن در غایت رسیدن است و برای آنها پرده برداشته خواهد شد منابع حیات انگیز بعد از ستیزه سمج آمیز شمس و قمر برای تمام (الم) و (طه) و آرایشگران تصویرهای فرم گرفته.

-59

شماره صفحه : ۱۲۵

(ك) : محمد بن علی بن الشاه عن احمد بن محمد بن الحسن عن احمد بن خالد الخالدي عن محمد بن احمد بن صالح التميمي عن محمد بن حاتم القطان عن حماد بن عمرو عن الصادق عن آبائه ع قال قال النبي ص لعلي ع يا علي و اعلم ان اعظم الناس يقينا قوم يكونون في آخر الزمان لم يلحقوا النبي و حجب عنهم الحجة فامنوا بسواد في و اعلم ان اعظم الناس يقينا قوم يكونون في آخر الزمان لم يلحقوا النبي و حجب عنهم الحجة فامنوا بسواد في بیاض شماره سریال ۱۶۰ جلد : ۵۲

بحار - 52 - ص 125 - محمد بن علی از از حماد بن عمرو از امام صادق از اجدادش : پیامبر گفت ای علی بدان که بیشتر مردمی که یقین دارند، مردمانی میشوند در آخر الزمان که به پیامبر ملحق

نمیشوند و حجت و استدلال برای آنها در حجاب و حائلیت است و ایمان میاورند به رازگویی به شکل نکوتر و درخشان.

-60

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۳۴

(نی) : محمد بن همام باسناده یرفعه الی ابان بن تغلب عن ابی عبد الله ع انه قال یاتی علی الناس زمان یصیبهم فیها سبطه یارز العلم فیها کما تارز الحیه فی جحرها فینا هم کذلک اذ طلع علیهم نجم قلت فما السبطه قال الفتره قلت فکیف نصنع فیما بین ذلک قال کونوا علی ما انتم علیه حتی یطلع الله لکم نجمکم

بحار- جلد 52- صفحه 134- محمد بن همام باسنادش از ۱۰۰۰ از بن تغلب از امام صادق : گفت زمانی بر مردم میاید که بر آنها از ترس ساکت شدن و بر زمین خوابیدن میرسد و علم در آن منجمد میشود همانگونه که زنده و پر جنب و جوش خشک میشود از مجبور کردنش به از دست برداشتن از کاری یا خریدن به پناهگاهش و امر افضل آنها اینگونه است وقتی نجم بر آنها طلوع میکند . گفتم از ترس بر زمین خوابیدن و ساکت شدن چیست ؟ گفت فترت و سستی . گفتم در اینگونهگی چه کنیم ؟ گفت بر آنچه هستید باشید تا خدا از نعمتان آگاهیتان دهد.

-61

و بهذا الاسناد عن ابان بن تغلب عن ابی عبد الله ع انه قال کیف انتم اذا وقعت السبطه بین المسجدین تارز العلم فیها کما تارز الحیه فی جحرها و اختلفت الشیعه بینهم و سمی بعضهم بعضا کذابین و یتفل بعضهم فی وجوه بعض فقلت ما عند ذلک من خیر قال الخیر کله عند ذلک یقوله ثلثا و قد قرب الفرج الکلبی عن عده من رجاله عن احمد بن محمد عن الوشاء عن علی بن الحسین عن ابان بن تغلب عن ابی عبد الله ع انه قال کیف انت اذا وقعت السبطه و ذکر مثله بلفظه
شماره سریال ۱۹۰

و به همین اسناد از ابان بن تغلب از امام صادق : گفت چگونه باشید شما وقتی از ترس ساکت شدن و به زمین خوابیدن باشد بین دو سجده گاه علم منجمد میشود در آن همانگونه که ماراز ترس وادار به دست برداشتن

و به پناهگاه خزیدن میشود و منجمد میشود و گروههای شایع شده بینشان اختلاف میکنند و بعضی برای بعضی مشخصه شناسایی میسازند دروغگویانه و به وجه و آبروی هم تف میکنند . گفتم آیا در اینگونه خیری است ؟ او سه بار گفت کل خیر در این زمان است

-62

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۳۵

(نی) : محمد بن همام عن الحمیری عن محمد بن عیسی عن صالح بن محمد عن یمان التمار قال قال ابو عبد الله ع ان لصاحب هذا الامر غيبه المتمسك فيها بدینه كالخارط لمشوك القتاد بیده ثم اوما ابو عبد الله ع بیده هكذا قال فايكم تمسك شوک القتاد بیده ثم اطرق مليا ثم قال ان لصاحب هذا الامر غيبه فليثق الله عبد عند غيبته و لیتمسك بدینه . (نی) : الكليني عن محمد بن يحيى و الحسن بن محمد بن محمد جميعا عن جعفر بن محمد عن الحسن بن محمد الصيرفي عن صالح بن خالد عن يمان التمار قال كنا جلوسا عند ابي عبد الله ع فقال ان لصاحب هذا الامر غيبه و ذكر مثله سواء

شماره سریال ۱۹۲

بحار الانوار - جلد 52 - صفحه 135 - محمد بن همام از از محمد بن یمان گفت امام صادق گفت : برای

صاحب این امر در هم درآمدنی (به انبیاء در قرآن و احادیث) یا غیبت و سخنچینی است که متمسک به

دینش به مانند کسی است که خار درخت خار دار را در دست بگیرد و بفشرد و بکشد پایین تا پاک شود

سپس اشاره به دستش کرد و گفت اینگونه ! گفت کدامتان چنگ می زند به خار درخت پر تیغ با دستش ؟

سپس مدتی سکوت کرد و بعد گفت همانا برای صاحب این امر غیبت و سخنچینی (یا در هم درآمدن) است

که بنده خدا باید تقوی پیشه کند و به دینش چنگ زند .

-63

بحار الانوار- جلد 52- صفحه 139- محمد بن همام از.... از جابر از امام باقر گفت : مثل کسی که اهل اندازه کردن طرح است که از ما آنرا تدوین کند در استقبال از قیام قائم مثل این است که ترسش بر طرف شده شتاب می گیرد واقع میشود در خواستن به اینکه به دیگران هم بفهماند پس بازیچه بچه ها میشود .

-64

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۳۹

(نی) : محمد بن همام و محمد بن الحسن بن محمد جمیعا عن الحسن بن محمد بن جمهور عن ابيه عن سماعه عن صالح بن نبط و بكر المثنی جمیعا عن ابی جعفر الباقر ع انه قال هلك اصحاب المحاضیر و نجا المقربون و ثبت الحصن علی او تادها ان بعد الغم فتحا عجیبا
شماره سریال ۲۰۰

بحار 52-139 محمد بن همام از... از بكر المثنی جمیعا از امام باقر گفت رقابتگران شتابان در مسابقه هلاک شدند و افراد منطقی نجات یافتند و پناهگاه بر میخهایش ثابت شد . همانا بعد از غم گشایش عجیبی است .

-65

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۳۹

(نی) : علی بن احمد عن عیید الله بن موسی عن محمد بن الحسین عن محمد بن شیبان عن عمار بن مروان عن منخل بن جمیل عن جابر بن یزید عن ابی جعفر الباقر ع انه قال اسكنوا ما سكنت السماوات و الارض ای لا تخرجوا علی احد فان امرکم لیس به خفاء الا انها آیه من الله عز و جل لیست من الناس الا انها اضواء من الشمس لا یخفی علی بر و لا فاجر تعرفون الصبح فانه كالصبح لیس به خفاء

بحار الانوار- جلد 52- صفحه 139- علی بن احمد از.... از جابر بن یزید از امام باقر گفت آرام باشید مادام که طرح های شناسایی دهنده و علائم و نشانه هایی که وقتی دور هم آرایش می گیرند (و مهدی موعود را می شناساند) آرام است . و همراه احدی خروج نکنید . پس همانا امرتان پنهان نیست جز این نیست که آیه و نشانه قابل تأملی از خدای عز و جل است و از مردم نیست . هان همانا تابانتر از خورشید

است . بر درستکار و فاجر جادو پرست پنهان نیست . صبح را می شناسید ؟ پس آن به مانند صبح است و پنهان نیست .

-66

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۴۴

(نهج) : الزموا الارض و اصبروا على البلاء و لا تحركوا بايديكم و سيوفكم و هوى طيه و لا تستعجلوا بما لم يعجله الله لكم فانه من مات منكم على فراشه و هو على معرفه ربه و حق رسوله و اهل بيته مات شهيدا اوقع اجره على الله و استوجب ثواب ما نوى من صالح عمله و قامت اليه مقام اصلائه بسيفه فان لكل شيء مده و اجلا
شماره سریال ۲۱۶

بحار الانوار - جلد 52 - صفحه 144 - (نهج) : لازم بگیرید نشانه هایی را که وقتی دور هم آرایش می گیرند حقیقت خدایی را سزاوار میسازند و بر بلاء صبر کنید و احسان و انعامتان و بوی رازدار خودتان را و عشق به قصد و نیتتان را بجنبش در نیاورید و به چیزی که خدا برایتان شتاب ندارد شتاب نکنید پس همانا کسی از شما که بر اساس دروغهای راجع به خودش بمیرد و او بر شناخت از پروردگارش و حق و پیامبرش باشد و اهل و مانوس به طرح اندازه شده اش باشد به شکل شهیدی مرده است که اجر او بر خدا است و بر او واجب میشود ثواب عمل فردی که صالح عمل کرده و نیت تنظیم نمودن حقیقت خدا را با چیدمانش بپا داشته پس همانا برای هر چیز مدتی است و موعدی .

-67

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۴۴

(ما) : احمد بن عبدون عن علي بن محمد بن الزبير عن علي بن الحسن بن فضال عن العباس بن عامر عن احمد بن رزق الغمشاني عن يحيى بن العلاء عن ابي جعفر قال كل مومن شهيد و ان مات على فراشه فهو شهيد و هو كمن مات في عسكر القائم ع ثم قال ا يحبس نفسه على الله ثم لا يدخل الجنة
شماره سریال ۲۱۷

بحار الانوار - جلد 52 - صفحه 144 - احمد بن عبدون از..... از بن علاء از امام باقر : هر مومن شهید است و اگر بر اساس دروغ و سخنچینی راجع به او بمیرد او شهید است و او به مانند کسی است که در لشکر قائم مرده است . سپس گفت آیا کسی که اندیشه زیبا راجع به خود را در بند کند بخاطر خدا داخل بهشت نمیشود ؟

-68

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۵۳

(غط) : بهذا الاسناد عن الفضل عن ابن ابي نجران عن علي بن ابي حمزه عن ابي بصير عن ابي جعفر قال لا بد لصاحب هذا الامر من عزله و لا بد في عزله من قوه و ما بثلاثين من وحشه و نعم المنزل طيبه
شماره سریال ۲۳۵

حار الانوار - جلد 52 - صفحه 153... ابي بصير از امام باقر : گفت قطعا برای صاحب این امر عزلت است و قطعا در عزلتش قوت است و از جدا کردن ها که کدام حق است و کدام باطل وحشتی ندارد و چه نکو استوار شدنی مطبوع است .

-69

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۵۱

(ك) : ابي و ابن الوليد و ابن المتوكل و ماجيلويه و العطار جميعا عن محمد العطار عن الفزاري عن اسحاق بن محمد عن يحيى بن المثنى عن ابن بكير عن عبيد بن زراره قال سمعت ابا عبد الله ع يقول يفقد الناس امامهم فيشهدهم الموسم فيراهم و لا يرونه . (ك) : ابي عن سعد عن الفزاري مثله . (ك) : المظفر العلوي عن ابن العياشي عن ابيه عن جبرئيل بن احمد عن موسى بن جعفر البغدادي عن الحسن بن محمد الصيرفي عن يحيى بن المثنى مثله . (غط) : جماعه عن التلعكبري عن احمد بن علي عن الاسدي عن سعد عن الفزاري مثله . (ني) : محمد بن همام عن جعفر بن محمد بن مالك عن الحسن بن محمد الصيرفي عن يحيى بن المثنى مثله . (ني) : الكليني عن محمد بن العطار عن جعفر بن محمد عن اسحاق بن محمد بن محمد بن محمد عن جعفر بن محمد عن القاسم بن اسماعيل عن يحيى بن المثنى مثله
شماره سریال ۲۳۱

بحار الانوار - جلد 52 - صفحه 151 - ابن ولید و ... از محمد عطار از ... از عبید بن زراره گفت شنیدم امام صادق میگفت مردم امامشان را گم می کنند و در بازار مکاره برایشان گواهی میدهد پس برایشان می فهماند و برمی افرازد و او را نمی فهمند.

-70

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۵۳

(غط) : ابن ابی جید عن ابن الولید عن الصفار عن ابن معروف عن عبد الله بن حمدويه بن البراء عن ثابت عن اسماعيل عن عبد الاعلی مولى آل سام قال خرجت مع ابی عبد الله ع فلما نزلنا الروحاء نظر الی جبلها مطلقا علیها فقال لی ترى هذا الجبل هذا جبل يدعی رضوی من جبال فارس احبنا فنقله الله الینا اما ان فیه کل شجره مطعم و نعم امان للخائف مرتین اما ان لصاحب هذا الامر فیه غیبتین واحده قصیره و الاخری طویلہ
شماره سریال ۲۳۶

بحار الانوار - جلد 52 - صفحه 153 - ابن ابی جید از از آل سام گفت با امام صادق بیرون شدم پس آنگاه که به روحاء فرود آمدم نظری به کوه آن کرد با درنگ بر آن که باران ریز بر آن میبارید بعد گفت این کوه را می بینی ؟ این جبل تداعی میکند مرد بزرگ و دانشمند پسندیده و مایه خشنودی از دانشمندی که در ایران است ما را دوست دارد پس خدا او را انتقال می دهد بسوی ما و اما اینکه در مورد هر شجره (بنیان گذاشته شده توسط خداوند در متون مذهبی) ، آموزاننده ادب است و چه نیک امانی است برای فرد ترسان . و اما برای صاحب این امر در آن دو مورد درهم فرو رفتن پیش میاید، یکی کم کوتاه و دیگر مورد طولانی و کشدار .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۵۴

(غط) : الفضل بن شاذان عن عبد الله بن جبله عن سلمه بن جناح الجعفی عن حازم بن حبيب قال قال لی ابو عبد الله ع یا حازم ان لصاحب هذا الامر غیبتین يظهر فی الثانیه ان جاءك من یقول انه نقض یده من تراب قبره فلا الله ع یا حازم ان لصاحب هذا الامر غیبتین يظهر فی الثانیه ان جاءك من یقول انه نقض یده من تراب قبره فلا تصدقه
شماره سریال ۲۳۷

بحار الانوار - جلد ۵۲ - صفحه ۱۵۴ - فضل بم شاذان از... از حازم بن حبيب گفت امام صادق به من گفت ای حازم همانا برای صاحب این امر دو درهم درآمدن است در دومی ظاهر میشود . اگر کسی تو را آمد که میگوید همانا قائم احسان و انعامی که شامل حالش میشود را در بخاک افتادن و زیانبار شدن ناشی از چراغ صید بر روی خودش انداختن ، تباه کرده تصدیق نکن .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۵۶

(نی) : بهذا الاسناد عن عبد الكريم عن العلاء عن محمد عن ابی جعفر ع انه سمعه یقول ان للقاء غیبتین یقال فی احدهما هلك و لا یدری فی ای واد سلک
شماره سریال ۲۴۳

بحار الانوار - جلد ۵۲ - صفحه ۱۵۶ - عبدالکریم از... از محمد از امام باقر : شنیدم میگفت همانا برای قائم دو درهم درآمدن است . گفته میشود در یکی از آن دو حتما هلاک میشود و نمی دانند به چه شیوه ایی به رشته در میاید .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۵۶

(نی) : ابن عقده عن محمد بن المفضل عن ابراهيم بن قيس و سعدان بن اسحاق بن سعيد و احمد بن الحسين بن عبد الملك و محمد بن احمد بن الحسن القطواني قالوا جميعا حدثنا الحسن بن محبوب عن ابراهيم الخارفي عن ابي بصير قال قلت لابي عبد الله ع كان ابو جعفر ع يقول لقائم آل محمد غيبتان احدهما اطول من الاخرى فقال نعم و لا يكون ذلك حتى يختلف سيف بني فلان و تضيق الحلقة و يظهر السفيناني و يشتد البلاء و يشمل الناس موت و قتل يلجون فيه الى حرم الله و حرم رسوله

شماره سریال ۲۴۵

بحار الانوار - جلد 52 - صفحه 156 - ابن عقده از.... از ابی بصیر گفت به امام صادق گفتیم امام باقر میگفت برای قائم طبق دورنمای حضرت محمد دو درهم در آمدگی است یکی از آنها طولانی تر است از دیگری . گفت بله و اینگونه نخواهد بود تا اینکه چیدمان بنی فلان جایگزین شود و حلقه تنگ شود و سفینانی ظاهر شود و بلا شدت گیرد و مرگ و قتل مردم را شامل شود که در آن پناه میبرند به ممنوعیت خدا و ممنوعیت پیامبرش.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۵۷

(نی) : الكليني عن محمد بن يحيى عن احمد بن ادریس عن الحسن بن علي الكوفي عن علي بن حسان عن عبد الرحمن بن كثير عن المفضل بن عمر قال سمعت ابا عبد الله ع يقول ان لصاحب هذا الامر غيبتين في احدهما يرجع فيها الى اهله و الاخرى يقال في اي واد سلكت قلت كيف نصنع اذا كان ذلك قال ان ادعى مدع فاسالوه عن تلك العظام التي يجيب فيها مثله

شماره سریال ۲۴۶

بحار الانوار - جلد 52 - ص 157 - کلینی از..... از مفضل بن عمر گفت شنیدم امام صادق میگفت برای صاحب این امر دو درهم در آمدگی است . در یکی از آنها باز می گردد به اهلش و دیگری گفته میشود در چه شیوه ای و مسلکی به رشته در آمده ؛ گفتیم وقتی چنین میشود ما چه کنیم ؛ گفت وقتی ادعا کننده ایی به ناحق ادعا کرد پس از او راجع به مسائل خیلی عظیم که در آن همانندی اش را اجابت میکند پرسید.

(نی) : ابن عقده عن القاسم بن محمد عن عیسی بن هشام عن عبد الله بن جبلة عن احمد بن نصر عن المفضل عن ابي عبد الله ع قال ان لصاحب هذا الامر غيبه يقول فيها فقررت منكم لما خفتكم فوهب لي ربي حكما وجعلني من ابي عبد الله ع قال ان لصاحب هذا الامر غيبه يقول فيها فقررت منكم لما خفتكم فوهب لي ربي حكما وجعلني من المرسلين
شماره سریال ۲۴۷

حارالانوار-جلد 52-صفحه 157-ابن عقده از...از مفضل از امام صادق : گفت برای صاحب این امر درهم درآمدگی است و میگوید وقتی راجع به شما بیمناک شدم در باره اوضاع و احوال شما بررسی و کاوش (در حدیث و قرآن) کردم و پروردگارم به من حکم داد و من را از پیامبران قرار داد .

(نی) : عبد الواحد بن عبد الله عن احمد بن محمد بن رباح عن محمد بن العباس عن ابن البطائنی عن ابیه عن المفضل قال سمعت ابا عبد الله ع يقول ان لصاحب الامر بيتا يقال له بيت الحمد فيه سراج يزهر منذ يوم ولد الي يوم يقوم بالسيف لا يطفى . (غط) : محمد الحمیری عن ابیه عن محمد بن عیسی عن محمد بن عطاء عن سلام بن ابی عمیره عن ابی جعفر ع مثله

بحارالانوار-جلد 52-صفحه 158-عبدالواحد از...از مفضل گفت از امام صادق شنیدم میگفت که برای صاحب این امر طرح اندازه شده ایی است که به آن طرح اندازه شده ستودگی می گویند . در آن چراغی است که می درخشد از روزیکه متولد میشود تا روزیکه با چیدمان پیا میخیزد خاموش نمیشود .

شماره سریال ۲۵۹

و عنه عن ابي جعفر ع في قوله (قل هو القادر على ان يبعث عليكم عذابا من فوقكم) قال هو الدجال و الصيحه (او من تحت ارجلكم) و هو الخسف (او يلبسكم شيئا) و هو اختلاف في الدين و طعن بعضكم على بعض (و يذيق بعضكم باس بعض) و هو ان يقتل بعضكم بعضا و كل هذا في اهل القبله

شماره سریال ۲۶۰

بحار الانوار- جلد 52- سریال 260- و از او از امام محمد باقر (ع) در قول خداوند که فرموده (بگو او قادر است که عذابی از بالای سرتان برانگیزد) گفت آن دجال است و صیحه (یا تحت سبقت گرفتنتان از هم) و آن فرو پوشیده شدن است (او یلبسکم شیعا) و آن اختلاف طبق قانون جایزه و طعن کردن بعضیتان بعضی دیگر (و بچشاند سختی بعضیتان بعضی دیگر را) و آن قتل بعضی از شما بعضی دیگر را و همه اینها در اهل قبله است .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۸۲

(ب) : ابن عیسی عن البزنطی عن الرضاع قال قدام هذا الامر قتل ييوح قلت و ما الييوح قال دائم لا يفتتر جلد :

بحار الانوار- جلد 52- صفحه 182- ابن عیسی از بزنطی از رضا (ع) گفت قدام این امر زیبا راه رفتن با فاش شدن رازی هست . گفتم آن چیست ؟ گفت دائم است فرار نمیشود .

و قال الشيخ امين الدين الطبرسي رحمه الله قال ابو حمزه الثمالی سمعت علی بن الحسین و الحسن بن الحسن بن علی ع يقولان هو جيش البیداء یوخذون من تحت اقدامهم
شماره سریال ۲۶۸

و شیخ امین الدین طبرسی گفت ابو حمزه مثالی گفت شنیدم از علی بن الحسین (ع) و حسن ابن علی (ع) می گفتند این لشکر امر و کلام تازه است که تحت پیشی گرفتنتان از دیگران ، فرا رفته می شوند.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۸۷

(فس) : الحسين بن محمد عن المعلى عن محمد بن جمهور عن ابن محبوب عن ابي حمزه قال سالت ابا جعفر ع عن قوله (و انى لهم التناوش من مكان بعيد) قال انهم طلبوا المهدى ع من حيث لا ينال و قد كان لهم مبدولا من حيث ينال جلد : ۵۲

الحسين بن محمد از المعلى از محمد بن جمهور از ابن محبوب از ابي حمزه گفت از امام باقر پرسيدم از اين گفتار خداوند (ا نى لهم التناوش من مكان بعيد - چگونه براى آنها نويد باشد با وجود دور بودن نيت و آهنگ درونى شان .) گفت آنها مهدى (ع) را طلب كردند از حيشى كه سزاوارانه نبود و تحقيقا براى آنها فدا شدن و خوار شدن بود امر مهدى از حيث سزاوارانه آن .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۸۸

(فس) : (سال سائل بعذاب واقع) قال سئل ابو جعفر ع عن معنى هذا فقال نار تخرج من المغرب و ملك يسوقها من خلفها حتى ياتي من جهه دار بنى سعد بن همام عند مسجدهم فلا تدع دارا لبنى اميه الا احرقتها و اهلها و لا تدع دارا فيها و تر لال محمد الا احرقتها و ذلك المهدى ع جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۸۸

بيان اى من علاماته او عند ظهوره ع

شماره سريال ۲۷۳

از امام محمد باقر (ع) از معنى اين آيه (سال سائل بعذاب واقع) پرسيده شد. گفت : راي و نظريه ابي از كلامى نامانوس و نا آشنا براى مردم تدوين مى شود و فرد مركز پيامرسانى جهان (مهدى) آنرا سوق مى دهد از جهت جانشين شدن آن (معنى جديد نامانوس و غريب از ترجمه قرآن جانشين معنى قديم قرآن ميشود كه اصطلاحا قرآن جديد مهدى گفته شده است) تا از جهت گردانندگى و اداره كنندگى افرادى كه

از دروغ و سخنچینیها احساس خوشوقتی می کنند طبق نظریه ایی که سجده گاهشان (سجده تقدیر و قانون جادویی دجال) آنها میسازد از در میاید پس چرخاندن و اداره کنندگی کسانی که زندگیشان شده قصد و آهنگ به پرده جلورویشان را باقی نمی گذارد و ترک نمی کند جز اینکه می سوزاندش و همچنین اهل شدگان به آنها و باقی نمی گذارد و برود جز اینکه میسوزاند چرخاندن و اداره کنندگی که در آن ناحقی و غضب است نسبت به دورنمایی که حضرت محمد (ص) نسبت به آخر الزمان ارائه داده است و اینگونه است مهدی (ع).

-82

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۸۸

(ك) : ابن الوليد عن الصغار عن ابن معروف عن ابن فضال عن ظريف بن ناصح عن ابي الحصين قال سمعت ابا عبد الله ع يقول سئل رسول الله صلى الله عليه وآله عن الساعة فقال عند ايمان بالنجوم و تكذيب بالقدر
شماره سریال ۲۷۴

بحار الانوار - جلد 52 - صفحه 188 - ابن ولید از از ابی الحصین گفت شنیدم از امام جعفر صادق (ع) می گوید از پیامبر خدا (ص) پرسیده شد از ساعت (یا همان سرخود چریدن و مهمل گذاشتن در حالتیکه از بند عقل و ایمان و عمل رها هستند) پس گفت : زمانیکه ایمان بسیاری است که چیزها سر وعده و وقتش انجام میشود و تکذیب است به اندازه و قدر الهی . (در قانون تقدیر جادویی دجال طبق حمیم او چیزهایی که تیک خورده در موعد انجام و عملی میشود و می گویند حقیقت هم همان است و طوری هست که اگر تجسمی و اندیشه ایی وجود دارد وقتی که عملی شد میتوان فهمید آن حقیقت است و در این زمان قدر و اندازه و تقدیر خدا و قانون طبیعی ساخته شدن آنها و برگزیدگی مهدی را تکذیب می کنند.)

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۹۰

(ثو) : ابی عن علی عن ابیه عن النوفلی عن السکونی عن ابی عبد الله ع قال قال رسول الله ص سیاتی علی امتی زمان تخبث فیه سرائرهم و تحسن فیه علانیتهم طمعا فی الدنیا لا یریدون به ما عند الله عز و جل یکون امرهم ریاء لا یخالطه خوف یعمهم الله منه بعقاب فیدعونه دعاء الغریق فلا یتجاب لهم
شماره سریال ۲۷۹

پدرم از علی از پدرش از نوفلی از سکونی از امام باقر (ع) گفت : پیامبر خدا گفت زمانی خواهد آمد بر امت من درونشان در آن زمان خبیث شود و ظاهرشان و چیزی که علنی می کنند زیبا نشان داده میشود بخاطر طمع به دنیا بخاطر آن آنچه منظور و معقول کتاب خداست را نمی خواهند امرشان ریاء است و خود را مخلوط با نظریه خدا نمی کنند از ترس اینکه خدا پوشیده و کورشان گرداند از آن با جانشین ساختن قرآن جدید پس می خواندندش دعای غریق پس استجاب نمیشود برایشان .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۹۰

(ثو) : بهذا الاسناد قال قال رسول الله ص سیاتی زمان علی امتی لا یبقی من القرآن الا رسمه و لا من الاسلام الا اسمه یسمون به و هم ابعده الناس منه مساجدهم عامره و هی خراب من الهدی فقهاء ذلک الزمان شر فقهاء تحت ظل السماء منهم خرجت الفتنة و الیهم تعود
شماره سریال ۲۸۰

بحار- جلد ۵۲- صفحه ۱۹۰- به همین اسناد رسول الله گفت : زمانی بر امت من خواهد آمد که از قرآن باقی نمی ماند جز رسمی و از اسلام باقی نمی ماند جز اسمی که خود را به آن منسوب می کنند و آنها دورترین مردم از آن هستند مساجدشان آباد شده در حالیکه خراب از هدایت است . فقیهان این زمان

بدترین فقیهان هستند که تحت خیال یک طرح شناسه دار خاصی از آنها فتنه تدوین شود و به آنها برمی گردد.

-85

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۹۱

(ك) : ابن المغیره باسناده عن السكونی عن الصادق عن آبائه ع قال قال رسول الله ص ان الاسلام بدا غریبا و سيعود غریبا كما بدا فطوبی للغرباء . (نی) : ابن عقده عن محمد بن المفضل بن ابراهیم عن محمد بن عبد الله بن زرارہ عن سعد بن عمر الجلاب عن جعفر بن محمد ع مثله
شماره سریال ۲۸۱

بحار-جلد 52-صفحه 191- ابن مغیره به اسنادی از سکونی از امام صادق (ع) گفت : پیامبر اسلام (ص) گفت : همانا اسلام شروع شد نا آشنا و نامانوس (بسیاری از مفاهیم و کلمات قرآن نامانوس و غریب بود) و بزودی باز می گردد نا آشنا و نامانوس (قرآن جدید و اسلام جدیدی که مهدی موعود میاورد غیر از اسلام و قرآن نیست ولی معنای کلمات معنایی نا آشنا و غریب از کلمات است) پس خوش بحال غرباء .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۹۱

(ك) : ابن عصام عن الكليني عن القاسم بن العلا عن اسماعيل بن علي القزويني عن علي بن اسماعيل عن عاصم بن حميد عن محمد بن مسلم قال سمعت ابا جعفر ع يقول القائم منصور بالرعب مويد بالنصر تطوى له الارض و تظهر له الكنوز و يبلغ سلطانه المشرق و المغرب و يظهر الله عز و جل به دينه و لو كره المشركون فلا يبقى في الارض خراب الا عمر و ينزل روح الله عيسى بن مريم ع فيصلى خلفه فقلت له يا بن رسول الله متى يخرج قائمكم قال اذ تشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال و اكتفى الرجال بالرجال و النساء بالنساء و ركب ذوات الفروج السروج و قبلت شهادات الزور و ردت شهادات العدل و استخف الناس بالدماء و ارتكاب الزناء و اكل الربا و اتقى الاشرار مخافه عيه و خرج السفيناني من الشام و اليماني من اليمن و خسف بالبيداء و قتل غلام من آل محمد ص بين الركن و المقام اسمه محمد بن الحسن النفس الزكية و جاءت صبحه من السماء بان الحق فيه و في شيعته فعند ذلك خروج قائمنا فاذا خرج اسند ظهره الى الكعبه و اجتمع اليه ثلاث مائه و ثلاثه عشر رجلا و اول ما ينطق به هذه الايه (بقيه الله خير لكم ان كنتم مومنين) ثم يقول انا بقيه الله في ارضه فاذا اجتمع اليه العقد و هو عشره آلاف رجل خرج فلا يبقى في الارض معبود دون الله عز و جل من صنم و غيره الا وقعت فيه نار فاحترق و ذلك بعد غيبه طويله ليعلم الله من يطيعه بالغيب و يومن به

شماره سريال ۲۸۳

بحار-جلد 52-ص 191- ابن عصام از كليني از.....از محمد بن مسلم گفت شنيدم امام محمد باقر(ع) مي گويد : قائم ياري شده به رعب ناشي از تائيد شدن پيروزي و ياريش است . نشانه هايي كه وقتي دور هم آرايش مي گيرند برگزیدگی او را سزاوار میسازند برايش كنار هم چيده ميشوند و ذخيره هاي ارزشمند (در قرون كه در دل كتابهاست) برايش ظاهر ميشود و حجت و دليل آشكار او به شرق و غرب عالم مي رسند و خداوند عز و جل دينش را توسط او ظاهر مي سازد هر چند مشركان كراهت داشته باشند و در آيات و نشانه هاي كلام خدا كه وقتي دور هم آرايش مي گيرند حق را سزاوار میسازند هر خرابي باشد جز اين نيست كه تعمير و آبادش مي كند و مفهومي بسيار شايسته و سزاوار استوار ميشود كه جانشين شدن او (جانشين تمام پيامبران شدن) را راست و تنظيم مي كند . پس گفتم اي فرزند پيامبر چه هنگام قائمتان خروج مي كند گفت زمانيكه مردان شبیه شوند به زنان و زنان شبیه شوند

به مردان و مردان التماس آبرو کنند برای مرد بودن و زنان التماس آبرو کنند به خواندن و راندن (ذهنها به مفهومات) و کسانی که دارای گشایش روح و روان شده اند نشانه های دروغین را پشت هم می چینند و گواهیهای ساختگی تقلبی تزویر آمیز پذیرفته شود و گواهیهای عادلانه رد شود و مردم خود را سبک و آرام کنند با رنگ و ارتکاب زنا و مضمحل ساختن (فزونی و نمو کلام الهی و مهدی (ع)) و از اشرار ترس و پرهیز داشته باشند ترس خبر مرگ و عیب و زشتی یا ترس از فرد تیز شهوت و.....

-87

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۱۹۲

(سن) : محمد بن علی عن المفضل بن صالح الاسدی عن محمد بن مروان عن ابی عبد الله ع قال قال رسول الله ص من ابغضنا اهل البيت بعثه الله يهوديا قیل یا رسول الله و ان شهد الشهادتين قال نعم انما احتجب بهاتين الكلمتين عند سفك دمه او يودی الجزیه و هو صاغر ثم قال من ابغضنا اهل البيت بعثه الله يهوديا قیل و کیف یا رسول الله قال ان ادرك الدجال آمن به جلد : ۵۲

بحار الانوار - جلد 52 - صفحه 192 - محمد بن علی از مفضل بن صالح اسدی از محمد بن مروان از امام باقر (ع) : گفت پیامبر (ص) کسی که بغض بورزد به ما اهل و مانوسان طرح طراحی شده ، این اله او را بر انگیزته است یهودی . گفته شد ای پیامبر حتی شهادتین را گفته باشد ؟ گفت آری . همانا از این دو کلمه در پرده نگاه داشته خود را در مقابل جاری شدن رنگش یا اینکه در مقابل قانون مزد جاری جزیه ندهد و او کوچک و حقیر شود . سپس گفت کسی که بغض بورزد به ما مانوسان و اهل طرح طراحی شده این اله (دجال) او را بر انگیزته است یهودی . گفته شد چگونه ای پیامبر خدا ؟ گفت اگر دجال را بشناسد باز هم به او ایمان می آورد.

88- طالقانی از جلودی از..... از نزال بن سبره گفت . علی بن ابی طالب خطبه ایی خواند و گفت مردم قبل از از دست دادن من هر چه می خواهید پیرسید پس صعبه بن صوحان بپا ایستاد و گفت : ای امیرالمونین چه وقت دجال خروج می کند ؟ علی (ع) به او گفت بنشین خدا شنید کلامت را و می داند من چه می خواهم و به خدا سوگند سوال شونده در این مورد از سوال کننده علم بیشتری ندارد ولیکن علامات و ترکیبها بعضی پی بعضی می آید نعل به نعل . و اگر بخواهی خبرت دهم از آن . گفت بله ای امیرالمونین . پس علی (ع) گفت این علامات را حفظ کن . وقتی مردم راست و تنظیم نمودن حقیقت واقع را بمیرانند و کلام خدا که راه امان یافتن را می نمایند را ضایع کنند و دروغ را بر خود روا و مجاز شمردند و فزونی و نمو نفوذ کلام خدا را مضمحل کنند و حق و حساب (از دجال) بگیرند و بنیان را پرداخت کاری با شیادی کنند و بیعت با دین کنند برای دنیا (تقدیر دجال) و تهمت زندگی را بعمل آورند و خواندن و راندن اذهان به آن را عرضه و نمایش دهند و مهر و عاطفه را قطع کنند و از عشق و هوای نفس پیروی کنند و خود را سبک و آرام کنند با رنگ و شکیبایی ضعف شمرده شود و ستم باعث فخر و فرمانروایان جادو پرست شوند و وزیران ستم پیشه و عارفان خیانتکار و قاریان فاسق شوند و گواهی با تزویر و حيله ظاهر گردد و و جادو پرستی و ظلم علنی شود و اعتقاد بهتان آمیز و گناه و طغیان باشد و خبرهای تحریف شده زیور داده شد و سجده گاهها آرایش داده شد و نشانه ها امتداد یافت و اشار گرامی داشته شدند و صفوف پر جمعیت شد و هواهای نفس گوناگون شدند و پیمانها تقض شد و آنچه وعده داده شده بود نزدیک شد و کسانی که هم طبقه و همسنگر کسانی هستند که خوانده و رانده شدند به چیزهایی با آنها شرکت کردند در معامله بخاطر حرص به دنیا و آوازه نیک افراد فاسق و نافرمان بالا رفت و به حرف آنها گوش کردند و زعیم قوم رذل ترینشان بود و از جادو پرست ترسیده شد و حذر شد بخاطر ترس از شرش و دروغگو راستگو شمرده شد و به خائن ، ادای حق شد و آرایشگران و فخر آورها ماخذ برای اقتباس شدند و افراد عقب افتاده و خوار شده امت افراد ممتاز شده امت را لعنت کردند و چیزهایی که گشایش روحی با خود دارد

پشت هم سوار شدند به دروغ و زنان به مردان شبیه شدند و مردان به زنان شبیه شدند و شاهد به چیزی که شاهد نبوده شهادت داد و دیگری شهادت داد برای گذشتن برای آبرو به غیر حق آنچه می شناسد و می داند برای غیر دین و رد و اثر دنیا را پی می گیرند بر اساس آخرت و لباس میش به دل‌های گرگ‌ها و دل‌هایشان از دروغ آکنده است و امری از صبر و در این‌هنگام شتاب کنید که بهترین آرامشگاهها طرح طراحی شده بی عیب و نقص است . قطعاً زمانی بر مردم خواهد آمد که که هر یک تمنا می کند از آرامش یافتگانش باشد . پس اصبع ابن نباته بر او ایستاد و گفت ای امیرالمومنین از دجال بگو . گفت همانا دجال صید کننده ایی است که از ملحه صید کردن مردم صید خود را می کند پس بدبخت است کسیکه او را تصدیق کند و خوشبخت است کسی که او را تکذیب کند . تدوین کند از محیطی بکر و چیزی مشخص نیست در جهت ساخته شدن تقدیر و مشخص شدن چیزی که برای آن اعتقاد یافته میشود و حکم کرده میشود با نمایاندن و نشان دادن افراد (به شکل عیب) به رقیبشان یا دشمنشان در رفتار همگون مردم که فهمانده و شناخته شده برایشان که باید سکوت کنند و صامت باشند و فرمانبر و رام به ارکستر فهم و درکی که نواخته میشود توجه کنند . چشم و بینشی که با آن ، حقیقت را به مردم می نمایاند . هنگامیکه چیز خوش قدم و مبارکی برای فرد را نشان می دهد زیاده‌تر از حد زیبا شده است . و دیگر موارد که در نشان دادن چیزهای ناگوار و کراهت بار و خوار کننده فرد است تابان میشود (فهم آن در ذهن مردم)

گویی بالندگی و فوکوس شدن وضوح و عیان شدن است در آن فهمیدن و پی بردن به طعنی زشت بطور سر بسته و مجمل است که گویی با رنگ زشتی ممزوج شده است آنچه چشم حقیقت نشان دهنده او نشان مسی دهد بعلت اینکه دارای تفصل و برتری و رجحان است مکتوب میشود یعنی با عملی ساختن آن نگاشته میشود در زندگی دنیوی و افراد کافر آنچه را در عمل نگاشته شده و عملی شده است را کنار هم می گذارند و مثلاً حقیقت و قدر و اندازه (حقیقت قلابی دجالی) را روشن می کنند هر نگاشته ساز و عملی کننده قصد و نیت دار که در حالت عدم تمرکز فکری و غفلت عقلی عنان رها ساخته فرو می رود در آنچه

(دجال) به او می نمایاند و تهمت و راندن دیگران همراه او سیر می کند . انعام و احسان برتر و ارجح برای او قالبی است که با حيله و تقلب ساخته شده است و ناخوشایند او قالبی تابان شده است که مردم آنرا می بینند به شکل آموزش ادب خاصی (طعام مسکین مهدی (ع)) در گرسنگی و اشتیاق زیاد مردم تدوین می کند تحت برافروختگی ناشی از احساس باخت در برابر دیگران در بازی قمار سرنوشت . هر قدمی که افراد افروخته بر می دارند باعث میل دادن بیشتر و جایگیر شدن تقدیر جادویی در اذهان میشود و باعث میشود که نشانه هایی که وقتی دور هم آرایش می گیرند دجال را خدا نمایش می دهد برای دجال کنار هم چیده و نوشته شود مرحله به مرحله و آبشخور به آبشخور و به جوهر مفهومی (از دجال) گذر نمیکند جز اینکه در آن فرو می رود و دچار غور در آن میشود در جهت نمایه ایماء هماهنگی که دجال می خواهد محکم و استوار سازد . خود را می شناساند به بالاترین درجه نیکنامی ما بین پرچمهای به جنبش در آمده که جن و انس و شیاطین آنرا می فهمانند و شایع می کنند . می گوید ای دوستان من به سوی من بیایید منم کسیکه می آفریند و راست و ریس می کند و اندازه می کند و سرنوشت شما را میسازد و به آن هدایت می کند من پروردگار بلندمرتبه شما هستم و او دروغ می گوید دشمن خداست همانا او راهنمایی بد هدایت کننده پر از تضاد در اجزاء ناهماهنگ است و طبق فرمول و ادب خاصی رفتار کردن را اجر می کند و با سوق دادن (سوق دادن ذهن مردم با ارکستر) کارش را پیش میبرد . و براستی پروردگار عز و جل بد راهنمایی کننده به واقعیتی که اجزای آن متضاد و ناهماهنگ است نیست . و طبق فرمول راه برده نمی شود و زوال نمی پذیرد برتر و والاتر است خدای یگانه از اینگونه گی برتری و والاتری کبیر . و اکثر طرفدارانش در اینهنگام زاده های زنا و اصحاب حضور ناپیدایند . خداوند عز و جل او را می کشد با نشان دادن نشانهای مخالف او بر اساس قرآن جدید جانشین شونده که به افق بینش دانشمندانه اش شناخته میشود با حق را مشخص کردنها و باطل را باطل اعلام کردنها در نمایه ایی از ایماء هماهنگ جامع شده در حالیکه مردم بیخیال مشغول چریدن علف زندگی هستند و در غفلت بسر می برند به دست کسیکه کلام

بسیار سزاوار و شایسته و زیبای او راست و تنظیم می کند جانشین همه پیامبر شدنش را . بعد از این پر و مملو گشتگی بزرگ است . گفتیم آن چیست ای امیر المومنین ؛ گفت خروج دابه الارض از نظریه و معقولی شفاف و صاف شده که همراه او نشانگان حضرت سلیمان (نشانگان حضرت سلیمان در قرآن محشور بودن جن و انس با او و جاری بودن فال و شگون سر نوشت در موقعیت اوست) و گرد آمده نشانگان طبق مدل انبیاء بودن او که مایه قدرت و استحکام اوست می باشد . نشانگان (نشانگان و آیات و نشانه های کتاب خدا و پیامبری خودش) را وضع می کند بر اساس وجه و نیت مومن و چاپ میشود که این مومن حق است (چون وجه و صورت فرد خبر از ضمیر و نهان می دهد و صورت شاد نشان از مومن بودن اوست) و وضع می کند بر ضایع و فسخ می کند بر اساس آنچه وجه کافر است و می نویسد در آن این کافر حق است . تا اینک مومن می گوید وای بر تو کافر و کافر می شناساند که ای مومن فعلا خوش بخالت شده و در این زمان وست داشتم مثل تو بودم و فوزی می بردم . سپس دابه تابلو اندیشه اش در کلام الهی را بر می افرازد به آگاهی دادن راجع به این که خدا چگونه است و دجال چگونه است و در بین جنبش پرچمها هر کس هست می بیند آنرا بعد از طلوع تهمت و راندن از پنهانگاهش و در این زمانه توبه برداشته میشود و قبول نمیشود و عملیالا نمی رود (و نفعی نمی دهد به فرد ایمانش اگر از قبل ایمان نیاورده بود یا در ایمانش خیری کسب نکرده بوده) .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۰۴

(ك) : ابن الوليد عن ابن ابان عن الالهوازي عن النضر عن يحيى الحلبي عن الحارث بن المغيرة عن ميمون البان قال كنت عند ابي جعفر في فسطاطه فرفع جانب الفسطاط فقال ان امرنا لو قد كان لكان ايبين من هذا الشمس ثم قال ينادي من السماء ان فلان ابن فلان هو الامام باسمه و ينادي ابليس من الارض كما نادى برسول الله ص ليله ينادي مناد من السماء ان فلان ابن فلان هو الامام باسمه و ينادي ابليس من الارض كما نادى برسول الله ص ليله العقبة
شماره سريال ۲۹۸

بحار الانوار - جلد ۵۲ - صفحه ۲۰۴ - ابن وليد از از ميمون البان گفت نزد امام محمد باقر بودم در خيمه اش پس به طرفی از خيمه برگشت و گفت همانا امر ما روشنتر از اين آفتاب است سپس گفت شناساننده از طرح شناسه دار می شناساند که فلان فرزند فلان اوست امام، به مشخصه شناساننده او. و ابليس از نشانه هایی که دور هم وقتی آرایش می گیرند مطلبی را سزاوار می کنند می شناساند آنگونه که رسول خدا را بشناساند به مفهوماتی که طرحی بدلی را به جای حقیقت امام مهدی و امر خدا قرار می دهد (یعنی به جای مبارزه با شیطان و قدر و تقدیرش و مبارزه با بندگی و عبادت مردمان و مبارزه با فحشا و ظلم مردم در طرح بدلی جایگزین قرار داده شده توسط شیطان به ظلم و فحشا و معصیت خدا می پردازند و شیطان هم همچنان در جای خدا نشسته است) .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۰۵

(ك) : ابی عن سعد عن ابن ابی الخطاب عن جعفر بن بشیر عن هشام بن سالم عن زراره عن ابی عبد الله قال ینادی مناد باسم القائم ع قلت خاص او عام قال عام یسمع كل قوم بلسانهم قلت فمن یخالف القائم علیه السلام و قد نودی باسمه قال لا یدعهم ابلیس حتی ینادی فی آخر اللیل فیشکک الناس جلد : ۵۲

بحار الانوار - جلد 52 - صفحه 205 - از سعد از.... از زراره از امام صادق گفت : شناسانده ایی شناسایی می دهد به مشخصات شناسانده قائم (ع) گفتم خاص یا عام؟ گفت عام . گفت همه اقوام می فهمند به زبان خودشان گفتم پس چه کسی مخالفت می کند در حالیکه شناسایی به مشخصات شناسانده اش داده شد ؟ گفت ابلیس به حال خود نمی گذاردشان تا می شناساند مفهومی دیگر را که چسبیده به بعضی اتفاقات است پس مردم را دچار شک می کند.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۰۵

(ك) : الهمدانی عن علی عن ابيه عن ابن ابی عمیر عن حماد عن عمر بن یزید قال قال لی ابو عبد الله الصادق ع انك لو رايت السفیانی رايت اخبث الناس اشقر احمر ازرق یقول یا رب یا رب یا رب ثم للنار و لقد بلغ من خبثه انه یدفن ام ولد له و هی حیه مخافه ان تدل علیه

جلد 52: صفحه 205 - الهمدانی از..... از عمر بن یزید گفت امام صادق به من گفت اگر تو سفیانی را ببینی خبیث ترین مردم را می بینی هدفش دلچسب و مقصود ، باعث خشم ، چشم به جانبی افکنده (به هدفش در تقدیر جادویی گویی ظهور مهدی را نمی بیند) یا رب یا رب یا رب می گوید نشان و رای و علامت را مرتب می کند و تحقیقا خباثتش به مرحله ایی می رسد که توجه و قصد به چیزی که علیه اش زاده و

حاصل می شود را دفن می کند و آن ترغیب افکندنی بخاطر ترس از اینکه این زاده و حاصل شده (یعنی ثابت شدن مهدویت و برگزیدگی مهدی) دلالت کند بر علیه او .

-92

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۰۶

(ك) : ماجیلویه عن عمه عن الكوفي عن ابيه عن ابي المغرا عن المعلى بن خنيس عن ابي عبد الله ع قال صوت جبرئيل من السماء و صوت ابليس من الارض فاتبعوا الصوت الاول و اياكم و الاخير ان تفتنوا به
شماره سریال ۳۰۶

جلد 52: صفحه 206 – ماجیلویه از عمویش از از بن خنيس از امام صادق گفت آوازه نیکنامی بهبودی بخش الهی از طرحی شناسه دار که شناسایی می دهد (به مهدی) و آوازه نیکنامی که ابلیس ارائه می دهد از نشانه هایی (در تقدیر دنیایی دجال) که وقتی دور هم آرایش می گیرند آنها را نیک نشان می دهد می باشد پس از آوازه نیکامی اول تبعیت کنید و اگر فقط خودتان را در نظر داشته باشید و نیکنامی آخر به فتنه می افتید .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۰۶

(ك) : ابن المتوكل عن الحميري عن ابن عيسى عن ابن محبوب عن الثمالي قال قلت لابي عبد الله ع ان ابا جعفر كان يقول ان خروج السفيناني من الامر المحتوم قال لي نعم و اختلاف ولد العباس من المحتوم و قتل النفس الزكية من المحتوم و خروج القائم ع من المحتوم فقلت له فكيف يكون النداء قال ينادى مناد من السماء اول النهار الا ان الحق في علي و شيعة ثم ينادى ابليس لعنه الله في آخر النهار الا ان الحق في السفيناني و شيعة فيرتاب عند ذلك في علي و شيعة ثم ينادى ابليس لعنه الله في آخر النهار الا ان الحق في السفيناني و شيعة فيرتاب عند ذلك المبطلون
شماره سريال ۳۰۷

جلد 52- صفحه 206: ابن متوكل از.....از ثمالی: گفت به امام صادق گفتم که امام باقر می گفت که خروج سفینانی امری حتمی است. به من گفت آری و جانشینی زاده ایی چرکین حتمی است و از بین رفتن اندیشه پاک و خوش منظر هم حتمی است و خروج قائم هم حتمی است. پس گفتم چگونه است نداء گفت ندادهنده ایی ندا می دهد از طرّحی شناسه دار (و شناساننده مهدی) در اول روشنایی با این شناساندگی که همانا حق با کسیکه آدرسها و نشانیها او را بیان می کند می باشد و شیعه اوست سپس ابلیس لعنت خدا بر او در آخر روشنایی این شناساندگی ندا می دهد که همانا حق با سفینانی و شیعه اوست و باطلگرایان در این مورد به شک می افتند.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۰۷

(ك) : بهذا الاسناد عن الاهوازي عن صفوان عن عبد الرحمن بن الحجاج عن سليمان بن خالد قال سمعت ابا عبد الله ع يقول قدام القائم ع موتان موت احمر و موت ابيض حتى يذهب من كل سبعة خمسة فالموت الاحمر السيف و الموت الابيض الطاعون
شماره سريال ۳۰۹

جلد 52- صفحه 207 - بنابراین اسناد از الاهوازی از.....از سلیمان بن خالد گفت: شنیدم امام صادق می گوید در سروری و سرآمد شرافت حضرت قائم دو مرگ است مرگی که از شرم و خشم سرخ می

کند و مرگ بر اثر والایی . بطوریکه (در مقابله با آن) همه دروغها و تهمتها برای متمایز ساختن خود به پندار در میاورند . مرگ سرخ کننده از خشم و شرم همان چینه و چیدمان است و مرگ بر اثر والایی ، طعنه زندگی است .

-95

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۰۷

(ك) : ابن المتوكل عن السعدآبادي عن البرقي عن اييه عن ابن ابي عمير عن ابي ايوب عن ابي بصير عن ابي عبد الله ع قال تنكسف الشمس لخمس مضين من شهر رمضان قبل قيام القائم ع جلد : ۵۲
شماره صفحه : ۲۰۷

بحار الانوار - جلد ۵۲ - صفحه ۲۰۷ - ابن متوكل از سعدآبادی از برقی از از ابي بصير از امام صادق (ع) گفت : شمس (دجال) در تمایزی قطعی و کامل انجام شده (از مفهوم قرآن و حدیث و شناخته شدن قائم) در اثر قیام قائم که اشتهاش سوز و گداز دارد، بد وجه و تار و گرفته میشود.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۰۷

(غط) : قرقاره عن نصر بن الليث المروزي عن ابن طلحه الجحدري قال حدثنا عبد الله بن لهيعة عن ابي زرعه عن عبد الله بن رزين عن عمار بن ياسر انه قال ان دوله اهل بيت نبيكم في آخر الزمان و لها امارات فاذا رايتم فالزموا الارض و كفوا حتى تجيء اماراتها فاذا استثارت عليكم الروم و الترك و جهزت الجيوش و مات خليفتم الذي يجمع الاموال و استخلف بعده رجل صحيح فيخلع بعد سنين من بيعته و ياتي هلاك ملكهم من حيث بدا و يتخالف الترك و الروم و تكثر الحروب في الارض و ينادي مناد عن سور دمشق ويل لاهل الارض من شر قد اقترب و يخسف بغربي مسجدها حتى يخر حائطها و يظهر ثلثه نفر بالشام كلهم يطلب الملك رجل ابقع و رجل اصهب و رجل من اهل بيت ابي سفيان يخرج في كلب و يحضر الناس بدمشق و يخرج اهل الغرب الي مصر فاذا دخلوا فتلک اماره السفياني و يخرج قبل ذلك من يدعو لال محمد عليهم السلام و تنزل الترك الحيره و تنزل الروم فلسطين و يسبق عبد الله حتى يلتقي جنودهما يقر قيسا على النهر و يكون قتال عظيم و يسير صاحب المغرب فيقتل الرجال و يسبي النساء ثم يرجع في قيس حتى ينزل الجزيره السفياني فيسبق اليماني و يحوز السفياني ما جمعوا ثم يسير الي الكوفه فيقتل اعوان آل محمد ص و يقتل رجلا من مسميهم ثم يخرج المهدي على لوائه شعيب بن صالح فاذا راى اهل الشام قد اجتمع امرها على ابن ابي سفيان التحقوا بمكه فعند ذلك يقتل النفس الزكيه و اخوه بمكه ضيعه فينادي مناد من السماء ايها الناس ان اميركم فلان و ذلك هو المهدي الذي يملأ الارض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا

بحار الانوار - جلد 52 - صفحه 207: قرقاره ازاز عمار ياسر : همانا او گفت دولت

کسانیکه به طرح طراحي شده پیامبران مانوس و اهل هستند می باشد و برای آن امارات هست . پس هنگامیکه آنرا دیدید آیات و نشانه هایی که وقتی دور هم آرایش می گیرند سزاوار حق میشوند را لازم و جدی بگیرید و به آن بچسبید و همانند سازی کنید تا امارت آن سزاوار بنظر آید و هنگامیکه کسانیکه مهرشان به (دجال و تقدیرش) به جنبش در آمده و کسانیکه امر مهدی و کلام خدا را باقی گذاشته و به تقدیر دجال چسبیده اند بر انتقام از شما شدند و لشگرها (لشگرهای دجال) آماده سازی شد و جانشین پیامبران شما که فقط نشانه ها و آیات را فراوری میکرد (یعنی توجهی به اینکه ایمان مردم به تقدیر جادویی دجال چقدر زیاد است و مواظب تقدیر سازی دجال نبود) می میرد و حرفی که از روی مصلحت زده بود (برای غلط نشان دادن تقدیر جادویی دجال) جایگزین و جانشین میشود (جانشین و جایگزین تمام نشانه ها و آیات کلام خدا که او اینقدر در جمع آوری آن بعنوان مال الله تلاش کرده بود) در حالیکه او مردی عاری از عیب و تبرئه بود، و بنا بر مصلحت فرم و تصویرهایی که بیعت با او بوجود میآورد او را

خلع می کنند (از جانشین پیامبران بودن) و اینکه نابودی فرمانروایی اشان میاید از حیث کلام نو و امر نو او و ترک کنندگان امر خدا و مهدی و کسانی که مهر تقدیر دجال بر آنها غلبه کرده بسیار با او مخالفت و خلاف می کنند و در نشانه هایی که در تقدیر دجال وقتی دور هم آرایش می گیرند آنها را زیبا می کند نزاع برای ربودن و از آن خود گرفتن زیادت می گیرد. و ندادهنده ایی ندا می کند در باره تزئین نشان عظمت (نشانه هایی که ایماء بر خدایی دجال دارد) که وای بر اهل زمین از شری که نزدیک شده است ولی پوشیده می ماند بخاطر نا آشنا و غریب بودن کلامش و مردم سجده نمی کنند و از دل نمی پذیرند تا اینکه آگاهی کامل به آن فرو می ریزد. و ظاهر میشود به شکل استفاده در اینکه بگویند حق با ما هست برای حکم کردن (در تقدیر جادویی دجال) و اینکه دیگران باطل هستند یا عیب دارند و همگی شان شوکت و چیرگی را می طلبند سربه هوا تهمت زن و سربه هوا دین خدا را آمیخته به دین دجال سازنده و سربه هوا اهل طرچه های ایجاد کننده کشتیها را (دجال) پی افکندن شدن خروج می کنند و تدوین می کنند در حالت طغیان احساسات (ناشی از شراب دجال) و با مهمیز پیش راندن و حاضر می آورند خوانش و رانش خاصی را با تزئین. (خواندن مردم به چیزهای بد و دجال را خدا نمودن در حسی که تقدیر دجال ایجاد می کند که حقیقت و سرنوشت این است و اینکارها انجام میشود و اینکارها مجاز است) و در این حال کسی که امر نو و غیر مالوف و ناآشنایی از اسلام میاورد تدوین می کند با دوشیدن (دوشیدن نشانه های الهی در قرآن - قرآن جدید مهدی) و وقتی وارد عمل شد این امارت سفیانی است و در استقبال از اینگونگی کسانی که دعوت به دورنمای آخرالزمانی ارائه شده از حضرت محمد می کنند و در حیرت و عدم تمرکز عقلانی باقی و مهمل گذاشتن استوار میشود (امر مهدی) و جنبش مهر و عطوفت (به پیروزی طبق تقدیر دجال) با خودداری از امر مهدی و دورنمای آخرالزمانی آنرا ضعیف و بی چیز می کند و از بنده خدا (مهدی) سبقت می گیرند تا اینکه لشگرهای آنها در روشنگاه فخر فروشی و زیبایی نمایاندن به هم را انجام می دهند و کارزار بزرگی میشود و در این حالت صحبت کننده امر نامالوف و ناآشنا سیر می کند. پس مردان خاصی

اعمالی انجام می دهند بر حسب مورد تا زیبا نشان داده شوند و خوانش و رانش خاصی هم هتک حرمت می کند . سپس به ناز و تبختر خرامیدن رجوع می کنند تا نسبت زشتی به سفیانی استوار می شود پس کسیکه اصولش و بینشش بر اساسی درست و محکم است سبقت می گیرد و سفیانی آنچه را جمع کرده بودند مالک می شود بعد سیر می یابد در جهت چیزی از چیزی معلوم نشدن و کمک دهندگان به مشخص شدن دورنمای آخر الزمانی که حضرت محمد ارائه داده را می کشد و مردی را که مشخصه شناسایی آنها را بیان کرده می کشد سپس مهدی خروج و تدوین می کند بر اساس پرچمش و امر او افرادی آرزومند ظهور ظاهر میشوند که اساس پیشرفت کار خود را بر کنار آمدن (با دجال) گذاشته اند و وقتی افرادی که ظهور مهدی بعنوان یک نشانه نیک در تقدیر و سرنوشت جادویی آنها وارد میشود این را می بینند امر او را جمع می کنند بر اساس رهروی ایجاد کننده کشتی سازی و کشتی پروری و به مکیدن (نشانه های الهی در کتابش توسط مهدی) پیوند می کنند و بر اساس این، فکر و اندیشه پاک و خوش منظر و علمی و جستجوی مهدی خاصه برای آن با مکیدن نشانه های الهی در کتبش، از بین می رود با و گذار کردن و ندا دهنده از طرحی شناسه دار و شناسه دهنده ندا می کند که ای مردم امیر و فرمانروای شما فلانی است و آن مهدی است کسیکه آیات و نشانه های الهی را مملو از سر جای خود گذاری می کند همانگونه که قبلا پر از نابجا گذاری شده بوده .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۱۱

(شا غط) : الفضل عن ابن فضال و ابن ابی نجران عن حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر الیمانی عن ابی بصیر
عن ابی عبد الله ع قال لا یذهب ملک هولاء حتی یستعرضوا الناس بالكوفه یوم الجمعة و کانی انظر الی رووس تندر
فیما بین المسجد و اصحاب رخشت جلد : ۵۲
شماره صفحه : ۲۱۱

جلد 52- صفحه 211- : فضل از..... از ابی بصیر از امام صادق: گفت اینها (طبق مصلحت دجال)

فرمانرواییشان نمی رود تا مردم در وضعیت امر ناخوشایند و ناپسند از نمایه جامع ایماء هماهنگ کلام
خدا راجع به آن زمان نپرسند و نخواهند و گویی من نظر می دهم در جهت تابلو اندیشه ابی که با آشکار
شدنش مردم می میرند در بین سجده گاه و اصحاب اجازه .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۱۲

(غط) : احمد بن علی الرازی عن المقانعی عن بکار بن احمد عن حسن بن حسین عن عبد الله بن بکیر عن عبد الملك
بن اسماعیل الاسدی عن ایبه قال حدثنی سعید بن جبیر قال السنه التي یقوم فیها المهدی تمطر اربعا و عشرين
مطره یری اثرها و برکتها
شماره سریال ۳۳۰

بحار الانوار- جلد 52- صفحه 212: احمد بن علی الرازی از..... از سعید بن جبیر گفت : نمایه روشن

و ممتازی که در آن مهدی بپا می خیزد بارشی است جلوگیری کننده و منصرف ساز با خوشدلی واهی به
جادو که اثر و ثابت بودنش دیده میشود.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۱۴

(غط) : الفضل عن ابن محبوب عن البطائنی عن ابی بصیر عن ابی عبد الله ع قال ان قدام القائم لسنه غيDAQه يفسد التمر في النخل فلا تشكوا في ذلك
شماره سریال ۳۳۶

بحار- جلد 52- صفحه 214- فضل از... از ابی بصیر از امام صادق(ع) گفت همانا قسمت جلویی و پیشین دوره زندگی قائم قطعا سالهایی ناز و باطروات است که رسیده شدن و به ثمر نشستن زیور برگزیدگی را خراب می کند . پس در اینگونگی ، شک نکنید (که او همان مهدی موعود برگزیده الهی است).

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۱۷

(غط) : قرقاره عن محمد بن خلف الحماد عن اسماعیل بن ابان الازدی عن سفیان بن ابراهیم الجریری انه سمع اباہ يقول النفس الزکیه غلام من آل محمد اسمه محمد بن الحسن یقتل بلا جرم و لا ذنب فاذا قتلوه لم یبق لهم فی السماء عاذر و لا فی الارض ناصر فعند ذلك یبعث الله قائم آل محمد فی عصبه لهم ادق فی اعین الناس من الکحل فاذا خرجوا بکی لهم الناس لا یرون الا انهم یختطفون یفتح الله لهم مشارق الارض و مغاربها الا و هم المومنون حقا الا ان خیر الجهاد فی آخر الزمان
شماره سریال ۳۴۵

بحار الانوار- جلد 52 صفحه 217-: قرقاره از..... از ابراهیم الجریری شنیده بود از پدرش می گفت : اندیشه اصلاح علمی ، جوششی از دورنمای آخر الزمانی ارائه شده از حضرت محمد است که مشخصه شناسایی که ارائه می دهد پسندیده و زیبا است از بین می رود چون جرم و گناهی را تشویق نمی کند و وقتی از بین رفت برایشان در طرح شناسایی دهنده و نشانه هایی که وقتی برایشان آرایش بگیرد آنها را خوب و خوشگل می کند ، اثر و نشانه ایی که به آن بهانه یاریگری برایشان بیاید باقی نمی ماند و

در این حالت است که خداوند پیادارنده دورنمای کلام حضرت محمد را بر می انگیزاند در بهم پیچده شدگی برای آنها (با نشانه های ناگوار تقدیر دجال) کوچک در چشم مردم هستند بخاطر مهره جادو. پس هنگامیکه خروج کردند مردم برای آنها می سرایند (طبق مهره جادو) و چیزی نمی بینند جز اینکه همانا مردم خودشان ر بوده و قاپیده می شوند (ربودن و قاپیدن فال و سرنوشت همانگونه که خداوند در قرآن در باره مشرکین گفته است). خداوند برایشان می گشاید پوست برداشته شدن آنها و کلام نامالوف و ناآشنای قرآن را. (آیات و نشانه ها در قرآن و حدیث که وقتی دور هم آرایش می گیرند مهدی را سزاوار جانشینی پیامبران می کند) و آنها مومنان برحق هستند. همانا بهترین جهاد در آخر الزمان است.

-101

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۱۷

(غط) : قرقاره عن العباس بن یزید البحرانی عن عبد الرزاق بن همام عن معمر عن ابن طاووس عن علی بن عبد الله بن عباس قال لا یخرج المهدی حتی تطلع مع الشمس آیه
شماره سریال ۳۴۶

جلد 52- صفحه 217- قرقاره از.... از علی بن عبدالله بن عباس : گفت مهدی تدوین و اخراج نمی کند مگر اینکه نشانه ها طالع شوند همراه شمس (دجال). (خداوند هم در قرآن می فرماید گسترش ظل یا سایه دلیلش را شمس قرار دادیم یعنی نشانه های زیاد آخر الزمان ارائه شده در قرآن و حدیث در ذهن مهدی مثل گسترده شدن سایه، گسترده می شود ولی همه ربط دارد به ظهور دجال یا شمس و دلیل قاطع دیگری بر مهدویت مهدی جز ظهور شمس یا دجال نیست و اگر شمس یا دجال نبود دلیل قاطعی برای مهدویت مهدی و سایه گسترده شده نشانه ها در خیال مهدی نبود.)

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۲۶

(نی) : بهذا الاسناد عن الخضر بن عبد الرحمن عن ابيه عن جده عمر بن سعد قال قال امير المؤمنين ع لا يقوم القائم حتى تفقا عين الدنيا و تظهر الحمرة في السماء و تلك دموع حمله العرش على اهل الارض و حتى يظهر فيهم قوم لا خلاق لهم يدعون لولدي و هم براء من ولدي تلك عصابه رديته لا خلاق لهم على الاشرار مسطره و للجبابره مفتنه و للملوک مبيره يظهر في سواد الكوفه يقدمهم رجل اسود اللون و القلب رث الدين لا خلاق له مهجن زميم عتل تداولته ایدی العواهر من الامهات من شر نسل لا سقاها الله المطر في سنه اظهار غيبه المتغيب من ولدي صاحب الرايه الحمراء و العلم الاخضر ای يوم للمخبيين بين الانبار و هیت

جلد 52- صفحه 226- به اسنادی از خضر بن عبدالرحمان از جدش عمر بن سعد گفت امیرالمومنین علی (ع) گفت : قائم بیا نمی خیزد تا چشم مردم دنیا در دو قطب کور شود و در طرح خاص شناسه دار سرخ کننده از خشم ظاهر شود و این رنگهای (بدشگون) است که شالوده (شالوده کلام الهی) بر اهل زمین به ظهور می رساند و تا اینکه در آنها ظاهر میشوند قومی که برایشان نصیبی نیست می خوانند به فرزندم و آنها بیزار از فرزندم هستند اینها در پیچیده به نابودی (نابودی همه قدرتهای جهان را می خواهند) هستند که نصیبی برای آنها نیست بر اشرار مسلطند و برای جباران فتنه ساز و برای فرمانروایان و پادشاهان نابودی ساز. ظاهر میشوند در راز و رمزی پر جلوه . پیشوایشان مردی دارای رنگی راز آلود و دین کهنه پوسیده و از گون میباشد نصیبی برای او نیست و کیل شده ایی که پیش کشیده و کارگردانی می کندش انعام و احسان زناکاران (دجال) از آنچه مورد توجه و آهنگ است از بدترین تولید شدنها . خدا باران (باران حکمت مهدی) را به او نمی نوشاند در مجموعه روشنی که ظاهر می شود غیبت غیبت کننده که زاده من است صاحب رایت قرمزی از خشم و پرچمی سبز و باطراوت (از کلام الهی) ، چه نمایه هماهنگ ایمائی است برای ناکام شدگان از تفضل بر بلندای بردن و خواندن به جلو .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۳۰

(نی) : ابن عقده عن احمد بن يوسف عن ابن مهران عن ابن البطائنی عن ابيه و وهيب عن ابی بصیر عن ابی جعفر انه قال اذا رايتم نارا من المشرق شبه الهوى العظيم تطلع ثلثه ايام او سبعة فتوقعوا فرج آل محمد ع ان شاء الله عز و جل ان الله عزيز حكيم ثم قال الصيحه لا تكون الا في شهر رمضان شهر الله و هي صيحه جبرئيل الى هذا الخلق ثم قال ينادى مناد من السماء باسم القائم ع فيسمع من بالمشرق و من بالمغرب لا يبقى راقدا الا استيقظ و لا قائم الا قعد و لا قاعد الا قام على رجله فزعا من ذلك الصوت فرحم الله من اعتبر بذلك الصوت فاجاب فان الصوت الاول هو صوت جبرئيل الروح الامين و قال ع الصوت في شهر رمضان في ليله جمعه ليله ثلاث و عشرين فلا تشكوا في ذلك و اسمعوا و اطيعوا و في آخر النهار صوت ابليس اللعين ينادى الا ان فلانا قتل مظلوما ليشكك الناس و يفتنهم فكم ذلك اليوم من شاك متحير قد هوى في النار و اذا سمعتم الصوت في شهر رمضان فلا تشكوا انه صوت جبرئيل

جلد 52- صفحه 230- ابن عقده از... از ابی بصیر از امام باقر (ع) گفت : هنگامیکه دیدید رای و حکم و

نشانی از پوست برداشتن و نمایان شدن که خیلی شبیه به ژنده و پوسیده لباس می کند که در نمایه های

ایماء هماهنگ و با ظاهری دیگر طالع میشود پس توقع فرج که دور نمای سخنان بیان شده حضرت

محمدرائه می دهد داشته باشید اگر خدای بزرگ عزیز حکیم بخواهد. سپس گفت دمیدن فهم و اطلاع

(صیحه) نمی باشد جز اینکه شهرتی را میسازد که باعث التهاب جانگداز است شهرت یافتن کلام خدا. و

آن دمیدن فهم و اطلاع (صیحه) بهبودی و جبران الهی است بسوی این مردم سپس گفت : ندادهنده از

طرحی شناسه دار خاص ندا می دهد به مشخصه شناسایی قائم (ع) پس میشوند هر کس در مشرق و مغرب

است و باقی نمی ماند خواب و غافلی جز اینکه بیدار و هوشیار میشود و نه ایستاده ایی جز اینکه می

نشیند و نه نشسته ایی جز اینکه می ایستد بر اساس پیشی گرفتن در دو قطب از بیم این آوازه نیک . پس

خدا رحم و مهر کند بر کسیکه بر این آوازه نیک احترام گذارد و توجه کند و بر شمرد و اجابت کند و

همانا نیک آوازی اول همان نیک آوازی بهبود دهندگی خدایی و روح امان دهنده است و گفت (ع) نیک

آوازی خاص در شهرتی التهاب آور از بر چسبیدن مفهوم کلام خدا بر واقعیت زمانه بطور جمع آمده

است بر چسبیدن کلام خدا بر واقعیت زمانه که حق را اعلام می دارد و باطل را باطل می شمرد و مردم

برایشان حالت خوشدلی به جادو دارد . پس در این شک نکنید و بشنوید و اطاعت کنید و در روشنایی دیگر نیک آوازگی است که ابلیس لعین می دهد ندا می دهد که فلانی مظلوم کشته شد تا مردم را به شک بیاندازد و به فتنه اندازدشان . و چه بسا در این زمان افرادی هستند که شک می کنند و متحیر که تحقیقا فرو می افتد در رای و حکم و نشان (رای و حکم و نشان تقدیر شیطان) و چون شنیدید نیک آوازگی در شهرت یافتنی که التهاب جانگداز دارد به آن شک نکنید که آن نیک آوازگی بهبودی دهنده خدایی است .

و علامت این بدینگونه است که ندا داده می شود به مشخصه شناسایی قائم و مشخصه شناسایی پرورش دهنده و سازنده قائم حتی دوشیزگان در پرده هم آنرا میشنوند و پدر و برادر خود را تشویق به خروج می کنند و گفت (ع) لابد از این دو نیک آوازگی در قبال خروج قائم (ع) هست نیک آوازگی (آوازه مهدی) از طرح شناسه دار خاص و آن نیک آوازگی است (آوازه مهدی) بهبودی دهنده از جانب خدا و نیک آوازگی از نشانه هایی که وقتی دور هم آرایش می گیرند (فاسقان را) خوشگل می آید و آن نیک آوازگی از جانب ابلیس لعین است ندا می دهد به اسم فلانی که مظلوم کشته شد و فتنه را می خواهد پس از نیک آوازگی اول تبعیت کنید و آخری برای فتنه شماست . گفت (ع) : قائم قیام نمی کند بجز بر ترس شدید مردم و تزلزلها و فتنه و بلاء که به مردم می رسد و طعن کنندگی در قبال این وچینه و چیدمان با رای قاطع بین افرادی که مشخص و نمایان شده اند و اختلاف شدید بین مردم و دلبخواهی عمل کردن در دینشان و تغییر در حالشان تا حدی که تمنا کننده تمنای مرگ می کند صبح و شام از بزرگی آنچه می بیند از طغیان مردم و دعوی بعضی اشان بعضی چیزها را . پس خروج او (ع) هنگامیکه خروج می کند تبدیل می شود به معقول و نظر زمانیکه شوریدگی داشته است و نومییدی از اینکه فرجی ببینند در آن دو . خوش بحال کسیکه او را درک کند و از یارانش بشود و وای و وای بر کسیکه او را باز دارد و با او مخالفت کند و با امرش مخالفت کند و از دشمنانش شود و گفت (ع) بپا می خیزد به امر جدید و کتاب جدید و سنت جدید و قضاء جدید که بر افراد مشخص و نمایان شده سخت و شدید آید و شانش نیست بجز (درست

فهمیدن {کلام خدا}) (برای خاموش ساختن چراغ کفر دجال) احدی را سبقت نمی گیرد (در مسابقه تقدیر دجال) و در مورد خدا ملامتگری ملامت کننده در او کارگر نمی افتد. سپس گفت (ع) هنگامیکه بنی فلان خود را جانشین ساختند به چیزی که برایشان تفضل دارد پس در این زمان انتظار فرج داشته باشید و فرج شما نیست جز جانشینی بنی فلان پس وقتی جانشین شدند توقع دمش فهم و اطلاع داشته باشید در شهرتی که گدازنده است در اثر خروج قائم. همانا خدا هرچه بخواهد انجام می دهد و قائم خروج نمی کند و آنچه دوست دارید نمی بینید مگر اینکه بنی فلان خود را جانشین کنند در آنچه مایه تفضلشان است و چون اینگونه شد مردم طمع می برند به آنچه در مورد آنهاست و سفیانی خروج می کند و گفت لابد برای بنی فلان فرمانروایی است سپس اختلاف می کنند و همه اشان متفرق میشوند.

و امرشان پراکنده می شود تا خروج می کنند بر آنها بدون کلام و بیان و با اعتقاد به پیروزی و نجات با کشتی خاصی (در دریای تقدیر و سرنوشت دجال) این از پوست برداشتن و نمایان ساختن و آن از مغرب با هم سبقت می گیرند بطرف بزرگی شان و ارجمندی بطور همآورد و برابر شانه به شانه درگرو گذاشته شده این از آن و آن از این تا اینکه باعث استهلاک بنی فلان میشود به دست آن دو. اما آن دو هیچکدام به دیگری مهر و تفضلی قائل نیست. سپس گفت (ع) خروج کسیکه پیروزی خود را در کشتی خاصی در دریای سرنوشت جادویی دجال می داند و خروج کسیکه دیدگاهش محکم و استوار و با منطق است (مهدی موعود) و کسی است که در سکوت علم الهی میآموزاند در نمایه متمایز و روشنی خاص واحد است و در شهرت یافتنی واحد است و در نمایه هماهنگ ایماء واحد است و نظام به مانند نظام دوخته شده به هم است. بعضی بدنبال بعضی میاید و سختی در کل وجه است وای بر کسی که جلو آنها را بگیرد و در پرجمها هدایت یافتگی بیش از پرچم فرد دارای دیدگاه محکم و درست نیست و این پرچم هدایت است که به صحبت کننده راه شما هدایت می کند پس هنگامیکه فرد دارای دیدگاه محکم و درست (مهدی) خروج کردم حرام می کند بر مردم خرید سلاح را و بر همه مسلمانان و چون فرد دارای دیدگاه محکم و درست خروج

کرد پس در جهت او بپا خیزید و برانگیزانید همانا پرچم او حق است و بر مسلمان حرام است که آنرا تار و مار کند و هر کس اینکار را بکند از اهل نار است برای اینکه او به حق دعوت می کند و به راه مستقیم . سپس گفت به من همانا رفتن فرمانروایی بنی فلان به مانند لیسیدن افتخار است و به مانند کسیکه در دستش افتخار است و هنگامیکه از دستش فرو افتاد او پیروی خط سیر می کند و او بی خیال و سهو کار و غافل است از آن و (آن فرمانروایی) در هم می شکند . پس حینی که سقوط می کند می گوید هاه شبیه ترس پس رفتن فرمانرواییشان اینگونه است که غفلت می کنند از آنچه آنرا می برد . و گفت امیر المومنین (ع) بر منبر کوفه که همانا خدای عز و جل اندازه کرد در آنچه اندازه کرد و قضا گذاشت بر هر ذی وجودی از آن . کسانی که فقط به پرده تقاشی جلو ذهنشان توسل و توجه دارند را چینه و چیدمان آشکار شدگی گرفت و اگر بنی فلان را ناگهانی بگیرد و گفت (ع) لابد از آسیابی که آرد می کند پس هنگامیکه بر قطب خود استوار شد و بر ساق خود محکم شد خدا برانگیزاند بر آن بنده ایی گمنام مرگ آور که اصلش یاری و پیروزی باشد با او اصحابش که در حس و فهمهای دور و دراز پیشین که به آنها رسیده میباشند آنها اصحاب رازهای تهمت زن که لباس نیک بر تن آنها می کند هستند آنها اصحاب پرچمهای راز آلود هستند وای بر کسی که با آنها مقابله و جلوگیری کند می کشندشان زیاد در حالت آشوب و فتنه . به خدا گویی نظر می کنم به آنها و افعالشان آنچه از اعراب جادو باز از آنها القا می کنند به ستمکاری . خدا مسلطشان می کند بر آنها بدون مهر پس می کشندشان در حالت فتنه و آشوب بر شهرشان در کنار فرات دریایی و خشکی جزاء آنچه عمل کرده بودند.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۳۵

(نی) : ابن عقده عن احمد بن يوسف عن اسماعيل بن مهران عن ابن البطائني و وهيب عن ابي بصير عن ابي جعفر قال يقوم القائم ع في وتر من السنين تسع واحده ثلاث خمس و قال اذا اختلفت بنو اميه ذهب ملكهم ثم يملك بنو العباس فلا يزالون في عنفوان من الملك و غضاره من العيش حتى يختلفوا فيما بينهم فاذا اختلفوا ذهب ملكهم و اختلف اهل الشرق و اهل الغرب نعم و اهل القبلة و يلقي الناس جهد شديد مما يمر بهم من الخوف فلا يزالون بتلك الحال حتى ينادى مناد من السماء فاذا نادى فالنفر النفر فوالله لكانى انظر اليه بين الركن و المقام يبائع الناس بامر جديد و و كتاب جديد و سلطان جديد من السماء اما انه لا يرد له رايه ابدا حتى يموت
شماره سريال ۳۷۱

جلد 52- صفحه 235- ابن عقده از... از ابي بصير از امام باقر (ع) گفت قائم پيا مي خيزد در حق كشي راجع به او در تصويرهايي كه فرم ميابد (در تقدير دجالي) كش يافته فقط مختص اوست اين حق كشي مي گويند ما خوبيم و تو عيب دار وقتي براي تمايز خود عمل مي كنند . و گفت وقتي كسانيكه همه ذهنيستان متوجه پرده هاي افق ديده شان است با هم اختلاف كردند كسانيكه تمام علاقه اشان پرده اي چركين است فرمانروا مي شوند پس در عنفوان فرمانروايي و توانگري در يافتن نشانه هاي حيات خود از اختلاف با هم دست نمي كشند پس چون اختلاف كردند فرمانروايي شان مي رود و اختلاف كنند اهل شرق و اهل غرب نرم و نازك و آرام آرام و اهل قبله و مردم بخاطر آنچه تلخ است براي شان از ترس تلاش شديدي مي كنند و از اين حالت از پا نمي ايستند تا منادي از طرح شناسه دار خاصي ندا مي دهد پس نفر به نفر . پس به خدا گويي نظر مي كنم بسويش بين اعتماد به قدرت دجال از جانب مردم و ايستادن با مردم بيعت مي كند به امر جديد و كتاب جديد و حجت جديد از طرح شناسه دار خاص اما همانا تائيد راي او هرگز براي شما نمي آيد تا بميرد.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۳۹

(نی) : ابن عقده عن القاسم بن محمد عن عیسی بن هشام عن ابن جبلة عن محمد بن سلیمان عن العلاء عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر محمد بن علی ع انه قال السفیانی و القائم فی سنه واحده
شماره سریال ۳۷۴

جلد 52- صفحه 239- ابن عقده از.... از محمد بن مسلم از امام باقر(ع) گفت: سفیانی و قائم در رگه نمایان واحدی هستند.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۴۰

(نی) : ابن عقده عن احمد بن یوسف عن اسماعیل بن مهران عن ابن البطائی عن ابیه و وهیب عن ابی بصیر عن ابی عبد الله ع انه قال بینا الناس وقوفا بعرفات اذ اتاهم راکب علی ناقه ذعبله یخبرهم بموت خلیفه عند موته فرج آل محمد ع و فرج الناس جمیعا و قال ع اذا رایتم علامه فی السماء نارا عظیمه من قبل المشرق تطلع لیل فعدنها فرج الناس و هی قدام القائم بقلیل
شماره سریال ۳۷۵

بحار الانوار- جلد 52- صفحه 240- ابن عقده از.... از ابی بصیر از امام صادق(ع) گفت: در این بین، واقف شدن مردم به شناختها (شناخت دادن کلمه الهی به مردم توسط مهدی) است وقتی سامان می دهد بطور پشت هم چیننده (آیات و نشانه ها) بر اساس مطلب با سلیقه تر و برگزیده و زیباتر (قرآن جدید مهدی) بطور نهان، خبر می دهد به مرگ جانشین شونده در تقدیر جادویی (بعنوان خدا) که مرگش گشایشی برای دورنمای ارائه شده از حضرت محمد (ص) و گشایشی برای جمیع مردم می باشد و گفت (ع) هنگامیکه علامتی در طرح شناسه دار خاص (طرحی در کلام خدا و پیامبر و امامان) دیدید که رای و نشان بزرگی است در اثر پوست برداشتن و نمایان کردن که اطلاع و آگاهی می دهد با برجسبیدن مفهوم

کلمات الهی و اولیائش به واقعیات روزگار، پس در آن گشایش برای مردم است و آن سروری و شرافت قائم را نمایان میسازد در حالیکه او را کم می گذارند.

-107

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۴۰

(نی) : احمد بن هوزه عن ابراهيم بن اسحاق عن عبد الله بن حماد عن ابن ابي مالك عن محمد بن ابي الحكم عن عبد الله بن عثمان عن حصين المكي عن ابي الطفيل عن حذيفه بن اليمان قال يقتل خليفه ما له في السماء عاذر ولا في الارض ناصر و يخلع خليفه حتى يمشي على وجه الارض ليس له من الامر شيء و يستخلف ابن السته قال فقال ابو الطفيل يا ابن اخي ليتني انا و انت من كوره قال قلت و لم تمنى يا خال ذلك قال لان حذيفه حدثني ان الملك يرجع في اهل النبوه
شماره سریال ۳۷۸

بحار الانوار - جلد 52 - صفحه 240 - احمد بن هوزه از.... از حذیفه بن الیمان گفت جانشین پیامبرانی که با اعمالی بر رویش خود را زیبا نشان می دهند . برای او در طرح شناسه دار خاص معذور کننده ایی نیست و در نشانه هایی که وقتی گرد هم آرایش می گیرند او را سزاوار خیر می سازند یاریگری نیست و جانشین پیامبرانی که بر کنار می شود تا زمانیکه راه می رود بر اساس وجه آیاتی که وقتی گرد هم آرایش می گیرند او را سزاوار حق میکنند برای او چیزی نیست و بیار میاورد چیز عیب برای همه . گفت پس گفت ابوالطفیل ای برادرزاده ای بر من و تواز این ابزار رام کردن . گفتم برای چه مرا سرزنش می کنی ای دایی ؟ گفت برای اینکه حذیفه حدیثی برایم نقل کرد که همانا سلطنت باز می گردد به اهل نبوت .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۴۱

(نی) : ابن عقده عن احمد بن يوسف عن ابن مهران عن ابن البطائنی عن ابیه و وهیب عن ابی بصیر قال سئل ابو جعفر الباقر عن تفسیر قول الله عز و جل (سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق) قال یریهم فی انفسهم المسخ و یریهم فی الافاق انتقاض الافاق علیهم فیرون قدره الله فی انفسهم و فی الافاق فقولہ (حتی یتبین لهم انه الحق) یعنی بذلک خروج القائم هو الحق من الله عز و جل یراه هذا الخلق لا بد منه شماره سریال ۳۷۹

بحار الانوار - جلد ۵۲ - صفحه ۲۴۱ - ابن عقده از... از ابی بصیر پرسیده شد از امام باقر (ع) از تفسیر گفتار خداوند (سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق) گفت: در جانهایشان نشانشان می دهد بی اعتبار شدن مطلب قدیم و استوار شدن مطلب جدید در ذهن و جانشان و نشانشان می دهد از هم باز شدن و دوباره رشتن در دیدگاههای جدید پس در ذهن و جانشان و در دیدگاههای جدید می بینند قدرت خدا را پس گفتارش که (تا روشن شود برایشان که همانا آن حق است) یعنی به اینکه خروج قائم حق است از جانب خدای عز و جل که این خلق می بینندش لابد از اوست .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۴۴

(نی) : ابن عقده عن علی عن الحسن و محمد ابنا علی بن یوسف عن ابیهما عن احمد بن عمر الحلبی عن صالح بن ابی الاسود عن الی الجارود قال سمعت ابا جعفر ع یقول اذا ظهرت بیعه الصبی قام کل ذی صیصیه بصیصیه شماره سریال ۳۸۷

بحار - جلد ۵۲ - صفحه ۲۴۴ - ابن عقده از... از ابی جارود گفت شنیدم امام باقر (ع) می گفت چون بیعت فرد ناظر به چشم مردم ظاهر شد هر فرد دارنده شاخ و ممانعت با شاخ و ممانعتش بلند می شود.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۴۴

(نی) : و بهذا الاسناد عن هشام عن زراره قال قلت لابی عبد الله عليه السلام النداء حق قال ای و الله حتی یسمعه کل قوم بلسانهم و قال ابو عبد الله ع لا یکون هذا الامر حتی یذهب تسعه اعشار الناس
شماره سریال ۳۸۹

بحار الانوار - جلد ۵۲ - صفحه ۲۴۴ - با این اسناد از هشام از زراره . گفتم به امام صادق که آیا نداء (نداء سماوی) حق است؟ گفت آری و بخدا حتی می شنوندش همه مردم به گویش خود و گفت امام صادق (ع) این امر نمیشود مگر به پندار در آورد خوشدلی واهی مردم به سرنوشت جادویی بطور وسعت یافته .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۴۴

(نی) : عبد الواحد عن احمد بن محمد عن احمد بن علی الحمیری عن الحسن بن ایوب عن عبد الکریم عن رجل عن ابي عبد الله ع انه قال لا يقوم القائم ع حتی یقوم اثنا عشر رجلا یجمع علی قول انهم قد راوه فیکذبونهم
شماره سریال ۳۹۰

بحار الانوار - جلد ۵۲ - صفحه ۲۴۴ - عبد الواحد از از مردی از امام صادق (ع) گفت : قائم به پا نمیخیزد تا اینکه مردی مانع خوشدلی واهی به جادو پیا می خیزد و بر اساس گفتار همه گفتار را جمع می آورد همانا او را می بینند (به مشخصاتش می فهمند که او مهدی است) و تکذیبشان می کنند .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۵۱

(نی) : علی بن احمد عن عبيد الله بن موسى عن محمد بن موسى عن احمد بن ابي احمد عن محمد بن علي القرشي عن الحسن بن ابراهيم قال قلت للرضاع اصلحك الله انهم يتحدثون ان السفيناني يقوم و قد ذهب سلطان بني العباس فقال كذبوا انه ليقوم و ان سلطانهم لقائم
شماره سریال ۴۰۹

بحار- جلد 52- صفحه 251- علی بن احمد از.... از حسن بن ابراهیم گفت به امام رضا (ع) گفتم خدا به تو روزگار نیک بدهد آنها حدیث نقل می کنند که سفینانی پیا می خیزد و تحقیقا فرمانروایی کسانیکه تقدیر نیکشان در محیط عبوس است از میان می رود ! پس گفت دروغ می گویند ! همانا او قطعاً پیا خیزد و همانا فرمانروایی اشان حتماً برپا است.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۵۲

(نی) : علی بن احمد عن عبيد الله بن موسى عن عبد الله بن محمد عن محمد بن خالد عن الحسن بن المبارك عن ابي اسحاق الهمداني عن الحارث عن علي ع انه قال المهدي اقبل جعد بخده خال يكون مبداه من قبل المشرق و اذا كان ذلك خرج السفيناني فيملك قدر حمل امراه تسعه اشهر يخرج بالشام فينقاد له اهل الشام الا طوائف من المقيمين على الحق يعصمهم الله من الخروج معه و ياتي المدينه بجيش جرار حتى اذا انتهى الى بیداء المدينه خسف الله به و ذلك قول الله عز و جل في كتابه (و لو ترى اذ وقفوا فلا فوت و اخذوا من مكان قريب) جلد : ۵۲

بحار- جلد 52- صفحه 252- علی بن احمد از... از حارث از علی (ع) گفت : مهدی روی میاورد به برگرداندن خط و اثر نشان که شروع شده بود در قبال پوست برداشتن و نمایان کردن (پوست برداشتن و نمایان کردن نشانه های آخر الزمان شامل مهدویت خودش و نمایاندن دجال و غیره باعث میشود رگه سرنوشت عبوس روی کار بیاید و او میخواهد خط و خال محیط عبوس را پاک یا کمرنگ کند پس دنبال

زندگی با نشاط تر می رود). و چون چنین شد سفیانی خروج می کند و دارای توانایی بر ظاهر ساختن آنچه برایش گوار است می شود به شکل توسعه دادن شهرت دادنها که تدوین می کند با در آمدن نشانه هایش به نشانه روی آوردن مهدی به قرآن و حکمت و کسانیکه اهل به در هم آمدگی نشانه های آنها به رویکرد مهدی به قرآن و حدیث هستند مطیعش می شوند بجز گروههایی ثابت بر حق که خدا نگاهشان می دارد از همراهیش و به قانون پاداش و مزد طبق قانون (قانون پاداش و مزد دجال) در میاید با لشگری که جذب می کنند دیگران تا اینکه منتهی میشود به ظهور نوین پاداش و مزد طبق قانون و خدا او را فرو می گیرد و این است معنی گفتار خداوند تبارک و تعالی (ولوتری اذا وقفو فلا فوت و اخذو من مکان قریب - و اگر می دیدیشان وقتی توقیف شدند و گذشتی از آن در کار نیست و طبق اقتباس از نیت و آهنگی که به آن نزدیکی داشتند گرفته میشوند)

-114

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۶۸

(کتاب الامامه و التبصره) : لعلی بن بابویه عن محمد بن یحیی عن محمد بن احمد عن ذکره عن صفوان بن یحیی عن معاویه بن عمار عن ابی عبیده الحذاء قال سالت ابا جعفر عن هذا الامر متی یکون قال ان کنتم توملون ان یجئکم من وجه فلا تنکرونه
شماره سریال ۴۲۹

بحار-جلد ۵۲- صفحه ۲۶۸- (کتاب امامت و تبصره) علی بن بابویه از... از ابی عبیده الحذاء گفت از امام محمد باقر (ع) پرسیدم این امر چه وقت می شود ؟ گفت اگر امید و پیمان و انتظارتان بر این باشد که از وجهی (غیر آنچه انتظارش را داشتید) بیایدتان و کراهت نداشته باشید و منکرش نشوید.

و منه عن هارون بن موسى عن محمد بن موسى عن محمد بن علي بن خلف عن موسى بن ابراهيم عن موسى بن جعفر عن ابيه عن آبائه ع قال قال رسول الله ص ظهور البواسير و موت الفجاءه و الجذام من اقتراب الساعه
شماره سریال ۴۳۰

بحار-جلد 52- صفحه 268- و از این نوع هارون بن موسی از... ابراهیم از موسی بن جعفر از پدرش از پدرانشان (ع) گفته شده که پیامبر خدا گفت : ظهور تفحصات و از میان رفتن فاصله گرفتن و بریدن (دور شدن و بریدن از مهدی) از وسایل نزدیک شدن بر زمین نهادن بار و زنجیر تقید (تقید به قانون دجال) است.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۶۹

(قل) : وجدت فی کتاب الملاحم للبطائنی عن ابی بصیر عن ابی عبد الله علیه السلام قال قال الله اجل و اکرم و اعظم من ان یترک الارض بلا امام عادل قال قلت له جعلت فداک فاجبرنی بما استریح الیه قال یا ابا محمد لیس یری امه محمد فرجا ابدا ما دام لولد بنی فلان ملک حتی ینقرض ملکهم فاذا انقرض ملکهم اتاح الله لامه محمد برجل منا اهل البیت یشیر بالتقی و یعمل بالهدی و لا یأخذ فی حکمه الرشا و الله انی لاعرفه باسمه و اسم ابيه ثم یاتینا الغلیظ القصره ذو الخال و الشامتین القائد العادل الحافظ لما استودع یملاها عدلا و قسطا کما ملأها الفجار جورا و ظلما
شماره سریال ۴۳۱

بحار-جلد 52- صفحه 269-... ابی بصیر گفت امام صادق(ع) گفت : خدای اجل اکرم و اعظم زمین را بدون امام عادل رها نخواهد کرد . گفتم فدایت شوم آنچه باعث راحتی ام خبرم ده . گفت ای ابا محمد امت محمد فرج و گشایشی نخواهد دید مادامی که برای بنی فلان فرمانروایی و چیرگی است تا اینکه فرمانروایی و چیرگی ایشان منقرض شود وقتی منقرض شد خداوند به امت محمد فرصت می دهد و آماده می کند برایشان به مردی که اهل پردازش طرح خداوند است آموزش و نمایش می دهد با مواظبت و ترس

و عمل می آورد هدایت را و در حکمش هیچگونه انحراف را اقتباس نمی کند و بخدا سوگند که اسمش و اسم پدرش را می دانم بنابراین بسوی ما میاید در حالیکه بشدت و از همه طرف محبوس و ممنوع میشود دارای حس فهمیدن با گمان و فراست است و نگاه بر آوردی که بین دو چیز کدام درست است می باشد راهنمایی عادل است و حافظ آنچه به راز برایشان به امانت گذاشته شده است (احادیث و کتب آسمانی) .
 آنرا پر از عدل و سرجای خود گذاشتن می کند همانگونه که آنرا ناحقها و خرافه پرستان از نابجایی و از حدگذری پر کرده بودند .

-117

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۶۹

اقول و روی فی کتاب سرور اهل الایمان عن السید علی بن عبد الحمید باسناده عن جابر عن ابی عبد الله ع قال الزم الارض و لا تحرک یداً و لا رجلاً حتی تری علامات اذکرها لک و ما اراک تدرك ذلک اختلاف بین العباد و منادی من السماء و خسف فی قریه من قرى الشام بالجاییه و نزول الترتک الجزیره و نزول الروم الرمله و اختلاف کثیر عند ذلک فی کل ارض حتی تخرب الشام و یكون سبب ذلک اجتماع ثلاث رایات فیه رایه الاصبه و رایه الابقع و رایه السفیانی
 شماره سریال ۴۳۲

بحار-جلد 52-صفحه 269-.... از جابر از امام صادق(ع) گفت . لازم بگیر و بحسب نشانه هایی (احادیث و قرآن) که دور هم که آرایش می گیرند سزاوار بنظر میایند و به تحرک نیاندازانعام و احسانت و پیشی گرفتن از دیگران را تا ببینی و بفهمی علاماتی که ذکر می کنم برایت و آنچه می نمایانت را بفهمی اختلاف بین مردم است و ندا دهنده از طرحی خاص و شناسه دار و فرو گرفته شدن مجموعه هم شکل رفتار کننده " پول بده " و استوار شدن کسانی که علامات ظهور مهدی را باقی گذاشته و ترک می کنند به مجموعه تهمت و دشنام و استوار شدن کسانی که میخواهند مرمت کنند سرنوشت را از تهمت و دشنام در رمالی و دعا نویسی و اختلاف کثیری در این وضعیت در کل زمین تا اینکه در هم در آمدن

علامات ظهور مهدی با علامات فاسد مردمان فساد ایجاد می کند و علت آن اجتماع سه پرچم در آن است .
پرچم کسانیکه مخلوط با علامات ظهور است و پرچم کسانیکه اختلاف دارند با ظهور مهدی و پرچم
سفیانی .

-118

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۶۹

و باسناده عن احمد بن محمد الایادی رفعه الی برید عن ابی جعفر قال یا برید اتق جمع الاصبه قلت و ما
الاصب قات البقع قلت و ما البقع قال البرص و اتق السفیانی و اتق الشریذین من ولد فلان یاتیان مکه یقسمان
بها الاموال یتشبهان بالقائم ع و اتق الشذاذ من آل محمد قلت و یرید بالشذاذ الزیدیہ لضعف مقاتلهم و اما کونهم من
آل محمد لانهم من بنی فاطمه
شماره سریال ۴۳۳

بحار-جلد 52- صفحه 269- به اسنادش از احمد بن محمد الایادی تا برید از امام محمد باقر(ع) گفت :
ای برید از جماعت مخلوط(مخلوط شدن نشانه هایشان با نشانه های ظهور مهدی) پرهیز کن . گفتم
چیست جمع مخلوط؟ گفت جمعی که نشانه های ظهور مهدی با نشانه های آنها مخلوط می شود ولی راه
آنها با مهدی متفاوت است . گفتم آن چیست ؟ گفت اختلاف رنگ به مانند پیسی . و پرهیز از سفیانی و
پرهیز از دو رمنده از مهدی نافرمانی خدا و مهدی کن از فرزندان فلانی . هر دو به مکیدن (نشانه های
دلخواهشان در تقدیر جادویی دجال) میایند و به آن خواسته و آرزوی خود را قسمت و سرنوشت قرار می
دهند و به قائم (ع) شبیه میسازند و پرهیز از مردمانی که از آل محمد (ص) هستند ولی برخلاف او
رفتار می کنند .

شماره صفحه : ۲۷۱

و باسناده الی ابن محبوب رفعه الی جابر عن ابی جعفر قال یا جابر لا یظهر القائم حتی یشمل اهل البلاد فتنه یطلبون منها المخرج فلا یجدونه فیکون ذلک بین الحیره و الکوفه قتلاهم فیها علی السری و ینادی مناد من السماء
شماره سریال ۴۳۶

بحار- جلد ۵۲- صفحه ۲۷۱- و به اسنادش از ابن محبوب که به جابر می رسد از اما صادق (ع) نقل کرد: ای جابر! قائم ظاهر نمی شود تا اهل بلاد را فتنه درگیر سازد و از آن بیرو رفتی می طلبند و آنرا نمی یابند و این بین حیرت و کم عقلی و ارجمندی و گرانمایگی (از طرف شراب دجال) می باشد قتلشان (زیبا راه رفتن دیگران روی آنها) در حالت نهانی و مخفیانه است و ندا دهنده ایی از طرحی که شناسه های خاصی دارد ندا می دهد .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۷۱

و باسناده الی ابی عبد الله ع فی خبر طویل انه قال لا یکون ذلک حتی یرج خارج من آل ابی سفیان یملک تسعه اشهر کحمل المراه و لا یکون حتی یرج من ولد الشیخ فیسیر حتی یقتل ببطن النجف فوالله کانی انظر الی رماحهم و سیوفهم و امتعتهم الی حائط من حیطان النجف یوم الاثنین و یستشهد یوم الاربعاء
شماره سریال ۴۳۷

بحار- جلد ۵۲- صفحه ۲۷۱- و به اسنادش از امام صادق (ع) در خبری طویل همانا او گفت این نمی باشد تا اینکه تدوین کند خروج کننده از کسانیکه بوجود آورنده کشتی (سفیانی در بحر تقدیر جادویی دجال) هستند و مسلط میشود بر گسترش شهرت دادن گوارا آینده هایش و نمی باشد تا تدوین کند زاده شیخ را و ادامه می دهد تا زیبا راه رود در دل دارد نهانی ریشه کن کردن را. و بخدا قسم که گویی نظر

می کنم به دوند گیهایشان و ردیف کردنهايشان و اسباب و متاعشان در جهت احاطه يابندگی چرخیدن دور صید برای از بن قطع کردن در نمایه هماهنگ ممانعت و شهادت دهد نمایه هماهنگ بازگردانیده شدن را.

-121

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۷۹

(ل) : ابی عن سعد عن ابن یزید عن ابن ابی عمیر عن غیر واحد عن ابی عبد الله ع قال یخرج قائمنا اهل البیت يوم الجمعة الخیر
شماره سریال ۴۵۱

بحار-جلد 52-صفحه 279- از سعد از.....از ابن ابی عمیر از چند نفر از امام صادق (ع) گفت:قائم ما اهل پردازش طرح در نمایه هماهنگ اشاره ایی که جمیع اخبار و روایات و آیات جمع میشود خروج می نماید.(جمعه الخبر)

-122

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۸۰

(ک) : محمد بن ابراهیم بن اسحاق عن الحسین بن ابراهیم بن عبد الله بن منصور عن محمد بن هارون الهاشمی عن احمد بن عیسی عن احمد بن سلیمان الدهاوی عن معاویه بن هشام عن ابراهیم بن محمد بن حنیفه عن ابیه محمد عن ابیه امیر المومنین صلوات الله علیه قال قال رسول الله ص المهدی منا اهل البیت یصلح الله له امره فی ليله و فی روايه اخرى یصلحه الله فی ليله
شماره سریال ۴۵۷

بحار-جلد 52-صفحه 280- محمد بن ابراهیم از....از محمد بن حنیفه از پدرش علی (ع) گفت رسول الله (ص) گفت : خداوند امر فرد هدایت یافته (مهدی) از ما اهل طرح پردازش شده را به شکل برچسبیدن

مفاهیم (که ما ارائه دادیم) بر واقعیت زمانه برای او سامان می دهد و در روایت دیگری خدا درست و اصلاح می کند برایش به شکل چسبیدن مفاهیم کلام الهی به واقعیت زمانه.

-123

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۸۱

(ك) : الطالقانی عن ابن همام عن جعفر بن مالك عن الحسن بن محمد بن سماعه عن احمد بن الحارث عن المفضل بن عمر عن ابي عبد الله عن ابيه ع انه قال اذا قام القائم قال (ففررت منكم لما خفتكم فوهب لي ربي حكما و جعلني من المرسلين)
شماره سریال ۴۵۸

بحار-جلد 52-صفحه 281-طالقانی از...ازمفضل بن عمر از امام صادق از پدرش (ع) گفت: هنگامیکه قائم قیام کند می گوید (از شما احوالتان را { در احادیث } جویا شدم وقتی از شما ترسیدم پس پروردگارم به من حکم داد و مرا از پیامبران قرار داد).

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۸۱

(ك) : ابی و ابن الولید معا عن سعد و الحمیری و احمد بن ادريس جميعا عن ابن عيسى و ابن ابی الخطاب و محمد بن عبد الجبار و عبد الله بن عامر عن ابن ابی نجران عن محمد بن مساور عن المفضل بن عمر الجعفی عن ابی عبد الله ع قال سمعته يقول اياكم و التثويه اما و الله لیغیب امامكم سنينا من دهرکم و لیمحص حتی یقال مات او هلك پای واد سلك و لتدمعن علیه عیون المومنین و لتکفان کما تکفا السفن فی امواج البحر فلا ینجو الا من اخذ الله میثاقه و کتب فی قلبه الايمان و ایده بروح منه و لترفعن اثنتا عشره رایه مشتبیه لا یدری ای من ای قال فبکیت فقال لی ما یبکیک یا با عبد الله فقلت و کیف لا ابکی و انت تقول ترفع اثنتا عشر رایه مشتبیه لا یدری ای من ای فکیف نصنع قال فنظر الی شمس داخله فی الصفه فقال یا با عبد الله ترى هذه الشمس قلت نعم قال و الله لامرنا ابین من هذه الشمس . (غط) : احمد بن ادريس عن ابن قتیبه عن ابن شاذان عن ابن ابی نجران مثله . (نی) : محمد بن همام

بحار- جلد 52- صفحه 281- ابن ولید از..... از مفضل بن عمر جعفی از امام صادق (ع) گفت شنیدم می گفت فقط شما را به اعتماد و آهنگ و اراده توصیه می کنم. اما بخدا قسم امامتان در فرمهایی از سختی روزگارتان غیبت و سخنچینی می کند و قطعا تست می کند و می آزمايد تا اینکه گفته می شود حتما می میرد در جهتی که هلاک می شود بسته به اینکه چه طریق و شیوه ای را سلوک کند و به رشته در آورد و چشمهای مومنین بخاطر او پر از اشک می شود و شبیه سازی می کنند شبیه سازی کشتیها در امواج بحر پس نجات نمی یابند جز کسی که خدا میثاقش را گرفته و در دلش ایمان را نوشته و تأییدش می کند به جوهر کلام خودش و قطعا پرچمهای دوازده افراشته می شود مشتبیه ساز بطوریکه نمی دانند چه از چه است . گفتم پس چطور عمل کنیم؟ به آفتابی که داخل صدف می تابد نظر کرد و گفت این آفتاب را می بینی؟ گفتم بله گفت بخدا امر ما از این آفتاب روشنتر است . دیگران هم مثل این روایت را گفته اند.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۸۴

(غط) : جماعه عن ابی المفضل عن محمد الحمیری عن اییه عن ابن ابی الخطاب عن موسی بن سعدان عن عبد الله بن القاسم عن المفضل بن عمر قال سالت ابا عبد الله ع عن تفسیر جابر فقال لا تحدث به السفله فیذیعونه ا ما تقرأ کتاب الله (فاذا نقر فی الناقر) ان منا اماما مستترا فاذا اراد الله اظهار امره نکت فی قلبه نکتة فظهر فقام بامر الله . (کش) : آدم بن محمد البلخی عن علی بن الحسن بن هارون الدقاق عن علی بن احمد عن احمد بن علی بن سلیمان عن ابن فضال عن علی بن حسان عن المفضل مثله جلد : ۵۲

بحار- جلد ۵۲- صفحه ۲۸۴- جماعتی از ابی مفضل از... از مفضل بن عمر گفت از امام صادق (ع) از تفسیر جابر پرسیدم . گفت به افراد پایین جامعه روایت نکن منتشرش می کنند . نخوانده ای کتاب خدا را (فاذا تقر فی الناقر = هنگامیکه تحقیق و بررسی { کتاب خدا } در میان بانگ تهمت و سخنچینی انجام می شود) ؛ همانا از ما امامی پوشیده است پس هنگامیکه خدا خواست ظهور امرش را در دلش اثری از نکته ها و مطالب لازم الدقت را ایجاد می کند پس ظهورش انجام میشود و دست بکار امر خدا می شود . دیگران هم مثل آن روایت کرده اند.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۸۵

(کنز) : محمد بن العباس عن الحسين بن احمد عن محمد بن عيسى عن يونس عن صفوان عن ابی عثمان عن معلى بن خنيس عن ابی عبد الله عليه السلام قال قال امير المومنين ع انتظروا الفرج فی ثلاث قیل و ما هن قال اختلاف اهل الشام بينهم و الرايات السود من خراسان و الفزعه فی شهر رمضان فقیل له و ما الفزعه فی شهر رمضان قال ا ما سمعتم قول الله عز و جل فی القرآن (ان نشا نزل علیهم من السماء آیه فظلت اعناقهم لها خاضعين) قال انه یخرج الفتاه من خدرها و یتقیظ النائم و یفرع الیقظان
شماره سریال ۴۶۴

بحار- جلد ۵۲- صفحه ۲۸۵- محمد بن عباس از... از معلى بن خنيس از امام جعفر صادق (ع) گفت امیرالمومنین گفت انتظار فرج را داشته باشید در سه مورد . گفته شد آنها چیستند؟ گفت اختلاف در

شام، پرچمهای رازگو در حالت بیصدایی (پرچم مهدویت مهدی) و ترس و بیم در شهرت یافتنی که باعث التهاب و سوز و گداز روح و روان میشود. گفته شد آن ترس چیست؟ گفت نشنیدید خدا می فرماید در قرآن (اگر بخواهیم از طرح با شناسه های خاص استوار می کنیم بر آنها آیه و نشانه ایی که گردنهایشان در برابر آن خاضع می شود)؛ گفت همانا جوان تدوین می کند و بیرون میاورد از پوششش فرد غافل هوشیار و متوجه می شود و فرد ملتهب را ترس و بیم می گیرد.

-127

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۸۶

(ك) : بهذا الاسناد عن ابان بن تغلب قال قال ابو عبد الله ع سيأتي في مسجدكم ثلاثمائة و ثلثه عشر رجلا يعني مسجد مکه يعلم اهل مکه انه لم يلد لهم آباوهم و لا اجدادهم عليهم السیوف مکتوب علی کل سیف کلمه تفتح الف کلمه فیبعث الله تبارک و تعالی ریحاً فتتادی بکل واد هذا المهدی یقضی بقضاء داود و سلیمان ع لا یرید علیه بینه جلد : فیبعث الله تبارک و تعالی ریحاً فتتادی بکل واد هذا المهدی یقضی بقضاء داود و سلیمان ع لا یرید علیه بینه جلد : ۵۲

بحار - جلد ۵۲ - صفحه ۲۸۶ - به این اسناد از ابان بن تغلب گفت امام صادق گفت : خواهد آمد در سجده گاه

شما به شکل بازگشودن برای تمایز حق از باطل و معاشرت با مهدی برای تمایز حق از باطل به شکل فزاینده و بالغ شونده یعنی سجده گاه بیرون کشیدن مطلب با سختی . کسانی که با آنها اهل شده اند اینطور می دانند که حتما آنچه بوجود آورندگی آنهاست را زاده نخواهند ساخت . بر آنها چینه و چیدمانی است که بر هر کدام از این چینه ها کلمه ای نوشته که پرده از جفت و جور آمدن با دیگر کلمات را بر می دارد . پس خداوند تبارک و تعالی حس و فهمی بر می انگیزد که در کل سرزمینها ندا می دهد این مهدی است قضاوت می کند به قضاوت داوود و سلیمان ع بر آن بینه نمی خواهد.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۸۷

(غط) : محمد بن همام عن جعفر بن محمد بن مالك عن عمر بن طرخان عن محمد بن اسماعيل عن علي بن عمر بن علي بن الحسين عن ابي عبد الله ع قال ان ولي الله يعمر عمر ابراهيم الخليل عشرين و مائه سنه و يظهر في صوره فتى موفق ابن ثلاثين سنه . (ني) : محمد بن همام مثله و زاد في آخره حتى ترجع عنه طائفه من الناس يملا الارض قسطا و عدلا كما ملئت جورا و ظلما جلد : ۵۲

بحار-جلد 52-صفحه 287-محمد بن همام از.....از علی بن حسین از امام جعفر صادق ع گفت : همانا ولی خدا اندازه و عمران می کند اندازه و عمرانی که سوزن به شیفتگی دوستدار خوشدلیهای واهی به جادو و گشودن فرم ممتاز خودش است می باشد و به صورت جوانی وفق داده شده ظاهر میشود که همه می خواهند با توجه به او بگویند من نکو و حقم و دیگری معیوب و باطل.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۸۷

(غط) : محمد بن همام عن الحسن بن علي العاقولي عن الحسن بن علي بن ابي حمزه عن ابيه عن ابي بصير عن ابي عبد الله ع انه قال لو خرج القائم لقد انكره الناس يرجع اليهم شابا موقفا فلا يلبث عليه الا كل مومن اخذ الله ميثاقه في الذر الاول جلد : ۵۲

بحار-جلد 52-صفحه 287-محمد بن همام از.....از ابی بصیر از امام صادق ع گفت: اگر قائم خروج کند مردم او را ناخوش داشته و انکار می کنند که به آنها رجوع می کند به شکل جوانی موفق پس درنگ نمی کند و باقی نمی ماند بر او بجز هر مومنی که خدا میثاقش را در اول آفرینش گرفته است.

شماره صفحه : ۲۸۷

(نی) : علی بن الحسین المسعودی عن محمد العطار عن محمد بن الحسن الرازی عن محمد بن علی الكوفی عن ابن محبوب عن ابن جبله عن البطائنی عن ابی عبد الله ع مثله قال و فی غیر هذه الروایه انه ع قال و ان من اعظم البلیه ان یخرج الیهم صاحبهم شابا و هم یحسبونه شیخا کبیرا جلد : ۵۲

بحار-جلد 52-صفحه 287- علی بن حسین مسعودی از....از البطائنی از امام صادق ع گفت : اینکه از

عظیمترین بلیه ها این است که صاحب آنها خروج می کند به شکل جوانی و آنها گمان می کردند او باید شیخ بزرگی باشد.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۸۹

(غط) : سعد عن الحسن بن علی الزيتونی و الحمیری معا عن احمد بن هلال عن ابن محبوب عن ابی الحسن الرضا ع فی حدیث له طویل اختصرنا منه موضع الحاجه انه قال لا بد من فتنه صماء صیلم یسقط فیها کل بطنه و ولیجه و ذلک عند فقدان الشیعه الثالث من ولدی یبکی علیه اهل السماء و اهل الارض و کم من مومن متأسف حران حزین عند فقد الماء المعین کانی بهم اسر ما یکنونون و قد نودوا نداء یسمعه من بعد کما یسمعه من قرب یكون رحمه للمومنین و عذابا علی الکافرین فقلت و ای نداء هو قال ینادون فی رجب ثلاثه اصوات من السماء صوتا منها الا لعنه الله علی القوم الظالمین و الصوت الثانی ازفت الازفه یا معشر المومنین و الصوت الثالث یرون بدنا بارزا نحو عین الشمس هذا امیر المومنین قد کر فی هلاک الظالمین و فی روایه الحمیری و الصوت بدن یری فی قرن الشمس یقول ان الله بعث فلانا فاسمعوا له و اطیعوا و قالوا جمیعا فعند ذلک یاتی الناس الفرج و تود الناس لو کانوا احياء و یشفی الله صدور قوم مومنین . (نی) : محمد بن همام عن احمد بن مابنداد و الحمیری معا عن احمد بن هلال مثله شماره سریال ۴۷۶

بحار-جلد 52-صفحه 289- سعد بن حسن از....از ابن محبوب از امام رضا ع در حدیثی طولانی که بنا

بر روایت اصل موضوع مختصرش کردیم گفت : ناگزیر فتنه ای تیره و تار خواهد بود که در آن هر

رازی که درون فرد است و هر امر خصوصی سخنجینی می کند و این در هنگامی است که گروهها در

اثر عمل فرد حق را از باطل متمایز کننده زاده من دچار فقدان شوند (مهدی بطرف قرآن و حدیث میاید تا

نشان دهد دجال باطل است و آنها دچار فقدان تقدیر مطبوع خود می شوند) اهل طرّحهای خاص که شناسه

های خود را دارند و در مجموعه نشانه های خود سزاوار خیر می شوند بر علیه او می سرایند . (یعنی با اعمالشان و عملی ساختن نشانه هایی می سرایند ما زیبا هستیم و تو مهدی نیستی فلان فرد هستی) و چه بسیار معتقدانی که متاسف و مانند تشنه ایی که باز ایستاده شده و غمگین از دست دادن جوهر مفهوم و معنای یاریگر (جوهر معنا و مفهومی می گفته آنها خوب و نیکند و یاریگر آنها بوده از دستشان رفته) گویی بطور نهانی راز می گفته چه می باشند . تحقیقا ندا داده می شوند و از دور می شنوند آنگونه که گویی از نزدیک آنها می شنوند مهر انگیز برای مومنین و عذابی برای کافران . پس گفتم چه ندایی است ؛ گفت در حالیکه احترام و ترس و حرمت حاکم است (حرمت نسبت به دجال و اینکه باید ساکت بمانند) نداهایی حق را از باطل متمایز کننده از طرح شناسه دار خاص (طرحی از کلام خدا) ندا داده می شوند . هان لعنت بر ستمگران نابجا گذار . ای گروه مومنان نزدیک شدنی نزدیک شد . و ندای حق را از باطل متمایز کننده ایی که مردم بدنه و قالبی را می بینند در پیوست با شمس { یعنی دو ناظر به چشم مردم که یکی شمس یا دجال است در مورد ناظر به چشم دیگر بدنه و طرح شناخت مهدی که دارای اساس و اجزاء است و پراز شناختهاست به آنها ندا داده میشود که بارز است که همان مهدی است) که بیان می دارد تحقیقا این فرمانروای مومنان است که در هلاک ظالمین می تازد و در حدیث حمیری بدنه ایی دیده می شود که در پیوست با شمس می گوید خدا برانگیخت فلانی را پس بشنویدش و اطاعت کنید و هر دو متحد گفتند در این زمان گشایش برای مردم می رسد و مردم دوست دارند ای کاش زنده بمانند و خدا سینه مومنین را شفا می دهد .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۹۳

(نی) : ابن عقده عن علی بن الحسن عن ابيه عن احمد بن عمر الحلبي عن الحسين بن موسى عن فضيل بن محمد عن ابي عبد الله ع انه قال اما ان النداء الاول من السماء باسم القائم في كتاب الله ليبن فقلت اين هو اصلحك الله فقال في (طسم تلك آيات الكتاب المبين) قوله (ان نشاء ننزل عليهم من السماء آيه فظلت اعناقهم لها خاضعين) قال اذا سمعوا الصوت اصبحوا و كانوا على رؤوسهم الطير جلد : ۵۲

بحار-جلد 52-صفحه 293-ابن عقده از....از فضیل بن محمد از امام صادق ع گفت: اما نداء اول از طرح شناسه دار به مشخصه شناسایی قائم در کتاب خدا قطعاً بیان می کند . پس گفتم کجاست آن خدا سلامتت بدارد . گفت(طسم این آیات کتاب مبین است) گفتارش (اگر بخواهیم آیه ای بر آنها استوار کنیم که گردنهاشان در برابر آن خاضع شود) گفت چون آوازه نیک را شنیدند برایشان روشن می شود و گویی بدفالی و بدسرنوشتی طبق تابلو اندیشه اشان دچار میشوند.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۹۴

(نی) : ابن عقده عن علی بن الحسن عن العباس بن عامر عن ابن بكير عن زراره قال سمعت ابا عبد الله ع يقول ينادي مناد من السماء ان فلانا هو الامير و ينادي مناد ان علينا و شيعته هم الفائزون قلت فمن يقاتل المهدي بعد هذا فقال ان الشيطان ينادي ان فلانا و شيعته هم الفائزون لرجل من بني اميه قلت فمن يعرف الصادق من الكاذب قال يعرفه الذين كانوا يروون يقولون انه يكون قبل ان يكون و يعلمون انهم هم المحقوق مه
شماره سریال ۴۹۵

بحار-جلد 52-صفحه 294-ابن عقده از...از زراره گفت شنیدم امام صادق ع می گفت ندا دهنده از طرح شناسه دار خاص ندا می دهد که فلانی فرمانروا است و ندا می دهد ندا دهنده که همانا آنکه آدرسش را ما دادیم و گروه همفکر او پیروز و به مقصود رسیده هستند گفتم پس چه کسی با مهدی می جنگد بعد از این؟

پس گفت همانا شیطان ندا می دهد که فلانی و طرفداران هفکرش به مقصود می رسند و پیروزند منظورش مردی که توجه و نیت و آهنگ به پرده خاصی (در تقدیر جادویی دجال) دارد میباشد. گفتم چه کسی صادق از کاذب را می شناسد؟ گفت می شناسندش کسانی که روایت را خوانده بودند می گویند همانا آن بوده است قبل از آنکه شکل بگیرد و می دانند که آنها مناسب و سزاوار به آن هستند.

-133

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۲۹۵

(نی) : ابن عقده عن علی بن الحسن عن الحسن بن علی بن یوسف عن المثنی عن زراره قال قلت لابی عبد الله ع عجبتم اصلحك الله و انی لاعجب من القائم کیف یقاتل مع ما یرون من العجائب من خسف الیاء بالجیش و من النداء الذی یکون من السماء فقال ان الشیطان لا یدعهم حتی ینادی کما نادى برسول الله ص یوم العقبه
شماره سریال ۴۹۶

بحار الانوار - جلد ۵۲ - صفحه ۲۹۵ - ابن عقده از از زراره گفت گفتم به امام صادق ع خدا سلامت دهد در شگفتم از قائم چگونه می جنگند با او با وجودیکه می بینند از عجایب از فرو گرفته شدن توسط کلام تازه خداوند سپاهیان شان را و نداء که از سماء می باشد گفت شیطان بحال خود و نمی گذاردشان تا ندا می دهد آنگونه که به پیامبر خدا ندا می دهند به جانشین شدن (جانشینی کلام تازه بجای کلام قدیم قرآن).

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۳۰۵

و روی السید علی بن الحمید باسناده الی احمد بن محمد الایادی رفعه عن عبد الله بن عجلان قال ذکرنا خروج القائم عند ابی عبد الله ع فقلت کیف لنا ان نعلم ذلک قال یصبح احدکم و تحت راسه صحیفه علیها مکتوب (طاعه معروفه)
شماره سریال ۵۲۵

بحار-جلد ۵۲-صفحه ۳۰۵-روایت کرد سید علی بن حمید از.....از عبدالله بن عجلان گفت ذکر خروج قائم نزد امام صادق کردیم پس گفتم چگونه برای ما می باشد که این را بدانیم؛ گفت هریک از شما . برایش واضح و روشن می شود و تحت اندیشه اش کتاب بدون استاد آموخته است که بر آن نوشته است

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۳۰۶

و بالاسناد یرفعه الی ابی بصیر عن ابی جعفر ع قال ان القائم ینتظر من یومه ذی طوی فی عده اهل بدر ثلاثائه و ثلاثه عشر رجلا حتی یسند ظهره الی الحجر و یهز الرايه المغلبه قال علی بن ابی حمزه ذکرت ذلک لابی ابراهیم ع قال و کتاب منشور
شماره سریال ۵۲۹

بحار-جلد ۵۲-صفحه ۳۰۶-به اسنادیکه به ابی بصیر می رسد امام باقر ع گفت : همانا قائم از نمای هماهنگ ایمانی که در دل کلمات پوشیده و نهفته بوده خود را شبیه و منظور نظر می دارد در عده ایی که ارتباط برقرار می کنند و واکاوی می کنند برای تمایز حق از باطل تا نشانه ها بتدریج کامل شود تا اینکه استناد می دهد ظهورش را به راز پوشیده و پرچمی غلبه کننده را به اهتزاز در میاورد (علی بن حمزه گفت این را به امام موسی کاظم ع ذکر کردم گفت : و کتاب منشور. {کتاب نشر یافته}.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۳۱۷

(ع) : ابی عن سعد عن احمد بن محمد عن علی بن الحسن التیمی عن اخویه محمد و احمد عن علی بن یعقوب الهاشمی عن مروان بن مسلم عن سعید بن عمر الجعفی عن رجل من اهل مصر عن ابی عبد الله ع قال اما ان قائمنا لو قد قام لقد اخذ بنی شیبہ و قطع ایدیهم و طاف بهم و قال هولاء سراق الله الخیر
شماره سریال ۵۴۸

بحار الانوار - جلد ۵۲ - صفحه ۳۱۷ - ابی سعید از از مردی از مصر از امام صادق ع گفت اما اگر قائم ما تحقیقا قیام کرد اقتباس از اعمال بنی شیبہ اعمال آنها را طبق روایات نسبت می دهد به آنها و انعام و احسان برای آنها را قطع می کند و به خیال آنها در میاورد و می گوید اینها بندگان خدا.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۳۱۸

(یر) : احمد بن محمد عن جعفر بن محمد الکوفی عن الحسن بن حماد الطائی عن سعد عن ابی جعفر ع قال حدیثنا صعب مستصعب لا یحتمله الا ملک مقرب او نبی مرسل او مومن ممتحن او مدینه حصینه فاذا وقع امرنا و جاء مهدینا کان الرجل من شیعتنا اجرى من لیث و امضى من سنان یطأ عدونا برجلیه و یضربه بکفیه و ذلک عند نزول رحمہ الله و فرجه علی العباد
شماره سریال ۵۵۱

بحار الانوار - جلد ۵۲ - صفحه ۳۱۸ - احمد بن محمد از از سعد از امام باقر ع گفت : حدیث ما سخت و دشوار بنظر آینده است بجز کسیکه کاملاً فرم یافته و هماهنگ و با منطق ترجمه می کند یا نبی مرسل یا مومن مورد امتحان در جهت قانونی حصار کشیده ظاهرش و معنی اش نمی کند و وقتی امر ما واقع شد و مهدی ما سزاوار آمد او مردی باشد از شیعه ما جریان می اندازد به سخن پردازی و شکل می دهد به

فرمهای شکل یافته و با پیشی گرفتنش دشمن ما را پایمال می کند و همانندی خود را (بعنوان مهدی موعود) به ثبوت می رساند و این هنگام نزول رحمت و گشایش عباد است .

-138

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۳۲۶

(ك) : ماجيلويه عن عمه عن الكوفي عن ابيه عن محمد بن سنان عن المفضل بن عمر قال قال الصادق ع كاني انظر الى القائم على منبر الكوفة و حوله اصحابه ثلاث مائه و ثلاثه عشر رجلا عده اهل بدر و هم اصحاب الالويه و هم حكام الله في ارضه على خلقه حتى يستخرج من قبائه كتابا مختوما بخاتم من ذهب عهد معهود من رسول الله ص فيجفلون عنه اجفال الغنم فلا يبقى منهم الا الوزير و احد عشر نقيبا كما بقوا مع موسى بن عمران ع فيجولون في الارض فلا يجدون عنه مذهبا فيرجعون اليه و الله اني لاعرف الكلام الذي يقول لهم فيكفرون به جلد : ۵۲
شماره صفحه : ۳۲۶

بحار الانوار-جلد 52-صفحه 326-ماجیلویه ازاز مفضل بن عمر گفت: امام صادق گفت: گویی نظری می کنم به قائم بر بالا رفتنگاه ارجمندی و حول او یاران و اکاوی و یاری برای تمایز حق از باطل و گسترش دانستن سزاواری ظهور کامل و آنها یاران پرچمهایند و حکم کنندگان از جانب خدا بر مردمش در مجموعه آیات و نشانه هایی که وقتی گرد هم آرایش می گیرند سزاوار حق میشوند تا اینکه بیرون میاورد از بازگشایش کتابی نشان خورده به نشانه طلا عهدی بسته شده از پیامبری خدا ، رم می کنند از او رم کردنی مثل گوسفندان و از آنها باقی نمی ماند بجز بار بردارنده و یازده تقیب همانگونه که باقی ماندند با موسی بن عمران پس سیر می کنند در نشانه هایی که وقتی آرایش می گیرند سزاوار حق میشوند و از آن بیرون رفتنگاهی نمی یابند پس باز می گردند بسویش و بخدا قسم که می دانم کلامی که به آنها می گوید و کفر می ورزند.

-139

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۳۲۹

(غط) : الفضل عن علی بن الحکم عن المثنی عن ابی بصیر قال قال ابو عبد الله ع لينصرن الله هذا الامر بمن لا
خلاق له و لو قد جاء امرنا لقد خرج منه من هو اليوم مقيم علی عبادہ الاوثان جلد : ۵۲
شماره صفحه : ۳۲۹

بحار-جلد 52-صفحه 329- فضل از و و از ابی بصیر از امام صادق ع گفت خدا این امر را یاری می
دهد به کسیکه برای او نصیبی نیست . و اگر امر ما سزاوار آید تحقیقا خارج شود از آن کسیکه آنروز
دائم در عبادت بتها (بتهای مجازی مثل اله سرنوشت) است.

-140

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۳۳۲

(غط) : الفضل عن عبد الرحمان بن ابی هاشم و الحسن بن علی عن ابی خدیجه عن ابی عبد الله ع قال اذا قام
القائم جاء بامر غیر الذی کان
شماره سریال ۵۹۴

حارالانوار-جلد 52- صفحه 332- فضل از از ابی خدیجه از امام صادق ع گفت : هنگامیکه قائم پیا
ایستاد وارد میشود به امری غیر از آنچه در آن بوده است.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۳۳۶

(یج) : ایوب بن نوح عن العباس بن عامر عن الربیع بن محمد عن ابی الربیع الشامی قال سمعت ابا عبد الله ع يقول ان قائمنا اذا قام مد الله لشیعتنا فی اسماعهم و ابصارهم حتی لا یكون بینهم و بین القائم برید یکلمهم فیسمعون و ینظرون الیه و هو فی مکانه . (کا) : ابو علی الاشعری عن الحسن بن علی الکوفی عن العباس بن عامر مثله

شماره سریال ۶۰۸

بحار الانوار- جلد ۵۲- صفحه ۳۳۶- ایوب بن نوح از ۱۰۰۰ از ابی ربیع شامی گفت شنیدم امام صادق ع می گفت : قائم ما وقتی بپا خواست خداوند شیعه ما را در شنیدنشان و دیدنشان کمک می کند بطوریکه فاصله بین آنها و قائم پیام رسان و نامه رسان خاصی نیست با آنها تکلم می کند و می شنوند و نظر می کنند به او و او در مکانش است . {دیگران هم مثل این را روایت کرده اند} . (این نشان می دهد دیدن و شنیدن امام مهدی امری خدایی است)

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۳۳۸

(شا) : روی ابو خدیجه عن ابی عبد الله ع قال اذا قام القائم ع جاء بامر جدید کما دعی رسول الله فی بدو الاسلام الی امر جدید
شماره سریال ۶۱۸

بحار الانوار- جلد ۵۲- صفحه ۳۳۸- روایت کرد ابو خدیجه از امام صادق ع : هنگامیکه قائم بپا ایستاد می آید به امر جدید همانگونه که پیامبر خدا در ابتدای اسلام به امر جدید می خواند.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۳۳۹

(شا) : روی جابر عن ابی جعفر ع انه قال اذا قام قائم آل محمد ع ضرب فساطيط لمن يعلم الناس القرآن علی ما انزل الله جل جلاله فاصعب ما يكون علی من حفظه اليوم لانه يخالف فيه التألیف
شماره سریال ۶۲۱

بحار الانوار- جلد 52- صفحه 339- روایت کرد جابر از امام باقر ع گفت : هنگامیکه پیا دارنده دورنمای کلام آخر الزمانی حضرت محمد پیا خواست خیمه زده میشود برای کسیکه مردم را قرآن می آموزد همانگونه که خدای جل جلاله استوار می کند و سخت می آید آنچه شکل می گیرد بر کسیکه یاد گرفته امروز برای اینکه جفت و جور کردن و تألیف آن مخالف آن است.

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۳۵۲

(کا) : العده عن سهل عن ابن محبوب عن بعض رجاله عن ابی عبد الله ع انه قال کانی بالقائم علی منبر الکوفه علیه قباء فیخرج من وریان قبائه کتابا مختوما بخاتم من ذهب فیفکه فیقرأه علی الناس فیجفلون عنه اجفال الغنم فلم یبق الا النقباء فیتکلم بکلام فلا یلحقون ملجا حتی یرجعوا الیه وانی لاعرف الکلام الذی یتکلم به
شماره سریال ۶۴۴

بحار الانوار- جلد 52- صفحه 352- عده ایی از سهل از ابن محبوب از بعضی مردانش از امام صادق ع گفت: گویی نظر می کنم به قائم بر بالا آمدگی در حالت درهم برهمی بر علیه او پراکندن است پس بیرون می آورد از خفاء ، ان بازگشایی که کرده بود (مطالب قرآن را شکافته و حقیقت را آشکار کرده بود) کتابی نشاندار شده به نشان طلایی پس آنرا جدا و بیرون آورده و برای مردم می خواند پس می

گريزند از او مثل گريختن گوسفندان . باقي نمي مانند جز تقبا . پس به كلام ، جريحه دار مي شوند . ولي بعد ملجائ و پناهي نمي يابند و باز مي گردند به او و من مي دانم كلامي كه به آن جريحه دار مي شوند .

-145

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۳۵۴

(ني) : ابن عقده عن علي بن الحسن عن ابيه عن رفاعه عن عبد الله بن عطا قال سالت ابا جعفر الباقر ع فقلت اذا قام القائم ع بای سیره يسير في الناس فقال يهدم ما قبله كما صنع رسول الله ص و يستأنف الاسلام جديدا
شماره سريال ۶۴۹

بحار الانوار - جلد 52 - صفحه 354 - ابن عقده از از عبدالله بن عطا گفت از امام باقر ع پرسيدم هنگاميكه قائم پيا خاست به کدام سيره در مردم رفتار مي كند ؛ پس گفت آنچه قبل از او بوده را منهدم مي كند آنگونه كه پيامبر خدا (ص) ساخت و از نو ميآورد اسلام جديد را .

-146

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۳۵۴

(ني) : بهذا الاسناد عن البزنطي عن عاصم بن حميد الحنات عن ابي بصير قال قال ابو جعفر ع يقوم القائم بامر جديد و كتاب جديد و قضاء جديد علي العرب شديد ليس شانه الا بالسيف لا يستتيب احدا و لا ياخذ في الله لومه

بحار الانوار - جلد 52 - صفحه 354 - به اين اسناد از بزنطي از عاصم از ابي بصير گفت امام باقر ع مي گفت : قائم پيا مي خيزد به امر جديد و كتاب جديد و قضاوت و حكم جديد كه بر افراد بارز و نمايان (بعنوان متضرر در سر نوشت در اثر برگزیدگی مهدی) سخت مي آيد . كار و بار او نيست بجز چينه و ردیف كردن . احدي را آزاد نمي گذارد و در مورد امر خدا ملامت ملامتگران او را نمي گيرد .

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۳۵۵

(نى) : ابن عقده عن احمد بن يوسف بن يعقوب عن اسماعيل بن مهران عن ابن البطائنى عن اييه و وهيب عن ابى بصير عن ابى عبد الله ع انه قال اذا خرج القائم لم يكن بينه و بين العرب و قریش الا السيف ما ياخذ منها الا السيف و ما يستعجلون بخروج القائم و الله ما طعامه الا الشعير الجشب و لا لباسه الا الغليظ و ما هو الا السيف و الموت تحت ظل السيف
شماره سریال ۶۵۳

بحار الانوار- جلد 52- صفحه 355- ابن عقده از ... از ابی بصیر از امام صادق گفت : هنگامیکه قائم خروج کند بین او و افراد بارز و شاخص (متضرر از برگزیدگی مهدی در تقدیر جادویی) و افراد جمع آورنده سخنچینی بجز چیدمان و چینه (کلام الهی) نیست مآخذ برای اقتباس نمی گیرد جز چینه و چیدمان (چیدمان و ردیف کردن نشانه ها در کلام خدا) و به شتاب نخواهید خروج قائم را بخدا قسم آموزش ادبش (قرآن) جز حس و فهم ناهموار و ناخوشایند نیست و لباسش (لباسی که برایتان میسازد) جز زندگی نیست و آن چیدمان و ردیف کردن و مرگ تحت سایه ردیف کردن و چینه (کلام الهی) نیست

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۳۶۲

(نى) : ابن عقده عن محمد بن المفضل عن محمد بن عبد الله بن زرارہ عن محمد بن مروان عن الفضيل قال سمعت ابا عبد الله ع يقول ان قائمنا اذا قام استقبل من جهله الناس اشد مما استقبله رسول الله ص من جهال الجاهليه فقلت و كيف ذلك قال ان رسول الله ص اتى الناس و هم يعبدون الحجاره و الصخور و العیدان و الخشب المنحوتة و ان قائمنا اذا قام اتى الناس و كلهم يتاول عليه كتاب الله و يحتج عليه به ثم قال اما و الله ليدخلن عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحر و القر
شماره سریال ۶۶۷

حارالانوار-جلد 52-صفحه 362-ابن عقده از...از فضیل گفت شنیدم امام صادق ع می گوید همانا قائم ما روبرو میشود با نادانی مردمی که از جهالتی که پیامبر ص روبرو شد از نادانان جاهلیت شدیدتر است . گفتم چگونه ؟ گفت همانا پیامبر خدا ص آمد بطرف مردمی که می پرستیدند سنگ و صخره و چوب تراشیده شده ولی قائم ما وقتی بیا می خیزد همه آنها کتاب خدا را بر علیه او تاویل می کنند و به آن احتجاج می کنند سپس گفت اما بخدا عدل او داخل میشود درون خانه هایشان همانگونه که داخل میشود گرما و سرما.

-149

جلد : ۵۲

شماره صفحه : ۳۶۳

(نی) : علی بن احمد عن عبید الله بن موسی العلوی عن محمد بن الحسین عن محمد بن سنان عن قتیبه الاعشی عن ابان بن تغلب قال سعت ابا عبد الله ع یقول اذا ظهرت رایه الحق لعنھا اهل الشرق و الغرب ا تدری لم ذلک قلت لا قال للذی یلقی الناس من اهل یتھ قبل خروجه
شماره سریال ۶۷۰

بحارالانوار-جلد 52-صفحه 363-علی بن احمد از...از ابان بن تغلب گفت شنیدم امام صادق ع می گوید: وقتی پرچم حق ظاهر شد اهل شرق و غرب آنرا لعنت می کنند آیا می دانی این برای چیست؟ گفتم نه . گفت بخاطر آنچه در مورد اهل خانه اش می بینند در قبال خروجش.

شماره صفحه : ۳۶۳

(نی) : ابن عقده عن احمد بن زياد عن علي بن الصباح عن ابي علي بن محمد الحضرمي عن جعفر بن محمد عن ابراهيم بن عبد الحميد قال اخبرني من سمع ابا عبد الله ع يقول اذا خرج القائم خرج من هذا الامر من كان يرى انه من اهله و دخل في سنة عبده الشمس و القمر
شماره سریال ۶۷۳

بحار الانوار - جلد 52 - صفحه 363 - ابن عقده از .. ار ابراهيم بن عبد الحميد گفت خبر به من رسيد از کسیکه از امام صادق ع شنیده بود که می گفت : هنگامیکه قائم خروج کند کسیکه خودش را اهل این امر می دید بیرون رود و داخل سنت و شیوه بنده شمس و قمر شدن { از خود تهمت را دور کردن و به دیگران راندن و بازی برد و باخت } می شود.